

کیمپان ورزشی زبان سپهد حجت

یک کرمانی
نظافت دوست
راضربه کرد



تیم با ایران
یک
تیم شوروی
صفر

آفرین بر این تیم امید که بر استی امید آفرید



پیکان جوانان به
پیکان. جاپان
www.javanan56.com

سه فرزند شاهنشاه در مسابقات شنا



نادر اهری، کاسیمز عالیخانگی، منصور هنجی، فریدون سرداری، آزاده جزینی و ایزابل داورپناه.

ردیف آخر (بالا) : دکتر مهدی نمازی، بهرداد نمازی، نادر ستمدی، تیمور شیرینلو، توح بختیاری، ناسدار صالح، افشین قدسی، الاحضرت همایون ولایتعهدی، علی درگاهی، محمد ستوده، کورش صدر، مهکابه عدنانی، مسعود معاون و مهدی رشیدپور (سر مربی)

صفاری و الاحضرت علیرضا پهلوی.

ردیف دوم: منصور گروسی (مربی)، ناتالی مهاجری، و الاحضرت فرحناز پهلوی، بیتا اسفندیاری، نیناز مهدی مقدم، نیلوفر آذریا، مرجان ذوالفقاری، ترسا هاتقی و فیروزه قاطمی.

ردیف سوم: پرویز هدایت (مربی)، کاظم میرعابدی، کیوان کریمی، انوش زاهدی - مقدم، رامین قدسی، امیریزدان پناه

نخستین گل را برای تیم خود زدند. در این عکس اختصاصی و جالب، شرکت کنندگان در این مسابقات با جوانزی کسه بعضی از آنها گرفته اند، حضور دارند که میان آنها سه فرزند گرامی شاهنشاه: الاحضرت ولیعهد، و الاحضرت فرحناز و الاحضرت علیرضا پهلوی دیده میشوند.

ردیف پائین از چپ: مریم شیرینلو، مریم اهری، رؤیا هنجی،

چند روز پیش مسابقات شنا و اترپولو میان شاگردان مدرسه بی که و الاحضرت همایون ولایتعهد در آن تحصیل میکنند در پیشگاه شاهنشاه آریامهر در کاخ سعدآباد برگزار شد.

جالبترین قسمت این مسابقات مسابقه اترپولو میان تیم دالفین - که و الاحضرت ولیعهد در آن عضویت دارند - و تیم کوسه انجام شد که نتیجه هشت برشش بسود تیم دالفین تمام شد و طی آن و الاحضرت

ماده ۶ قانون سازمان تربیت بدنی باید عوض شود

۱۰ ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه پیش سپهبد حجت معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی ایران یک جلسه مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داد و در مقدمه آن اشاره کرد که منظور از تشکیل این جلسه تبادل نظر با نمایندگان و مسائل ارتباط گروهی است برای پیشبرد ورزش ایران.

تغییر قانون تأسیس سازمان

نخستین نکته‌ای که سرپرست سازمان تربیت بدنی به آن اشاره کرد و روی آن بشدت تکیه نمود موضوع تغییر ماده ۶ قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی مصوب مرداد ۱۳۵۱ است. این ماده چنین میگوید:

«سازمان در امور فنی مربوط به ورزش و تربیت بدنی در مدارس و دانشگاهها و آموزشگاههای عالی و سایر سازمانهای دولتی، بازرسی و نظارت خواهد نمود ولی دخالت مستقیم نخواهد داشت و نتیجه بازرسی و نظارت را در شورای سازمان مطرح خواهد کرد.»

حجت گفت: «ما هنوز موفق به تشکیل چنین شورایی نشده‌ایم اما قرار است در آینده نزدیکی تشکیل شود که نخست‌وزیر شخصاً در آن شرکت خواهد کرد. این شورا متشکل است از نخست‌وزیر (رئیس شورا)، وزیر علوم و آموزش عالی، وزیر آموزش و پرورش، وزیر کشور، وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر تعاون و امور روستاها، رئیس ستاد بزرگ ارتش و سرپرست سازمان تربیت بدنی.»

مسئول ورزش مسکلت گفت: «بعقیده من رئیس سازمان تربیت بدنی باید در مواردی که بموجب این قانون برعهده‌اش گذاشته شده است مسؤلیت داشته باشد نه فقط نظارت. زیرا اکنون ماههست که مانع از نظارت و بررسی‌های خود را درباره ورزش مدارس تهیه کرده‌ایم، بودجه آنرا هم در سازمان برنامه تأمین کرده‌ایم، به‌وزارت آموزش و پرورش هم وجود این بودجه ابلاغ شده، اما اکنون کوچکترین قسمی برای آماده کردن این طرح‌ها برداشته نشده است. ماده یکم همین قانون میگوید: «سازمان تربیت بدنی ایران که در این قانون سازمان نامیده میشود بمنظور پرورش نیروی جسمانی و تقویت روحیه سالم در افراد کشور توسعه و تنمیع ورزش و هماهنگ‌ساختن فعالیت‌های تربیت بدنی و تفریحات سالم در کشور و همچنین ایجاد اداره مرکز ورزشی، تأسیس میشود. در بررسی دقیق‌گسترده‌یی که برای نخستین بار در ایران عملی گردیدیم به حقایق بسیار تلخی در امر ورزش مدارس رسیدیم که از نظر تأسیسات و معلم ورزش چقدر کمبود وجود دارد، دیدیم که با معلم ورزش نیست با پدر بعضی جاها از معلمانی که رشته‌های دیگر تدریس میکردند و حالا بوی جشنشان که شده و دیگر نمیتوانند چیزی بدهند بعنوان معلم ورزش استفاده می‌کنند!»

دیدیم که در این مدارس ایران تا پایان برنامه عمرانی پنجم به ۱۹۶۶ مجتمع ورزشی و ۲۱۳۰۵ معلم ورزش نیاز داریم که از نظر تأسیسات در حال حاضر بسیار فقیریم و از نظر معلم هم فقط ۲۲۹۵ نفر داریم که باین

حساب تا پایان برنامه پنجم باید ۱۸۰۱۰ معلم ورزش تربیت کنیم.

اینها حقایق است اینهاست که جلو پیشرفت ورزش را میگیرد.... اینهاست که در گذشته نه هم آهنگ با زمان حال به آن توجه شده و نه آینده‌نگری در کار بوده و این ارتبه را برای ما گذاشته‌اند.

مطبوعات گناه عیب بودن ورزش را به گردن ما میاندازند و همه مات هم پیشرفت در ورزش را از ما میخواهند. اما اگر ورزش از مدارس حتی از کودکان آنها آغاز نشود، چگونه میتوان امیدوار بود که بموجب ماده اول این قانون، در پرورش نیروی جسمانی و تقویت روحیه سالم در افراد کشور موفق بود؟

رئیس سازمان گفت: سال گذشته با آنکه گرفتار کار گسترده‌یی مانند بازیهای آسیایی بودیم از توجه به کارهای اساسی که برعهده سازمانست غافل نشدیم و هیتی مشکل از چهل لیسانسه ورزش به‌سراسر ایران پراکنده شد اما رفتی از کمیوداره تهیه کرد و از آن زمان تاکنون ما سعی با مقامات سازمان برنامه و نمایندگان وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و آموزش عالی جلسه داریم.

من در اینجا میخواهم مخصوصاً از همکاران همفکر در سازمان برنامه بخصوص از آقایان طبری و نوری و بانو خسروناه تشکر کنم که منتهای حسن نیت و همکاری را نشان دادند و همچنین از وزارت آموزش و پرورش آقای احمدابخواه و از وزارت علوم و آموزش عالی آقای دکتر حقدان و بانواهری تشکر کنم که با همکاری توانستیم تمام طرح‌ها را آماده کنیم. حالا چرا وزارت آموزش و پرورش کوچکترین قسمی برای اجرای طرح‌ها برنمی‌دارد این را شما آنرا وزارتخانه می‌پرسید. زیرا بموجب این قانون ما وظیفه خود را به نحو احسن انجام داده‌ایم و همین مسأله مورد ابراد نیست که اگر آماده یکم این قانون مسؤلیت پرورش نیروی جسمانی و تقویت روحیه سالم در افراد کشور و همچنین هماهنگ‌ساختن فعالیت‌های تربیت بدنی و تفریحات سالم را از ما میخواهد نباید در ماده ۶ ما را فقط بعنوان ناظر فنی بدون حق دخالت مستقیم تلقی کند.

۱۹۶۶ مجتمع ورزشی برای مدارس

در طرح پیشنهاد شده که بعثت کمی وگروانی زمین در نقاط مسکونی شهرها، مجتمع‌های ورزشی در وسطچند مدرسه تأسیس شود. تأسیس آنها را وزارت آموزش و پرورش بمهده گرفته و سازمان برنامه هم پولش را در اختیارش نهاده، شما از این وزارتخانه بپرسید چرا شروع نمیکند؟

این مجتمع‌ها حداقل ۷۵۰ مترمربع وسعت دارد که ظرفیتش برای ۲۵۰۰ دانش‌آموز است و در آن میتوان به تمرین فوتبال، والیبال، بسکتبال، دیدن در یک پیست شش‌خطی، پرش ارتفاع، پرش طول و پرش با نیزه پرداخت و همچنین یک استخر شنا و یک تالار با سقف کوتاه و یک تالار با سقف بلند با کلیه سرویس‌های

لازم خواهد داشت. شهرهای مملکت مادر حال حاضر به ۱۹۶۶ مجتمع ورزشی از این قبیل احتیاج دارد در حالی که هنوز احتیاجات روستاها از این باب بررسی نشده زیرا این کار باید با مشارکت وزارت تعاون و امور روستاها صورت گیرد و این کار هم بزودی آغاز خواهد شد.

قیمت هر یک از این مجتمع‌های ورزشی بر اساس قیمت‌های سال ۵۳ بالغ بر پنج میلیون و ۱۳۰۰۰ تومان میشود.

در مورد سری هم به این نتیجه رسیدیم که تا پایان برنامه پنجم به ۱۹۶۶ معلم برای دبستان‌ها، ۴۲۷ معلم برای دوره راهنمایی و ۴۷۶۸ معلم برای دوره متوسطه نیازمندیم که جمعاً ۱۳۰۵ میشود و متأسفانه باید گفت که پس از اینهمه سالی که از عمر ورزش میگذرد ما فقط ۳۲۹۵ معلم ورزش داریم! از این نظر هم طرح دقیقی آماده شده‌است.

سپهبد حجت آمار مفصلی از اقدامات مربوط به توسعه ورزش در مدارس داد که چاپ آن در این شماره مقدمه‌نویست و آنکاصحبتاً به ورزشگاه آریامهر کشاند و اعلام کرد که از روز اول مرداد استفاده از فضای سبز مجتمع آریامهر برای مردم آزاد خواهد شد. منتها چون بر اثر اقدامات مکرر این سازمان، شهرداری حاضر نشده یک خط اتوبوسرانی از میدان ۴ اسفند تا ورزشگاه آریامهر ایجاد کند، بنابراین فقط کسانی که وسیله نقلیه شخصی دارند میتوانند با رعایت ضوابطی از فضای سبز، دریاچه و دو رستوران محوطه سبز مجموعه استفاده کنند. روی دریاچه ۵۰۰ بالون (قایق مخصوصی که مثل دوچرخه رکاب‌میخورد) خواهیم داشت. برای سرگرمی بچه‌ها تاسیسات مخصوصی ایجاد میشود و تمام مسائل مربوط به رفاه و آمایش و بویژه امنیت مردمی که به آنجا میروند به دقت مورد اجراء گذاشته میشود.

وقتی بعثت بر سر فضای سبز ورزشگاه رسید، راجع به جریان سوختگی چمن ورزشگاه اصلی آریامهر پرسیده شد. سردیر این نشریه در این مورد چنین گفت:

۱- انگیزه تعویض چمن چه بوده
۲- به چه علت و با چه اطمینان وجه تعویض این کار به مظالمه کار ایرانی و انگلیسی داده شده و مسئول زبان مادی و معنوی که از این نظر به مردم ایران خورده کیست و چه مجازاتی برایش در نظر گرفته شده‌است.

سپهبد حجت جواب داد: متشکریم که این سؤال را کردید زیرا مطبوعات حمله کردند و عکس چمن را هم انداختند ولی حقیقت در این باره گفته نشده بود. برای نگهداری فضای سبز طبق ضوابط سازمان برنامه باید متربریعی ۱۰ نایل پرداخت کنند اما بیشتر کتی که مهندس بهزادی رئیس آتسب یک قرار داده نایل برای متر مربع داریم و چون مجتمع آریامهر دارای متجاوز از چهار صد هزار مترمربع فضای سبز است ماهانه مبلغ ۴۱۶ هزار تومان بول برای حفظ این

فیه در صفحه ۴۷

کیهان ورزشی
شماره ۱۰۳ - ۱۰۳ سال بیستم
صاحب امتیاز - محمود مصطفی
سردبیر - کاظم گیلانیپور
نشانی - خیابان فردوسی جنوبی
کوچه کیهان

مصر نشان میدهد. عبدالحمید بشکار (شماره ۱۱) - روی پاس حاج رحیمی پور زنده این گل بود. در جلوی دروازه محمد دستجردی دستها را به مملات شادی به هوا بلند کرده و در سمت چپ عکس حسن نظری زنده گل دوم به مصر نیز دستها را بلند کرده و هر دو بسوی بشکار می‌شتابند.
(پاکن) این تیم فوتبال ایران به است که پیش با نتیجه یک بر صفر تیم ایدشوری

شرح عکسهای روی جلد
(بالا) تیم «ایران ب» در برابر تیم ملی مصر با وجود خستگی محسوس - ناشی از دو بازی قبلی - که از خود نشان داد توفیق یافت با نتیجه دو بر یک تیم آفریقایی را شکست داده و در صدر گروه خود قرار کرد.
این صحنه اولین گل تیم ایران را در برابر



تیم ملی مصر هم تسلیم قدرت ملی پوشان جوان شد

حسن علی حسن (سمت چپ) دروازه بان تیم ملی مصر از هجوم اسماعیل حاج رحیمی پور مهاجم سفیدپوش تیم ملی ایران ب به هراس افتاده است درحالیکه بنظر میآید مدافع مصری با ضربه سر موفق بدفع توپ شده باشد. در سمت راست السیاقی (۱۲) کاپیتن تیم ملی مصر قرار دارد که با خطا روی دستچردی پنهانی وکل پیروزی را برای ایران آفرید.

کرنر زنده. در نیمه دوم سهم کرنر هر دو تیم سه ضربه بود. تیم ایران در نیمه اول با پاس قشقائیان از راست و فرار عالی حاج رحیمی پور - که با یک پاس به بشکار کامل شد - به گل برتری دست یافت، این گل با ضربه بشکار در دقیقه ۳۸ وارد دروازه ملی پوشان مصر شد.

تا قبل از این گل خطرات برای دو تیم یکسان بود. فاروق غفار مدافع مصر نزدیک بود با ضربه سر دروازه خود را بگشاید که توپ به کرنر رفت و ضربه دینورزاده نیریدیلودروازه ایران توسط بیژن ذوالفقارنسب (بهترین مدافع ایران) دفع شد. در برابر شوت خلیل، راغفر موفق نشان داد و در مقابل ضربه مانیس علی حسن (دروازه بان مصر) تلافی کرد.

در نیمه دوم طه بصری (کاپیتن روز پیروزی بر ژنر) بجای عبدالیکلی خلیفه وارد زمین شد و السیاقی به دفاع راست جای خلیفه رفت. با این آرایش قدرت تیم مصر در خط حمله - بویژه از جناح راست - بیشتر شد.

آغاز نیمه با برتری نسبی مصری‌ها همراه بود شوت ناگهانی البانکی به درک دروازه ایران خورد اما در دقیقه ۱۰ لحظه کامیابی و شادی مصری‌ها فرا رسید زیرا

مبروک ۱۴ - حسن شعاطه ۹ ، شاکر عبدالفتح ۱۵ ، محمد السیاقی (کاپیتن) عادل البابی ۷ ، اوتاما خلیل ۱۷ ، مسعد نور ۱۱ ، ذخیره‌ها : حشام عظمی ، حسن حمدی ، علی خلیل ، رنگ پیراهن : سبز

گل‌ها: ۱ - عبدالمجید بشکار (۳۸) ، ۱ - شاکر عبدالفتح (۶۱) ، ۱ - حسن نظری (از روی نقطه پنالتی ۷۲)

تماشاگر: حدود پانزده هزار تن
داوری خوب: استیج (لهستان) با کمک هولولی و خوشخوان (ایران)
بازیکنی اخطار نگرفت و اخراج نشد
بهترین بازیکن: حسن شعاطه از مصر

تنگ کرد. در طول مسابقه با اینکه مصر در بیشتر اوقات مهاجم تر نشان داد ولی این ایران بود که در اردوی مصر خطر میآفرید و در نیمه اول با برتری از میدان خارج شد. در نیمه اول ایران سه کرنر و مصر یک

جام فوتبال ایران - گروه دوم ایران «ب» (۱) ۲

حسن راغفر ۱ - علی رضا قشقائیان ۲ ، بیژن ذوالفقارنسب ۴ (کاپیتن) ، جواد الله وردی ۵ ، مهدی دینورزاده ۳ - مانیس میناسیان ۱۴ (گازتیک شهینداری ۱۳ از دقیقه ۵۸) ، حسن نظری ۵ ، ابراهیم قاسمیور ۹ - اسماعیل حاج رحیمی پور ۷ ، عبدالمجید بشکار ۱۱ ، محمد دستچردی ۱۰

ذخیره‌ها: کریم بوستانی ، سعید باغوردانی ، حمید شهبازی ، جاوید جهانگیری ، رنگ پیراهن: سفید

مصر (۰) ۱
حسن علی حسن ۱ - محمود الگوهری ۳ (طه بصری ۱۰ از نیمه دوم) احمد عبدالیکلی خلیفه (از دقیقه ۵۵ مصطفی بوبیس ۱۳) ، فاروق غفار ۶ ، فتی

و پاسهای آنان بطور سریع و دقیق در سطح زمین بین بازیکنان رد و بدل میشد. تیم ایران با وجودیکه در جناح راست دفاع نزول نشان داد معهذاً جنگندگی بازیکنان و پرتسری هافبک‌ها (بویژه قاسمیور) عرصه را بر مصری‌های مصمم

ورزشگاه راه‌آهن (چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۴) - بمانند روز سابقه ایران الف با امید شوروی ، والا حضرتت ولا بتعهد بطور خیلی ساده و بدون تشریفات به تماشای مسابقه تشریف فرما شدند و تیم ایران «ب» «امید» در همبیران بازیهای بد تیم الف تیم ملی مصر را دو بریک شکست داد و با سه پیروزی بی دردی صدرنشین گروه دوم شد و به نیمه نهائی راه یافت درحالیکه تیم ملی مصر بهترین بازیکن را در برابر جوانان ایران انجام داد و تحسین همگان را برانگیخت.

تیم ایران در غیاب ناصر نورانی فاقد قدرت ضربتی در نوك حمله بود اما یک دستچردی عالی و حاج رحیمی پور پرکار و سریع جبران این کمبود را کرد و تیم امید گرچه نظم و زیبایی دویازی قبلی را نداشت و بارها از جناح چپ دفاع از ناحیه حریف تهدید شد، معهذاً تیم پیروز و موفق میدان بود. مصری‌ها در ارائه بازی عالی و منظم خود باز هم از ضعف ادامه آهنگ حمله در درون محوطه جریمه زبان بردند و با اینکه با تمام قوا کوشیدند تا معجزه کنند و سه بر صفر پیروز شوند تا صعود کنند، معهذاً مغلوب اراده برتر و قدرت جوانان ایران در بازی درون محوطه خطر شدند. در تیم مصر حسن شعاطه با شماره ۹ ستاره زمین بود و بارها دروازه ایران را تهدید کرد. تیم مصر بازی هماهنگ و دستجمعی داشت

با یک ضدحمله سریع، عبدالفتح پاس نفوذی از شحاته وارد درون محوطه جریحه تصاحب کرد و با شلیکی دقیق کل تساووی تیم ملی مصر را بشر رساند. تیم مصر برای مدتی حاکم بر زمین شد و شوت عالی شحاته میرفت دو زمین کل را برای مصری بار آورد که این ضربه با فاصله بی بسیار اندک از کنار گل گشت. اما ایران—

که گارنیک (هافبک جنگنده) را بجای مائیس آورده بود— بازی را به اداره خود درآورد و مالک میدان شد. در دقیقه ۷۰ مصری ها با ضدحمله بی دیگر خطرآوردند. اما السیاقی کاپیتن تیم موفقیتی عالی را هدر داد و از شدت عصبانیت دو دقیقه بعد دستجردی را درحالیکه با پاس خوب نظری آهنگ دروازه مصر را داشت با خطا

سرنگون کرد و مرتکب پناهی شد. حسن نظری ضربه پناهی را محکم و تقریباً زمینی بدون گل فرستاد و باردیگر برتری با ایران افتاد.

بعاد از این گل جوانان ایران قدرت و روحیه بی دو چندان یافتند و با حملات بی درزی بویزه از سوی دستجردی وحاج

رحمی هم دروازه مصر را تهدید کردند و سرانجام با شوت بابان بعنوان تنها تیم جام شناخته شدند که به سه پیروزی بی درزی در دور مقدماتی دست یافتند. دوری این مسابقه بسیار عادلانه بود و ایران با عبور از سد لهستان، ژنیر و مصر بعنوان تیم سرگروه روانه میدان شوری در نیمه نهائی شد.

ژنیر پایه های لهستان را لرزاند

لهستان (۱) ۳

آندره سیکورسکی ۱-۶ — آندره دسکوف، زینگیو بلا زوفسکی ۲-۳ — ولادیمیر تومیسکی ۱۷، ووچسلی وودی ۱۲ — کازیمیر بولزاک — تاد بوباولوفسکی ۷ (از دقیقه دقیقه ۸۰ مارک کوشنوا ۱۱، لسیزک وولسکی ۱۰، وینولد کاراس ۱۳، کاپیتن) (از ذخیره ها: زینگیو هانتو، آدام کروبا، آندره فیشر

که در هوای آفتابی و بسیار گرم توانش را از دست داده بود، تا سه دقیقه قبل از پایان مسابقه، در تساووی یک بریک در بندریرف آفریقائی بود و این نتیجه مثبتانست برای صعود لهستانی ها خطرناک باشد.

تیم ژنیر با نمایش خوب در بازی با توپ و دفاعی برخلاف گذشته محکم، جایگزین و هوشیار به لهستان حمله کرد و اگر بخت بیشتر یارش بود، تیم خوش-ترکیب جام را شکست میداد زیرا در نیمه اول شوت عالی ندایا گل زن ژنیر و ضربه سر کا کوکو (بلافاصله بعد از گل اول لهستان) به دیرک دروازه خورد و کاتچی-موکو در نیمه دوم با ورود به زمین همه را دریل کرد (حتی دروازه بان را) اما ضربه آرام او توسط مدافعان خنثی شد.

زنک پیراهن: سفید
ژنیر (۱) ۳

کابیندا ۱۲ — بندنا ۱۰، مایه ۱۰، لوبیلو ۱۶، لوبونگولو — مانا ۸، مینگو ۷، کاسلایا ۴ — کیوی ۱۷ (از دقیقه ۵۳ کاتچیو کا ۱۸)، ندایا ۹، کا کوکو (کاپیتن) (از دقیقه ۷۸ مایانگا ۱۴) ذخیره ها: کونگولو، بوکاسا، ندایه زنک پیراهن: زرد

درست یک دقیقه قبل از پایان نیمه اول، کازیمیر کیمیسیک بهترین گل زن تا پایان دور مقدماتی (با چهار گل) یک تنه از چپ گریخت و بعد از مکنی کوتاه توپ را از برابر دروازه بان و مدافعی که دروازه را میخواست ببوشاند، بدون گل زد.

گل ها: ۱- کازیمیر کیمیسیک، ۱- ندایا (۷۳)، ۱- زدیسلو کاپکا (۸۷)، ۱- مارک کوشنوا (۸۹)

در نیمه دوم ابتدا شوت مانا هافبک و ستاره این مسابقه توسط دروازه بان لهستان بزحمت کتر نشد اما در دقیقه ۷۳ نادایا از سانتیری بلند سود پرید و توپ را بشر رساند.

تاشاکر: حدود هشت هزار تن داو: نظری با کمک رباهی و رحمانیان (هنگی از ایران)

بعد از این گل، ژنیر چند بار بخت گل زدن داشت و بازی را در اختیار گرفته بود. اما لهستان— که به دو تعویض دست زد— پاس های سه دقیقه آخر توسط کاپکا و کوشنوا دو گل بی درزی به ژنیر زد که گل سوم معلول عصبانیت و نا ایدید ژنیری ها از گل دوم بود. بازیکنان ژنیر معتقد بودند که کاپکا در موقعیت آفساید گل زده است.

بهترین بازیکن: مانا از ژنیر
ورزشگاه راه آهن (چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۳) — تیم ژنیر با اینکه سفت پوش حتی شده بود، نبردی دلآورانه و تحسین آمیز در برابر تیم ملی امید لهستان انجام داد و نزدیک بود که در دست حریف بدهد. لهستان

بعد از این گل، ژنیر چند بار بخت گل زدن داشت و بازی را در اختیار گرفته بود. اما لهستان— که به دو تعویض دست زد— پاس های سه دقیقه آخر توسط کاپکا و کوشنوا دو گل بی درزی به ژنیر زد که گل سوم معلول عصبانیت و نا ایدید ژنیری ها از گل دوم بود. بازیکنان ژنیر معتقد بودند که کاپکا در موقعیت آفساید گل زده است.

رده بندی گروه اول
تیم امتیاز برد
۱- گلاس اکسپورت ۳ (چکواکی)
۲- ملی امینشوری
۳- ملی ایران الف

تیم	امتیاز	برد	تساوی	باخت	زده	خورده
۱- گلاس اکسپورت (چکواکی)	۳	۱	۱	۰	۲	۲
۲- ملی امینشوری	۲	۱	۱	۱	۱	۱
۳- ملی ایران الف	۱	۰	۱	۱	۱	۲

رده بندی گروه دوم
تیم امتیاز برد
۱- ایران «ب» ۶
۲- ملی امید لهستان ۴
۳- ملی مصر ۲
۴- ملی ژنیر ۰

تیم	امتیاز	برد	تساوی	باخت	زده	خورده
۱- ایران «ب»	۶	۳	۰	۰	۷	۳
۲- ملی امید لهستان	۴	۲	۱	۱	۹	۵
۳- ملی مصر	۲	۱	۲	۱	۶	۵
۴- ملی ژنیر	۰	۰	۲	۴	۴	۹

سودوزیان جام ایران

از: د - اسداللهی

پیش از جنگ بین المللی دوم سرسرد. در آن سالهایی که مرادوات بین المللی منحصر به جام جهانی و بازیهای المپیک بود که این هردو بخاطر دشواری در رفت و آمد نمی توانستند چون امروزه با حداکثر سرعت کننده برگزار شوند. از جام ملتها جری نبود و از سه جام باشگاه کنونی در اروپا و دو جام بین المللی و یک جام باشگاهی در افریقای جنوبی نیز خبری در دست نبود.

به نتایجی که از جام ایران در دیدگاه ارقام گل و مفاصل زده بندی دست خواهد آمد بهیچوجه علاقمند نیستیم. باوجود آنکه هر گاه تیمی ایرانی چه ملی چه باشگاهی رود روی سازمانی بیگانه میبایستد کمال شادی خود را در پیروزی ایرانی میبایم و این یک نقطه نظر حساسی است.

در دیدارهای جام ایران آنچه که می تواند از نظر حساب موثر و مورد نظر باشد نتایج زحمی در دیدارهای احتمالی تیم ملی ایران با تیم های ملی جمهوری متحده عربی (مصر) و ژنیر است چه تنها اگر چنین دیدارهایی در گیرد پیرحال رنگ دیدار رسمی ملی بخود گرفته و در فهرست های تاریخ دیدارهای بین المللی وارد میشود. و گرنه دیدارهایی نظیر ایران - گلاس اکسپورت و حتی ایران - تیم امید شوروی و ایران - تیم امید لهستان بحساب جدی گرفته نمیشود چون بین تیم های ملی نیست.

دیدارهای تیم ملی ب نیز در این رهگذر وارد فهرست های بین المللی نمیشود و حتی اگر دیدارها عبارت از ملی ایران «ب» با ملی لهستان «ب» یا غیره باشد. چون اینها فقط بدرد مقایسه زمانی میخورد نه درج در فهرست ها. زیرا تیم های ملی «ب» صاحب آن صلاحیت و رسمیت تیم های ملی نمی باشد.

در آن روزگاران تعداد مسابقات بین باشگاهی کشورها نیز کم شمار بود و معمولاً در اروپا منحصر به بازیهای جام مسرتزی و جام لاین میشد که تشکیلات منظم و قابل توجه نداشتند. در این شرایط باشگاهها معمولاً هفته ای یکبار مسابقه باشگاهی داشتند و در عرض سال با فصل فوتبال به حداکثر ۴۸ مسابقه در انگلستان و ۴۴ مسابقه در کشورهای دیگر میرسیدند که با حساب مسابقات قهرمانی باشگاهها و جام حذفی بنست میآید. که گرچه این تعداد مسابقه بساری زندگی یک تیم فوتبال مناسب بود، ولی نمیتوانست بسقف فعالیت یک تیم حرفه ای برسد بنابراین در پایان هر فصل فوتبال، باشگاهها سعی میکردند نیروی اضافی و باقیمانده بازیکنان خود را در راه تماس های خارجی صرف کنند و از این راه پولی اضافی نیز بدست آورند. بدین روی از این نوع جام ها بین کشورهای همجوار فراوان بود و اسبانیان بیشترین تعداد تماس های خارجی را برگذار میکرد.

چیز چشمگیری که بدرد درج در فهرست نتایج بین المللی تیم ملی ایران بخورد، بدست نیامد پس از این دیدگاه نیست که باید سود و زیان جام ایران بررسی گردد.

سود و زیان جام ایران را از دو دیدگاه مطالعه میکنیم که یکی در ارزش وجودی جام ایران است و دیگری سرتحول سطح عالی فوتبال در نظرگاه تیم ملی.

ارزش وجودی جام های نظیر جام ایران تاریخ آغاز این نوع جام ها بسالهای

لطفاً ورق بزنید

سود و زیان جام ایران را از دو دیدگاه مطالعه میکنیم که یکی در ارزش وجودی جام ایران است و دیگری سرتحول سطح عالی فوتبال در نظرگاه تیم ملی.

ارزش وجودی جام های نظیر جام ایران تاریخ آغاز این نوع جام ها بسالهای

بقیه از صفحه پیش

بعنوان جشنواره پایان مسابقات نیز معمول بود.

بعدها این تماس های خارجی جنبه دیگری یافت و از صورت جشنواره و صرف نیروی اضافی خارج شده بصورت میدان آزمایش و محل درآمد مورد توجه قرار گرفت و تاریخ آن نیز اندکی عقب رفت. در این دوران دوم تیم های حرفه ای سعی میکردند سرما به آینده خود را آزمایش کنند و دست آوردهای خود را از بازار نقل و انتقال پایان فصل ارزایی کرده و فرصت تجدید نظر داشته باشند. امروزه این جام ها تمام درجات اعتبار خود را از دست داده اند و معمولاً جای خود را بگردش های تفریحی سپرده اند. نظیر گردش هایی که تیم های اروپایی در پایان نیمه فصل نخست در سرمای زمستان برگزار میکنند و بسرمین های گرم میروند. یا در پایان نیمه فصل دوم صورت میدهند و هدفشان تغییر آب و هوا، ترتیب نوعی زندگی اردویی، آزمایش جوانان و ذخیره ها و از همه بهتر کسب درآمد روی شهرت است.

با این وجود اساس تماس های خارجی هنوز برای کشورهایی که صاحب فوتبال برنامه ای و مسابقات عالی قهرمانی باشگاهها نمی باشند محترم و قابل استفاده است چه در حال این می تواند میدانی برای رقابت بر سر عنوان یا جایزه آن باشد.

در این دیدگاه یعنی بررسی روی اساس وجودی تماس های خارجی، جام بین المللی ایران فاقد پایه قابل تصورات است.

جام ایران بجای جام بین المللی ایران

اگر فوتبال ما فرصت حوصله برگزاری مسابقاتی در سطح عالی دارد و می تواند در کنار جام تخت جمشید که عالی ترین مراسم مسابقات فوتبال ما با هر کشوری باشد مسابقات پر ارزش دیگر هم برگزار کند، خوب است به آن چیزی پردازد که در مفرات جام تخت جمشید آمده و در فراموشی سه ساله مدفون است و جام ایران با جام حنفی نام دارد. چیزی کسه در انگلستان بالاترین رسم فوتبال است و در فرانسه تنها مسابقات ورزشی است که در بدانی آن با حضور رئیس جمهوری برگزار میشود.

خلق جام ایران (جام حنفی) سوی اینکه طرح یک عنوان و یک رقابت جدید و سریع و ایجاد یک هیجان در زمینه غافلگیری است، هم مسابقه بیشتر در اختیار تیم های دسته اول قرار میدهد و هم امکان خودنمایی و کسب درآمد به تیم های آماتور و دسته دوم می بخشد. امروزه یک تیم درگیر در جام تخت جمشید فقط ۳ مسابقه رسمی دارد. در حقیقت بلکه حد متوسط

و معقول از نقطه نظر تناسب نیرو و کاربرد آن برای یک تیم فوتبال. و دیدار و برای یک بازیکنی. و دیدار رسمی است. باشگاههای بزرگ اروپایی و امریکایی جنوبی که صاحب بیش از ۲۰ بازیکن

حرفه ای و گاه مانند رئال مادرید در عهد عظمت، صاحب ۳۵ بازیکن حرفه ای می باشند سقف تعداد سابقه خود را در یکسال جلودر مسابقه می نهند. جام ایران (جام حنفی) میتواند در سال آینده بصورت تعیین سرنوشت در رفت و برگشت، بر تعداد مسابقات رسمی هر تیم جام تخت جمشید بیافزاید.

در انگلستان که بنیانگذار جام حنفی می باشد از سال ۱۹۶۶، رسم جدید برای ششگانه هر تیم صاحب زمین بتواند در جام شرکت کند و پیش از آن هر تیمی که وارد یکی از مسابقات بود و تاحد مسابقات شهری میرسید حق شرکت داشت.

باید به این نکته مهم دروازه خلق جام ایران توجه بود که ترتیب چنین مسابقاتی در سطح کشور اگر بخواهد خوب و در حد معقول باشد، زیاد آسانتر از برگزاری جام تخت جمشید نیست ولی آسان تر میشود بشرط آن که در راه برگزاری از تمام نیروهای برگزار کننده در سطح کشور طی برنامه ای جامع و دقیق استفاده شود.

من باتمام ایمانی که به حقانیت جام تخت جمشید، جام والا حضرت ولیعهد و خلق دسته دوم جام تخت جمشید دارم، و همین معتقدم که خلق «جام ایران» نیز در سطح عمیق فوتبال ما، ارزشی هیاهو همتای هر یک از آن مسابقات شریف را دارد.

دیدگاه دوم

دیدگاه دوم بررسی مطالعه سیر تحول سطح عالی فوتبال، در دیدگاه تیم ملی است. که این دیدگاه از یک جهت مهم، کارگروه رهبری را مورد شنجش قرار میدهد نه کار بازیکنی را که زائیده بافصل مسابقات داخلی است زیرا تجمع واردی پیش از دوا سه هفته اوضاع واحوال دیگری بوجود می آورد و این اوضاع واحوال غیر از آن چیزی خواهد بود که در متن مسابقات داخلی بوجود آمده است. شاید تنها خاصیتی که در این دیدگاه است، بازشناسی نیروهای جدید و پیداشده در سطح داخلی و آزمایش آنها در سطح خارجی است.

زندگی مدام

در گذشته نیز پیرامون نوع زندگی تیم ملی و تداوم حرکت این زندگی بحث کرده بودم و مطمئنم که همگان اینک میدانند که منظور از زندگی مداوم چیست. تیم ملی انگلستان در عرض سال بطور متوسط بالای ۱۲ دیدار ملی دارد که شش تای آن در کادر مسابقات جام بریتانیا و شش تای دیگر آن در کادر برنامه های دراز مدت تیم ملی با کشور های غیر بریتانیایی است و این غیر از درگیری تیم ملی در مسابقات رسمی دنیا از قبیل جام جهانی است. ولی مسابقات جام ملتهای اروپا را در بر میگیرد. مسابقات تیم ملی در طول سال پراکنده می باشد و بنوعی صورت میگیرد که زندگی قهرمانی باشگاهها را فلج نمیکند.

برای ما که میخواهیم در عرض سال بعنوان فصل فوتبال ۳۰ هفته را اشغال کنیم، اختصاص شش تا ده هفته به مسابقات تیم ملی و اختصاص شش تا ۱۰ هفته به مسابقات جام ایران (جام حنفی) نابجا و زیاده برد نمی باشد با این توجه که چون مسابقه تیم ملی در خارج از ایران برگزار شود، بزندگی قهرمانی باشگاهها لطمه زده و تنها تیم هایی که بیش از دو بازیکن تیم ملی دارند، مسابقه مربوط به خود را بتعمیق می افکنند و چون مسابقه ملی در خاک ایران برگزار شود باید به احترام آن تمام مسابقات دسته یکم و حتی دسته دوم تعطیل گردد.

حداکثر اردو برای چنین مسابقاتی ۶ روز کامل یا ۶ روز دو بخش می باشد. روز کامل اینست که چون روز جمعه مسابقات قهرمانی پایان می یابد، اردوی تیم ملی از صبح شنبه تا روز جمعه که زمان مسابقه است برقرار میگردد. و ۶ روز در دو بخش عبارت از این است که اردوی سه روز در روزهای یکشنبه: دوشنبه و سه شنبه بازیکنان به تیم های خود میروند تا تدارک نسیاقه باشگاهی روز جمعه خود را ببینند و باز روز شنبه به اردوی تیم ملی باز میگردند. نسیطر به زندگی باشگاهها پیش از این برای کشور ما مجاز نیست ولی کمتر از آن و تا ۴۸ ساعت زندگی اردویی برای اکثر کشور های اروپا معمول است.

یک روز نمی توان چنین برنامه ای تدارک دید و اعلام کرد که مثلا سال آینده، در چه روزهایی در داخل و چه روزهایی در خارج دیدار ملی داریم. بلکه ترتیب این برنامه نیازمند یک دوره تماس ها و مکاتبات مفصل با کشورهای مناسب است که با اندکی بذل توجه اقتصادی میتوان مطمئن بود که برای سال آینده دست کم دیدار ملی از این نوع برای سال های بعد به سر زده دیدار ملی واقعی برسم. میتوانیم کشورهای را بعنوان حریف برگزینیم که زمان و حتی شرایط را در اختیار آنان نهمیم و امیدوار باشیم.

این راهی مشکل است که نیازمند سرمایه است ولی برای بخشیدن تداوم به زندگی تیم ملی و بهره گیری از مزایای آن چاره ای غیر از این نیست و این مسابقات موجود بهیچ دردی نمیخورد غیر از آنکه زبان داشته اولین زبانش در هم ریختن برنامه زندگی بازیکنان بعد از فصل فوتبال است.

بازیکنان، میبایست بعد از مسابقات در شرایط سخت جام تخت جمشید به استراحت پرداخته و به ترمیم پردازند تا با استراحت از روی برنامه، به بافتن آرامش عصبی و تقویت عضلانی موفق شوند تا همیشه آغاز فصل تدارک را با اشتیاق زیاد جشن بگیرند.

ما اینک آنان را خسته از پایان فصل، به یک جنگ دیگر عضلانی و عصبی گرفتار کرده ایم و به تحقیق نمی توانیم کوچکترین بهربری از این زحمت اضافی بگیریم.

هسکار گرامی آقای جهانپخش الهیاری

احراز مقام قهرمانی دو میدانی آموزشگاههای کشور را تبریک میگوینم. مریض ورزش اردبیل

تعصب و غیرت امید، بر تکنیک شوروی ها غلبه کرد

این بار امیدها به جنگ چکها میروند

چهارمین پیروزی پی در پی، ایران «ب» را به روز سرنوشت برد



جام فوتبال ایران (نیمه نهائی)

ایران «ب» (۰)

حسین زاغفر ۱ - علی رضا شافقیان ۲ ، بیژن ذوالفقار نسب ۳ (نایب) ، جواد الله وردی ۴ ، مهدی دینورزاده ۵ - مانیس میناسیان ۶ ، حسن نظری ۷ (از دقیقه ۸۹) ، جاوید جهانگیری ، ابراهیم قاسمیپور - اسماعیل حاج رحیمی پور ، محمد شهبازی ۱۰ ، محمد دستجردی ۱۱ .

ذخیره ها : کریم بوستانی ، سعید باغوردانی ، جمشید رشیدی ، مجید بشکار ، زنگ بیراهن ، سفید

امیدشوروی (۰)

ویکتورادوف ۱ - الکساندراسین ۲ (کاپیتان) ، الکساندریویکو ۳ ، واسیلی جونیکوف ۴ ، ویکتوربو کیفیسلی ۵ - یوری آدجه ۶ (از دقیقه ۹۱) ، آناتسولی دورچنکو ۷ (۱۵) ، یوری بودیشوف ۸ ، یوری لیوولوف ۱۰ - ولادیمیر گوزنیف ، یوری کوزنیتین ۱۲ ، خورن اوگانیسیان ۱۳ (از دقیقه ۸۶) ، ویشالی روزایوف ۱۴ (ذخیره ها : وشلاف ۱۸ ، باریس کوزنیف پتراسلوپودیان

زنگ بیراهن ، قرمز

گل : حمید شهبازی در دقیقه ۸۲

برای ایران

داور : محرم (مصر) با کمک استیج

(لهستان) و نظری (ایران)

تماشاگر : حدود ۵۵ هزار تن

بازیکنان خطاری : دلمین و گوزنیف از شوروی .

بهترین بازیکنان : بیژن ذوالفقار نسب ، ابراهیم قاسمیپور

محمد دستجردی از ایران و اوگانیسیان از شوروی

ورزشگاه آرپامهر (جمعه ۲۷ تیر

۱۳۵۴)

تیم ملی امید ایران (ایران ب) هفته پلانی

خود را پشت سر گذاشت و با تمام شکست

مدل پوشان اصلی ، با گل دقیقه ۸۲ حمید -

شهبازی (سناچه خوزستانی) تیم ملی امید

شوروی را شکست داد . در حالیکه حریف

مغلوب از نظر فن و سطح بازی بهترین تیم

این جام بود . تیم جوان ایران در برابر قدرت

و احاطه بازیکنان شوروی ، با اسلحه تعصب

و خوشه گیری بازیکنان خط میانی به میدان

آمد .

تیم شوروی در نیمه اول برایان برتری

داشت و این براس را بوجود آورد که ملی

پوشان جوان نتوانند از سد بلند دفاع عبور

کنند . اما در نیمه دوم چچه ها جلگی هر

چه داشتند رو کردند و به آنچه که شایسته

آنان بود رسیدند . این پیروزی چهارمین

موفقیت بی دربی جوانان و بهترین کارنامه

برای تیم های این جام بود .

شوروی در برابر چکسلواکی و ایران

الف نشان داد که تیمی است با خصوصیات

عالی در ارائه فن فوتبال ، اما ضعف

در قدرت تمام کنندگی و ادامه آهنگ بازی

در درون محوطه جریمه ، آسان که در جگه ،

نتوانست در محوطه خطر ایران خطر سازی

جدی برای زاغفر هوشیار و مدافعان چکنده

ایران باشد . در قلب دفاع ایران

ذوالفقار نسب با داشتن وظیفه کاپیتانی ،

حضور والا حضرت همان بولایتعهدی در جمع تماشاگران بدون هیچ تشریفات به امیدهای جوان دلگرمی و روحیه بی دوچندان داد تا آنجا که تیم همتا صاحب نام اروپایی را هم از پای در آوردند . بینید والا حضرت چگونه بسان دیگر تماشاگران در جمع مردم غرق تماشای مسابقه هستند . در سمت راست ایشان کاپیتان آتاپای رئیس و هوشنگ دیده بان دبیر فدراسیون فوتبال افتخار حضور دارند .

او به هنگام تصاحب توپ همیشه حریفانش برتری نشان داد و آغاز گل نیز از سوی او بود .

حمید شهبازی - گر چه نتوانست آن طور که باید جلوه کند - اما روحیه تلاش در بستر رساندن گل سرنوشت ساز پیروزی قابل تقدیر بود گلی که مسابقه نهائی را بار دیگر ایران و گلرلاس اکسپورت چکسلواکی در مبارزه بر سر جام ، به میدان پیشکشگر کشید .

منتهی اسامیل بجای ملی پوشان پیروز سال قبل ، جوانان متعصب و با حمیت ایرانی به مساف هوشیاران چک میروند .

در تیم ایران حس همکاری خوبی به چشم میخورد و اغلب پاس ها بطور زمینی و عرضی انجام میگرفت و همواره بازیکن صاحب توپ در جستجوی یار در فضای خالی و مناسب بود .

تیم شوروی با وجود دفاع عالی به در قلب آن « بویکو » با قامتی بلند میدرخشید آمده بود تا امیدها را هم ، بسان ملی پوشان ناکام کند . آنان در حفظ توپ و حرکت در زمین نشانه هایی از تیمی قابل حساب اروپائی داشتند در این روز به شوت زن هائی مانند کوزنیتین ، کورالوف و اوقانیسیان هرگز فرصتی داده نشد .

لطفاً ورق بزنید

گل پیروزی ایران بر شوروی

این ضربه را در دقیقه هشتاد و دوم شهبازی (سفید پوش) با سرعت

عمل شلیک کرد و با وجود شیرجه سریع رادف دروازه سرخ پوش های امید شوروی را به آتش کشید . بودیشوف (۸) هافبک شوروی تا دهانه دروازه به عقب کشیده تا شاید مانعی برای گل باشد اما او نیز چون دروازه بان کاری از پیش نبرده است .



در مسابقه های انتخابی کشتی فرنگی جوانان. همه ستاره بودند

قهرمانان اوزان دهگانه کلیه حریفان
خود را زیره فنی کردند!

* بهروز دانش / غلامرضا قصاب، جعفر علیزاده، هاشم کلاهی و اسماعیل عربی زاده برای شرکت در مسابقه های جهانی برگزیده شدند.



فن قاراشمیش

وقتی فن کنده فرنگی با سالتو قاطی بشود، چنین صحنه ای پیش می آید که با اصطلاح عامیانه به آن می گویند «فن قاراشمیش» مجری این فن داود خانعلی زاده است که علی الفغانی را این گونه با درهوا کرده است.

عباس غازاریان (سرپرست مسابقه ها) علیرضا زرنگی، مجتبی نبویه و عبدالله زارع (سنولان جدول).

پرویز سیروس پور، پرویز عرب، ابراهیم نیک سرشت، حسن سحرخیز، منصور صراف، حسین زراقی، مرتضی اخوت ابوالقاسم رایگان، رحیم عطیسی، جمشید تجلی، منصور رئیسی، اسماعیل احدیه و اصرانصاری.

مسابقه های انتخابی کشتی فرنگی جوانان ایران طی چهار روز روی دو تشک

لطفاً ورق بزنید

مسابقه های کشتی فرنگی جوانان (زیر بیست سال) برای انتخاب تیم اعزامی به مسابقه های جهانی «خاسکوا» (بلغارستان) با شرکت ۱۴۵ کشتی گیر در ده وزن برگزار شد و برای اولین بار در تاریخ کشتی ایران قهرمانان ده وزن کلیه حریفان خود را با ضربه فنی شکست دادند. یعنی همه قهرمانان ستاره بودند! ولی غلامرضا قصاب یک سرور کردن از همه بالاتر بود و نشان داد که در حال حاضر بهترین کشتی گرویز ۴۴ کیلو در ایران است.

پس از پایان این مسابقه ها بلافاصله کمیته فنی کشتی فرنگی برای انتخاب بهترین کشتی گیر تشکیل جلسه داد که طی آن بهروز دانش، غلامرضا قصاب، جعفر علیزاده، هاشم کلاهی و اسماعیل عربی زاده برای شرکت در مسابقه های جهانی خاسکوا برگزیده شدند. در این جلسه با اوزان کشتی ایران منتخب اوزان ۸۲ و ۱۰۰ کیلو با مخالفت شد.

در وزن ۴۸ کیلو ناصر اسماعیلی قهرمان جوانان و بزرگ سالان ایران را نیز بحساب گذاشتند و قرار شد اگر ناسیده از نظر شرایط سنی اشکالی نداشته باشد، ابتدا با عباس پلنگ کشی (فرد سوم این وزن) دیدار کند و در صورت پیروزی بمقابله با غلامعلی امیری (نقر دوم) برخیزد و اگر در این دیدار نیز پیروز شد با محمود منتظری قهرمان این وزن روبرو شود. تا فرد برتر تعیین شود و عضویت تیم در آید. ولی اگر اسماعیلی مدارک لازم را از جهت شرایط سنی نتواند ارائه کند، محمود منتظری بدون انجام مسابقه راهی «خاسکوا» خواهد شد.

در وزن ۵۷ کیلو از حسین شاکری (قهرمان جوانان ایران در سال جاری) نیز دعوت شد و قرار است ابتدا با محمد بنه، فرد دوم وزن ۴۴ کیلوگرم - که قصد دارد بیک وزن پانزین تری یابد - روبرو می شود و فرد برنده با فریدون عشق پرست قهرمان این وزن مبارزه خواهد داشت.

در وزن ۷۴ کیلوگرم از خدا بخش عفت در قهرمان کشتی آزاد جوانان دعوت شد تا با داود خانعلی زاده دیدار کند در صورت پیروزی خدا بخش، او برای شرکت در دو مسابقه (کشتی آزاد و فرنگی) راهی خاسکوا خواهد شد. اما اگر خانعلی زاده پیروز شود، در رشته فرنگی و عفت دار در رشته کشتی آزاد عضویت تیم های اعزامی ایران به خاسکوا درسی آیند.

داوران

داوران این مسابقه ها عبارت بودند از:

بلغارستان، سوئیس و ترکیه شرکت داشتند. ولی این بار تعداد شرکت کنندگان به ۹۰ تن رسید ضمن اینکه بجای سوئیس، کشتی ایران لهستان و رومانی حضور یافتند. هرچند تیم رومانی نتوانست کار مهمی انجام دهد، ولی درخشش لهستانی ها خیره کننده بود.

شورویها نیز که سال پیش تنها یک مدال توسط «توتکایف» گرفتند این بار آراچلیف کشتی گیر آشنای وزن ۷۴ کیلو که در سانسون به یک وزن بالاتر صعود کرده بود مدال طلای وزن ۸۲ کیلوگرم را کسب کرد و در سنگین وزن نیز شورویها مدال طلا را بردند. تیم های شوروی و بلغارستان مثل سال گذشته بطور ناقص در جام باشاردوغو حضور یافتند و بلغارستان مانند سال پیش از مدال طلا نصیبی نبرد. سال گذشته تیم ایران مشکوک از هشت کشتی گیر بود، ولی این بار باده تن در هشت وزن وارد صحنه مبارزه شد و از نظر مقایسه کیفی چیزی کمتر از سال پیش نداشت.

هیأت سرپرستی تیم اعزامی ایران به ترکیه پس از بازگشت به تهران چنین عنوان کردند که یکی از دلایل ناکامی تیم ایران نفوذ داوران ترکیه بود که البته اینگونه مسائل معمولاً در مسابقه های نظیر جام باشاردوغو، دان کولف، تقلیس و... وجود دارد و این مسأله تا زگی ندارد. حتی سال پیش نیز وضع چنین بود در اینده نیز چنین خواهد شد و ما هم در جام آریامهر کم و بیش در رای داوری اعمال نفوذ می کنیم که نمونه آن فراوانست.

بدین سبب این بهانه را نمی پذیریم و معتقدیم که باید علل نزول تیم ایران در جام باشاردوغو، بطور منطقی بررسی شود تا معایب روشن گردد و در صدد رفع آن برآیم. با این مقدمه به رده بندی اول تا سوم می پردازیم.

- ۴۸ کیلو: ۱- سبحان روحی از ایران
- ۲- علی یلماز از ترکیه - ۳- مهت جانباز از ترکیه.
- ۵۴ کیلو: ۱- کولفسکی از لهستان
- ۲- فوزی توکدوقان از ترکیه - ۳- فهمی ساری از ترکیه.
- ۵۷ کیلو: ۱- سهنت امین از ترکیه
- ۲- ماری توف از بلغارستان - ۳- ناصر نصیری از ایران.
- ۶۴ کیلو: ۱- پتروکویان از رومانی
- ۲- زدوینسکی از لهستان - ۳- توفین از شوروی.
- ۶۸ کیلو: ۱- مهت ساری از ترکیه
- ۲- عبدالله حاج احمدی از ایران - ۳- یانچو از بلغارستان.
- ۷۴ کیلو: ۱- محمد رضا طاهری از ایران - ۲- یعقوب توبوزازتر ترکیه.
- ۸۴ کیلو: ۱- آراچلیف از شوروی
- ۲- ویسلی بورگا از رومانی - ۳- بیژن زراشان از ایران.
- ۹۰ کیلو: ۱- کازوسکی از لهستان
- ۲- استان کیکولیسکی از لهستان
- ۳- آبیان تاشکین از ترکیه.
- ۱۰۰ کیلو: ۱- مازین از لهستان
- ۲- اناجی از رومانی - ۳- علیف از بلغارستان.
- ۱۰۰ کیلو بالا: ۱- سوکوف از شوروی
- ۲- کنانگی از ترکیه
- ۳- علاء الدین یلدریم از ترکیه.



در مسابقه های کشتی آزاد جام باشاردوغو، روحی مدال طلا گرفت

قهرمان کشتی آزاد ایران که - برای شرکت در جام «باشاردوغو» به ترکیه عزیمت کرده بودند - با یک مدال طلا، دو نقره و سه برنز به وطن بازگشتند. این مسابقه ها با شرکت ۹۰ کشتی گیر از ایران، بلغارستان، شوروی، رومانی، لهستان و سه تیم از ترکیه در شهر ساحلی سانسون (زادگاه مرحوم باشاردوغو) برگزار شد. در این دوره از مسابقه تیم لهستان با کسب سه مدال طلا نتیجه خوبی گرفت و ضمن آن زنگ خطر را برای بزرگان کشتی بصدا درآورد.

ترک ها مجموعه سه مدال طلا گرفتند. شوروی صاحب دو مدال طلا شد و یک مدال دیگر را ایروان - تصاحب کرد که برنده سبحان روحی در وزن ۴۸ کیلوگرم بود.

نزول تیم ایران

سال پیش تیم ایران با کسب پنج مدال طلا عنوان قهرمانی این مسابقه ها را کسب کرد. ولی این بار تیم ما، هم از لحاظ مدال، نتیجه رضایت بخشی نگرفت و هم در رده بندی تیمی نزول داشت.

یکی از عوامل این نزول بالاترین کیفیت مسابقه ها بود از نظر تعداد تیمی و نفرات نیز نسبت به سال پیش افزایش محسوس داشت. زیرا در دوره گذشته ۱۰ کشتی گیر از کشورهای ایران، شوروی،



مسابقه های انتخابی کشتی فرنگی پایان یافت کرمان هم یک کشتی گیر به تیم ملی تحویل داد

☆ رضا یوسف آبادی از «بم» با درخشش خیره -
کننده ای خسرو نظافت دوست را ضربه فنی کرد و
بعضویت تیم ملی درآمد!
☆ تورانیان در اثر اشتباه صوتی، مبارزه برده را باخت

دیگر بصدا درآمد و تورانیان بصورت اینکه
وقت مسابقه تمام شده است مقاومت نکرد
و خود روی تشک خوابید که داور طبق
مقررات سریری را برنمه شناخت.
در همین وزن مرتضی قیسی از
اصفهان، پس از دو باخت پناهی بسریری
و تورانیان در همان دوره مقدماتی از جدول
خارج شد.

علی معرب کشتی گیر خراسانی نیز در دیدار
با تورانیان ۲ نمره عقب بود که به مبارزه
ادامه نداد و برای انجام دومین مسابقه اش
با سریری حاضر نشد.

پیروزی اکبر بداللهی با ضربه فنی
بر اکبر قربانی (قهرمان ایران) توام با
جنگال بود که عباس قربانی (برادر بزرگ
اکبر) را پای سیزدآوری کشاند این حرکت
عباس پسندیده نبود و امیدواریم که دیگر
تکرار نشود.

مسابقه خودمانی

مرتضی علیقیان و منصور باقری -
که در وزن ۹۰ کیلوگرم شرکت داشتند -
در دومین روز وقتی در سر وزن کشتی حاضر
شدند، با هم به توافق رسیدند که مسابقه
خود را چند ساعت بجلو بیاورند و پس از
وزن کشتی بلافاصله روی تشک رفتند و
بدون داور و تماشاگر پنجه در پنجه هم
انداختند که در این دیدار خودمانی،
علیقیان پیروز شد و باقری که قول داده
بود در صورت شکست در مسابقه - که
طبق برنامه باید عصر انجام می یافت -
حاضر نخواهد شد، به قولش وفا کرد و
داور دست علیقیان را بدون حرف بالا
برد!
داوران

دو کشتی گیر یکدیگر را در اغوش
کشیده اند، آنکه سرش به پائین است و
قصد بوسیدن دست حریف را دارد، پک
کشتی گیر گمنام کرمانی است.
قبل از انجام این مسابقه برای او
«لغزا» خوانده و متلک ها گفتند که ترا
با برد دلبران چه کار؟
اما یوسف آبادی، این کشتی گیر
سیاه چهره اهل بم، در فائیه های تخت
مسابقه خسرو نظافت دوست حریف بلند
آوازش را ضربه فنی کرد. و حالا با این
فروتنی و «مهربانی» می خواهد «نامهربانی»
های حریف را پاسخ گوید.

بزرگسالان جهان که به ترتیب در فاسکوای
بلغارستان، مینسک شوروی برگذار خواهد
شد.

زده بندی

- زده بندی اول تا سوم هر وزن بشح زیر
تعیین شد:
- ۴۸ کیلو: ۱- خلیل رشید محمدزاده
 - ۲- احمد صوفیانی ۳- محمود خیراندیش
 - ۵۲ کیلو: ۱- مهدی هوریا ۲- رحیم
 - علی آبادی ۳- عباس همتی
 - ۵۷ کیلو: ۱- نصرت اله سریری ۲-
 - حسین تورانیان ۳- حسین قلیب زاده.
 - ۶۲ کیلو: ۱- حمید رستم پور ۲-
 - فیروز علیزاده ۳- رضا مقدم.
 - ۶۸ کیلو: ۱- اکبر بداللهی ۲- اکبر
 - قربانی ۳- حمید حجاریان.
 - ۷۴ کیلو: ۱- محمد دلبران ۲-
 - حسین جوادی ۳- عادل بیرقاسی.
 - ۸۲ کیلو: ۱- رضا یوسف آبادی ۲-
 - هوشنگ منتظر الظهور ۳- خسرو
 - نظافت دوست.
 - ۹۰ کیلو: ۱- جلال کریمی ۲-
 - محمدرضا عربی ۳- مرتضی علیقیان.
 - ۱۰۰ کیلو: بهرام مستافی بدون حریف
 - اول شد!
 - ۱۰۰ کیلو بالا: ۱- بهمن بورور ۲-
 - غلام عین الله بورور ۳- ناصر صادقی.
 - پس از پایان این مسابقه ها، در آخرین
ساعات دیشب کمیته فنی فدراسیون کشتی
بمنظور تأیید یارد قهرمانان اوزان دهگانه
برای عضویت در تیم اعزامی ایران به
مینسک، تشکیل جلسه داد که نتیجه این
جلسه هنوز اعلام نشده است.

سوزنچهر لطیف

ملبورن ازمازندان فرا خوانده شد، چند تن از
کشتی گیران تهرانی عضویت تیم ملی چشم
دیدن حبیبی را نداشتند و چه پوست که از
کنار اوسلی کشند متلک با رانش می کردند
اما وقتی حبیبی پشت مرحوم توفیق راه
تشک رساند و روی سینه اش نشست همه
مست ها را کسبه کردند.
رضا یوسف آبادی کشتی گیر سیاه پوست
کرمانی که قلب و باطن به سفیدی برف دارد
قبل از روپوشدن با نظافت دوست همان
شرایطی را داشت که بیست سال پیش چنان
که نوشتم اما معلی حبیبی آن صحنه را پشت
سرنهاد. هنگامیکه یوسف آبادی برای وزن
کشتی آمد، چند تن از کشتی گیران تهرانی
دوراو جمع شدند و هر کدام بنوعی با حرفهای
ناپسند خود این جوان شهرستانی را ناراحت
کردند. حتی خود نظافت دوست هم
خوش مزگی هایی می کرد.
یوسف آبادی همه این حرفها را شنید
ولی حتی یکبار لب نکشود.

وقتی هنگام ژورژاسی سر رسید
کشتی گیر کرمانی همچون
«شیری» گرسنه - که از
ففس آزاد شده باشد - بسوی ...
دوست بورش برد و در همان فائیه ها،
نخستین با اجرای فن سالتو پشت نظافت -
دوست را به تشک رساند. و بعد از آنکه
داور دست یوسف آبادی را بعنوان فاتح
بالا برد این جوان شهرستانی با صمیمیت و
مهربانی دست در گردن قهرمان شکست
خورده انداخت و او را تا کنار تشک
هدایت کرد.

این دیدار در چهار چوب مسابقه های
انتخابی تیم کشتی فرنگی ایران برای
شرکت در مسابقه های قهرمانی جهان
۱۹۷۵ (مینسک) بود که دیشب در
تالار محمد رضا شاه پهلوی برگزار شد.
در این مسابقه مجموعاً ۴ کشتی گیر بر
گزیده از تهران و شهرستانها شرکت داشتند
که علاوه بر شکست دور از انتظار
نظافت دوست سه اخطاره شدن رحیم علی -
آبادی توسط مهدی هوریا و شکست حسین -
تورانیان (قهرمان آسیا) توسط نصرت اله -
سریری (از آذربایجان)، از نتایج دور از
انتظار و شکست انگیز بود. بویژه شکست
تورانیان که در اثر اشتباه او حاصل شد و
زمانی که تورانیان می رفت تا ۲۱ بر ۴
سریری را شکست دهد، غافلگیر شد و به
پل رفت که در همین هنگام زنگ تشک

وقتی رضا یوسف آبادی در میان شگفتی
هنگام، پشت خسرو نظافت دوست (برنده
مدال نقره مسابقه های کشتی فرنگی آسیا) را
به تشک سپانند، بیاد دیدار اما معلی حبیبی
با شادروان توفیق جهان بیخت اتادم. اکنون
بیست سال از آن روز میگذرد ولی کسانی که
با کشتی سروکار دارند حتماً پیروزی
حیرت انگیز حبیبی را در برابر مرحوم توفیق
خوب یاد دارند. حبیبی قبل از این پیروزی
یک کشتی گیر معمولی و گمنام بود اما با
غلبه بر توفیق هم به شهرت رسید و هم اینکه
حرف خود را کرسی نشانند. چون زمانی که
حبیبی برای اردوی آمادگی بازیهای المپیک

فائیه از صفحه پیش

برگدار شد و زده بندی اول تا سوم هر وزن
بشرح زیر تعیین گردید:

- زده بندی
- ۴۸ کیلو: محمود منتظری از تهران -
غلامعلی ابریری از گیلان - عباس پلنگند
کش از تهران.
 - ۵۲ کیلو: بهروز داتش از تهران -
ابوطالب باقری از قم - جاوید پورهمت
از تهران.
 - ۵۷ کیلو: فریدون عشق پرست از تهران -
منصور حداد اصل از خوزستان - محمود
سیرزانی از تهران.
 - ۶۲ کیلو: غلامرضا قصاب از خوزستان -
محمد بنه از تهران - احمد رضائی از تهران.
 - ۶۸ کیلو: جعفر علیزاده از تهران - مصطفی
یابانی از تهران - صادق شریفیان از تهران
 - ۷۴ کیلو: داود خانعلی زاده از تهران -
مصطفی کبابی از خوزستان - علی افغان
از شیران.
 - ۸۲ کیلو: علی اصغر نظری از تهران -
علی اکبر خادم مشکین از قزوین - عباس
شایسته از تهران.
 - ۹۰ کیلو: هاشم کلاهی از تهران -
اکبر میری روشن از ارواک - احمد آرونی
از تهران.
 - ۱۰۰ کیلو: اسمعیل عربی زاده از
خوزستان - غلامرضا لجم چی ازمازندران -
عباس عبیدی از کرمانشاه.
 - سنگین وزن: حسین عبیدی از کرمانشاه -
ابرج هدایتی ازمازندران - محمد هاشمی
ثابت از تهران.

۳۸ سالگی برای دو میدانی ایران پیر نیست اما برای دو میدانی دنیا...؟!
 من دوست دارم همه میوه‌های سبد سالم باشد نه فقط ردیف اول آن.

فشار خون دوومیدانی بالا رفته است

در شماره ۱۱۰۱ کیهان ورزشی نامه‌ای داشتیم از جلال کشمیری قهرمان پرتاب وزنه و پرتاب دیسک ایران و آسیا که در آن به سائلی چند اشاره کرده بود و جوابی داشت برای رئیس فدراسیون دوومیدانی ایران جوابی برای من که گویی نوشته‌هایم سخت برایش سنگین و غیرقابل تحمل بوده است که پس از مدتها مجبور شده بازگشت به قلم شود. بهرحال و برای روشن شدن بعضی سائل‌ها هم برای خود کشمیری وهم برای خوانندگان مجله ناگزیر از نوشتن مطلبی شده‌ام که باید آنرا باسختی دانست برای قهرمان پرتابهای آسیا.

امیرحسین سعیدی

دوست عزیز، جلال کشمیری نوشته‌ای که من تصمیر شکست تیم دوومیدانی ایران را در ستون به کردن تو و تصور غیابی گذاشته‌ام که پیرشده‌ام! راستش چنین برداشتی از آن نوشته از طرف تو که سالهاست در میدانهای ورزشی عرق ریخته‌ای، قدری بعید به نظر می‌رسد. اگر یاد باشد در همان مطلبی که تو به آن اشاره کرده‌ای در دور شماره ۹۹۰ مجله چاپ شده است، با به سن گذاشتن ستاره‌هایمان که توهم از آنها هستی یکی از دلایل شکست تیم بود، اما این بدین معنی نیست که فقط تو غیابی تصمیر کار باشی. اگر شرح عکس را خوانده باشی، نوشته بودم که « کشمیری و غیابی تنها کسانی بودند که آبروی دوومیدانی ایران را در ستون خریدند ولی نتایج آنها حاکی از این بود که نمی‌شود بیش از چندمیاهی دیگر به وجودشان امید ببندی. باید به فکر دیگران بود.»

برادر، این که عیبی ندارد!
 آهاین دور از حقیقت است و آبا تو می‌توانی به من بگویی تا چندسال دیگر می‌توانی به ورزش قهرمانی بپردازی و بیروز باشی؟ آیا ۳۸ سالگی برای دوومیدانی قدری پیر نیست؟ تو که در آمریکا با قهرمانان صاحب نام دنیا تمرین کرده‌ای، اینرا باید بهتر از من بدانی. نوشته‌ای که « پیرشده‌ای، بلکه گرفتارهای زندگی مجال تمرین بتونی دهم. خوب عزیز من حرف من هم چیزی غیر از این نیست. انسان روزی به سنی می‌رسد که باید خانه و خانواده می‌شود. و دیگر مجالی برای کارهای «خارج از برنامه» باقی نمی‌ماند و حالا تو به این حد رسیده‌ای. روزگاری به هرگونه دنیا که دوومیدانی ایران نیازی به نداشت، با جانودول می‌رفتی و حرفی هم از پول نمی‌زدی. زیرا نیازی چندان به این پولها نداشتی و همان شقت دوومیدانی کافی بود که ترا به دنبال خود بکشاند. اما امروز دیگر برای تود آسانه ۴۰ سالگی این حرفها مهم نیست و بقول خودت، «نان و عشق» به مزاجت سازگار نیست.

امروز هر جاکه می‌روی باید نگران زندگی همسرت و بچه‌هاست « کمال و جمال» باشی و همینجا دلیلی است بر اینکه تو باید زندگی را به قهرمانی ترجیح دهی و دلیلی است بر اینکه باید به فکر تربیت کشمیری‌های دیگری برای دوومیدانی ایران بود و تعداد این تازه‌واردها هر قدر بیشتر باشد، بهتر است.
 تو ۳۸ سال داری، ممکن است این سن برای دوومیدانی ایران پیر نباشد، چنانچه پیرهم نیست، زیرا متناسبانه جوانترها بهتر از تو نیستند. اما در دوومیدانی دنیا و آسیا که خودت از نزدیک با آن آشنا هستی- نمی‌تواند کارساز باشد و حرف من در آن مطلب همین بود. دوومیدانی ما از همه جهات پیراست و این تنها ارتباط به تو و تیمور غیابی ندارد. اگر کسی در این رشته ورزشی در ایران پیدا شود خودی نشان دهد، باید سالهای سال بکوشد تا بتواند به جایی برسد و اکثر این‌ها در نیمه راه بر اثر خستگی و نبودن امکانات بازمی‌مانند. مرعی خوب، امکانات، تغذیه و مسائل دیگر عواملی است که به ورزشکار اجازه می‌دهد در کمترین مدت از نیروی خود بهره‌برگردد و عدم وجود این عوامل برای ما، زمان این بهره‌گیری را آتقدر طولانی می‌سازد که در بسیاری موارد، ورزشکار در بهترین روزهای خود از نظر فنی، بر اثر بالا رفتن سن و تحلیل نیروی جوانی، نمی‌تواند مشرتمر باشد. آبا این دلیل خوبی برای بیرون رفتن دوومیدانی ما نیست.

از همانهایی که با تو به ستون رفته بودند چند نفر را می‌شناسی که کمتر از ۲۵ سال داشته باشند؟ تو نمی‌شناسی منم نمی‌شناسی و از قهرمانان ژاپنی که صاحب بدل شدند چند نفر را می‌شناسی که بالای ۲۵ سال داشته باشند؟
 من، تو و غیابی و دیگران را در مورد شکست تیم مصمیر ندانستیم. اگر باور نمی‌کنی مطلبی را که در شماره ۱۱۰۰ چاپ شده است بخواند این عین جمله‌ای است که در آن مطلب بچاپ رسیده است:
 « اگر سالی به دوازده ماه پایایی ورزشکار پیش بیایم، به او برسیم و تمرینات و فشارش را در میانه‌های ورزشی زیر نظر داشته باشیم، آنوقت می‌توانیم از او انتظار بیروزی و کسب بدل هم داشته باشیم ولی باوضع کنونی چه از او انتظار می‌رود»
 و این همان حرفی است که تویی گویی پس منی ما اختلاف عقیده‌ی باهم نداریم، فقط مثل اینکه توبرای مشکل است که جوانی را وداع کنی. باید هم مشکل باشد. اما این دیگر جبر زمان است و کاریش هم نمی‌شود کرد.
 پس مسئله پیر شدن ناگهانی تو در طول ۹ ماه پس از بازبهای آسیایی تهران مطرح نیست، مسئله پیری تمام دوومیدانی ایران است و اینکه باید فکری بحالش کرد و

خون تازه‌ای در رگهایش دواند تا بیش از این دچار فشارخون نشود.
فدراسیون و کشمیری
 اختلاف تو با فدراسیون دوومیدانی ایران، بر مسائل مالی، موضوعی نیست که من بتوانم در مورد آن جوابگو باشم. زیرا همانطور که خودت و همه ورزشکاران و دست اندر کاران دوومیدانی می‌دانید، من سنگروی فدراسیون نبودم و نیستم و اگر بودم همیشه سنگ ورزشکار را به سینه زدم که همه شما این را می‌دانید و همین دفاع از نفع ورزشکار ایجاد می‌کند که در مورد مسله‌ای با تو سخن بگویم.
طبق نامه‌ای که چندی پیش و از قبل از فرستادن برای من نوشته‌ای، در طول دو سال گذشته، فدراسیون دوومیدانی بیشتر از نیم میلیون تومان برای تو و کسب آمادگی برای بازبهای آسیایی تهران، خرج تو کرده است که این می‌شود معادل یک چهارم بودجه کل فدراسیون دوومیدانی ایران!
 یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دیگر می‌ماند برای تمام امور دیگر- مسابقات داخلی، اعزام تیم به مسابقات خارجی، خرید وسائل و از همه مهمتر تربیت نیروی جدید برای دوومیدانی ایران و هزینه دوومیدانی شهرستانها- که می‌دانی و می‌دانم که این دو تای آخری در این مدت کمتر از همه خرج برداشته است، در حالیکه باید بیشترین هزینه برای آن صرف می‌شد. ما تربیت جوانان و رسیدن به شهرستانها را پاک فراموش کرده‌ایم و همین است که دوومیدانی ما دارد به بن بست می‌رسد. من نمی‌گویم تو بیشتر از حق گرفته‌ای و همانطور که خودت می‌گویی کمتر از حق به تو رسیده است. فقط می‌پرسم تکلیف دیگران چه می‌شود؟ آنکه از کرج و ورامین هر روز با اتوبوس شرکت واحد به امجدیه می‌آید و با تمام خستگی راه و کار روزانه صمیمانه می‌دود و می‌پرد و پرتاب می‌کند و گاهی برای گرفتن یک جفت کفش سیخی، مجبور است روزها پشت دریا بپستد و منتظر باشد تکلیف او چیست؟
 در نامه‌ات از تسهیلاتی که برای قهرمانان دوومیدانی دنیا و برای قهرمانان هندوستان فراهم شده است، صحبت کرده‌ای، منم اینها را قبول دارم اما نه فقط برای تو، تیمور غیابی و یکی دوتای دیگر، بلکه برای برو بچه‌های دوومیدانی از کوچک و بزرگ.
تو و غیابی و چهره‌های مشهور دوومیدانی ایران همه و بخصوص من عزیز هستی ولی این دلیل نمی‌شود که بغاظر شما به دیگران نرسیم. اگر بعد از ظهرها به زمین تمرین امجدیه بمانی-

که حتماً یکی دو بار آمده‌ای- اینجا می‌بینی که ورزشکاران دوومیدانی ایران با چه وضعی تمرین می‌کنند، اینها احتیاج به امکانات بهتر و رسیدگی بیشتر دارند. تازه اینجا مقیم مرکز، عضو تیم ملی و برخوردار از بیشترین تسهیلات هستند، وای به حال بچه‌هایی که در شهرستانها عرق می‌ریزند و می‌دوند.
 دوست دارم همانطور که خواهسته‌ای در زندگی نیز قهرمان باشی و به آرزویت برسی و همانطور که ادعا کرده‌ای پیر هم نشده باشی و نتوانی سالهای سال برای دوومیدانی ایران کارساز باشی. ولی من در کنار این آرزو، آرزوی دیگری هم دارم و آن این است که روزی بزودی به دوومیدانی چندین جلال کشمیری و تیمور غیابی در اختیار داشته باشم.
 دوومیدانی ما امروز مثل سبد میوه‌ای است که ردیف اول آنرا میوه‌های آبدار و درشت جبهه‌اند و در ردیفهای دیگر میوه‌ها کوچکتر و کوچکتر و کال‌تر و بی‌مزه‌تر می‌شود و در ردیف آخر میوه‌های له شده و کندیده بچشم می‌خورند.
 دل هر کس که می‌خواهد، این سبدا را دوست داشته باشد! اما من دوستش ندارم، دلم می‌خواهد همه میوه‌های سبد به یک اندازه خوش مزه و آبدار و خوش آب و رنگ باشند.

«تیم‌شاه» ۱۰ ساله
بازهم رکورد شکست

«تیم شاه» ستاره جدید شای ابلات متحده آمریکا که دو هفته پیش سه رکورد جهانی را در مواد ۴۰۰، ۸۰۰ و ۱۵۰۰ متر شکسته و رکورد جهانی ۲۰۰ متر آزاد مردان هم‌مسادوی کرده بود. یکشنبه گذشته در آخرین مسابقه آمادگی تیم آمریکا قبل از عزیت به کلیسیا (مسابقات جهانی) - با درگرم به شکست رکورد ۸۰۰ متر آزاد جهان توفیق یافت.

تیم‌شاه که ۱۷ سال دارد - ۸۰۰ متر را در زمان ۴/۵۰ ثانیه دقیقه‌ی کرده و رکورد جدیدی برای آمریکا و جهان بجای گذاشت. رکورد قبلی ۳/۸۰ دقیقه بود.

مسابقات جهانی شتا، تشریح و واترپولو از روز پنجشنبه این هفته در شهرتانی (کلیسیا) آغاز میشود و تیم واترپولو ایران نیز در آن شرکت دارد.

وزنه برداران جوان گریه میگردند



E.W.F I.W.F

FIRST JUNIOR WORLD AND EUROPEAN CHAMPIONSHIPS, Marseille, 5-12 July 1975
PROGRAMME OF EVENTS

فروید اجباری هواپیمای حامل وزنه برداران ایران

نخستین گزارش هتیک تمرز از ماریسی

نخستین دوره مسابقات های وزنه برداری قهرمانی جوانان جهان در دسته مگس وزن با شرکت ۲۰ تن از کشور (ایران ، شوروی ، مجارستان ، و اتریش هر یک دو شرکت کننده داشتند) اولین قهرمان جهان خود را بیرون فرستاد . این بخت و اقبال نصیب دانیل جنکوف از شوروی شد . دانیل سرباز وظیفه اهل اوکراین است و ۱۹۹ سال دارد و نامش جاویدان در سر لوحه وزنه برداران جوانان جهان به ثبت رسید و اولین مدال طلای جهان و اروپا را به چنگ آورد .

مسابقه نخست با رقص ویژه زیبارویان فرانسوی افتتاح شد . بعد طبق روال سنواتی سخنرانیها آغاز شد و خود مسابقه در ساعت ۱۰ با آمدن لاورس وزنه بردار ۱۰ ساله انگلیسی بروی صحنه آغاز شد . او سه بار این وزنه را با حالت های مختلف از دست داد و از مسابقه خارج شد .

جواد عمیدی حسنی وزنه بردار ۱۷ ساله تبریزی نیز بسر نوشت وزنه برداران انگلیسی دچار شد با این تفاوت که سه مرتبه وزنه ۵۷ کیلو را آسان بالای سر برد اما هر سه بار وزنه را از پشت رها کرد در صورتیکه میتوانست تا ۸۵ کیلو پیشرفت داشته باشد . بهرحال نوعی گنجی او را از پای در آورد . در این مسابقه بهترین از مسابقه خارج شدند از جمله لطف الله ناصری او با اینکه بسیار نیرومند مینمود در حرکت یکضرب دروزنه ۸۰ کیلو متوقف شد در صورتیکه نیرویش خیلی بیشتر از این بود . او در حرکت دوزب نیز از ۱۰۰ کیلو شروع کرد اما سه بار آرمایش او در نیمه راه قطع شد .

جنکوف قهرمان جهان حرکت یکضرب خود را از ۸۲/۵۰۰ کیلو شروع کرد و در ۹ کیلو بیابان رساند او در حرکت چهارم - خارج از مسابقه - ۹۱/۵۰۰ کیلو را برای شکستن رکورد اروپا آزمایش کرد ، اما شکست خورد . اما والری رزینکوف وزنه بردار دیگر شوروی با بلند کردن این وزنه (۹۱/۵۰۰ کیلو) نیم کیلو رکورد اروپا را که به « استغان یک » از مجارستان تعاق داشت شکست و نخستین رکورد شکن مسابقه ها نام گرفت . در حالیکه در مدال های مجموع که قهرمان مسابقه ها را تعیین میکند سهمی نداشت و پنجم شد . دانیل در حرکت دوزب ۱۱۰ و ۱۱۵ زد اما ۱۱۷/۵۰۰ کیلو را نتوانست بالای سر برساند و با مجموع ۲۰۵ کیلو در راس قرار گرفت . سورین وزنه بردار لهستان که همچون « رادار » وزنه بردار شوروی را تعقیب میکرد و تا لحظات آخر با مجموع ۲۰۵ کیلو سینه بسینه با قهرمان جهان پیش میرفت و با سنگینی وزن پشت سر وزنه بردار شوروی بود ، ۱۱۷/۵۰۰ کیلو را روی سینه آورد اما زجر فراوان کشید در حرکت دوم دوزب نیز تا کام شد و بعد از نقره قناعت وزید . مدال

۱۱۰ + کیلو شرکت میکند در این وزن نهما سه شرکت کننده هست . شلوع ترین وزن ها دسته سبک و زنست با ۳۰ شرکت کننده که به دو دسته « الف » و « ب » تقسیم شده اند .

رهبری مسابقه ها کما فی السابق در دست اسکار استیت دبیر کل فدراسیون بین المللی است . اسکار به کشورهایی که حق عضویت خود را مقروض بودند ، اجازه نداد در مسابقه ها شرکت کنند مگر اینکه فرض های خود را داده باشند فدراسیون وزنه برداری ایران نیز تا فرض سال گذشته را نداد ، جواز شرکت در مسابقه ها را دریافت نکرد !

محل اردوی وزنه بردارها در دانشگاه ماریسی در ده کیلومتری شهر در محلی بنام « بومینی » قرار دارد . شهر رفتن بسیار سخت است و تیم ایران هنوز رنگ شهر را ندیده است . محل اردو بسیار خوب ، اتاق ها تکفیزی و بسیار با صفاست اما برای دریافت غذا باید حداقل یکساعت صبر کنیم ، وزنه بردارهای ما بخصوص مگس وزن ها ناراحتی جسمانی داشتند .

هنگام عزیمت به ماریسی قبل از اینکه هواپیمای به بندر « جنوا » ایتالیا برسد توان شدیدی مانع فرود آمدن هواپیمای در این بندر شد و هواپیمای در شهر میلان فرود اضطراری کرد . و یکروز در میلان بودیم و از آنجا با ترن به ماریسی رفتیم و نه ساعت در راه بودیم

۵۲ کیلو

رکورد های جهان :

یکضرب : ۱۰۰ کیلو سبکی ژاپن
دوزب : ۱۲۳ کیلو ایچیه هو کره شمالی
مجموع : ۲۱۷/۵ کیلو آدا ژاپن

نتیجه مسابقه ۵۲ کیلو

(مارسی ۱۹۷۵)

- ۱- دانیل جنکو (شوروی) ۲۰۵ (۱۱۵ + ۹۰)
- ۲- سورین (لهستان) ۲۰۵ (۱۱۵ + ۹۰)
- ۳- هورنیک (مجارستان) ۲۰۲/۵ (۱۱۵ + ۸۷/۵)
- ۴- کو با یاشی (ژاپن) ۲۰۰ (۱۱۰ + ۹۰)
- ۵- رزینکوف (شوروی) ۱۹۷/۵ (۱۰۷/۵ + ۹۰)

حکیمیان ، جنگنده تر از ناصری

در جدال « خروس ها » ۱۵ تن حضور داشتند . از ایران فیض الله ناصری و حسن حکیمیان روی صحنه ظاهر شدند ، فیض الله مدتی کمزور داشت . وزنه بلند کردنش بسیاری روح بود . او از ۵۰ کیلو آغاز کرد و آبر آسان زدا اما در بلند کردن ۱۰۰ کیلو نتوان ماند ! حکیمیان درست نقطه مقابل او بود ، ۸۵ ، ۹۰ ، ۹۲/۵ کیلو را با جنگندگی بالا برد . در دوزب

برتر را « هورنیک » از مجارستان تصاحب کرد . با اینکه رقابت ها در سطح با این بود و هیچ رکورد جهانی حتی تهدید هم نشد ، اما اولین آزمایش بسیار فشرده و نیروها همسطح و تقریباً یکسان بود و فاتحین کسانی بودند که خوشتر از دیگران روی صحنه ظاهر شدند . از بد اقبالها باید از وزنه بردار ۱۰ ساله ژاپن « نوپایاشی » نام برد . حدتصاب شخصی او ۲۱۷/۵۰۰ کیلو بود . اما در مسابقه با مجموع ۲۰۰ کیلو چهارم شد ! او از شکست خود بسیار غمگین بود و دلدارهای یک دختر بچه ۱۰ ساله فرانسوی نیز او را آرام نمیکرد .

وزنه بردارهایی که شکست میخوردند پشت صحنه گریه میکردند و این وضع در بین وزنه برداران ما نیز بود .

۱۷۴ شرکت کننده (از ۳ کشور) نشان میدهند که برگذاری اولین دوره مسابقه های وزنه برداری قهرمانی جوانان جهان و اروپا گامی بلند و جالب توجه میباشد و بیشتر کشورها را بسوی خود جلب کرده است

ایر قدرت های وزنه برداری - شوروی و بلغارستان رقابت شدید و سهمگین خود را از دنیای سالمندان به دنیای جوانان کشیده اند . هر دو تیم ۱۱ تن معرفی کرده اند و نیروهایشان همسطح است اما اگر یکی از دو تیم حتی یک اخراجی داشته باشد جبران آن بسیار سخت و حتی غیر ممکن خواهد بود . تیم شوروی را رزینکوف ، دانیل جنکو ، تسپین شوپا ، وارتانیان ، زینین ، سعیدالله ، شیرو ، و سوداکوف تشکیل میدهند معروف ترین آنها سعیدالله است که در وزن های ۹۰ و ۸۲/۵۰۰ کیلو بهترین با بلند کردن ۱۸۵/۵۰۰ و ۱۹۷/۵۰۰ رکورد دار جهانست . شورویها در دسته پروزن شرکت کننده ندارند اما در دسته ۹۰ کیلو دو تن شرکت داده اند .

بلغاریها در دسته مگس وزن شرکت کننده نداشتند . در خروس وزن نام دیمتریف با رکورد ۲۳ کیلو به ثبت رسیده ، منمیش ، پروژن بلغارستان در گروه خود با ۲۴۷/۵۰۰ در راس قرار دارد و در سبک وزن تاسکوف تودوروف حضور خواهند داشت . تودوروف برادر گورگی تودوروف قهرمان جهان در دسته پروزن است . تودوروف با ۱۶۳ کیلو رکورد در جدید جوانان جهان در دسته سبک وزن است در دسته ۷۵ کیلو بلغاریها دو تن معرفی کرده اند .

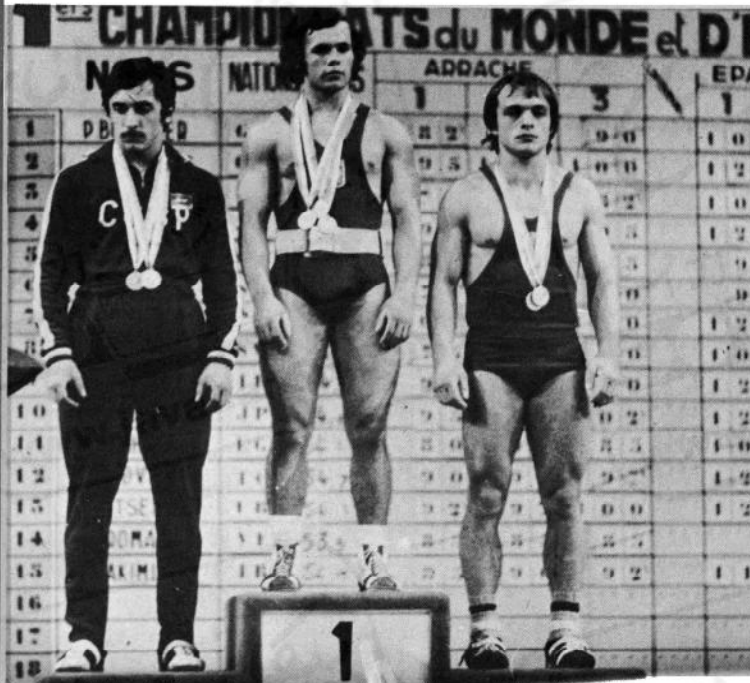
ست کوف با رکورد ۳۲ کیلو و دیلکوف رکورد دار یکضرب جهان با ۱۴۵ کیلو ، دیلکوف رکورد دار جهان در مجموع نیز هست با (۳۲۰) کیلو در میان سنگین بلغاریها بلشویونسکی رکورد دار یکضرب جهان را با رکورد (۱۴۶/۵۰۰) نیلوه همراه دارند . در ۹۰ کیلو شرکت کننده نداشتند و در ۱۱۰ کیلو « دراندروف » وزنه میزند . والتین کریستوف رکورد دار جهان سالمندان و جوانان در این مسابقه ها در دسته



دختر نیست... یک هیپی وزنه بردار است. با آنکه کسپویش را با نخ و رویان بسته باز مقدار زیادی جلو دهان و بینی اش را گرفته است، اگر نبسته بود چه میشد؟



این حرکت زیبایی بک ضرب از دمبول ژیک، ستاره تازه وزنه برداری لهستانست که ۱۰۷/۵ کیلو میزند. او رکورد اروپا را بانداژه ۱/۵ کیلو شکست.



این سکوی قهرمانی جهان در وزن ۵۵ کیلوست. دمبول ژیک (لهستان) بر بالای سکوی افتخار ایستاده در طرف چپ جیبین از شوروی روی پله دوست و سمت راست ساویوس از آلمان شرقی روی پله سوم دیده میشود.

فیض الله تنها در برابر ۱۲۰ کیلو موفق بود. وزنه ۱۲۷/۵۰۰ کیلو را دوبار آسان روی سینه آورد اما موفق نشد بالا ببرد و با مجموع ۲۱۵ کیلو هفتم شد.

حکیمیان دوزخ خود را از ۱۱۵ آغاز کرد سپس ۱۲۰ کیلو را بالا زد اما در آخرین لحظه وزنه را از دست داد حرکت سوم او بلافاصله پس از حرکت دومی بود. در نتیجه نتوانست روی سینه بکشد و با مجموع ۲۰۷/۵ هشتم شد.

مدال طلای این وزن را «دمبول ژیک» ۱۹ ساله از لهستان دریافت کرد. او با شجاعت و قدرت بسیار وزنه میزد. در حرکت یکضرب بترتیب ۱۰۲/۵ و ۱۰۷/۵ کیلو را زد و ۱/۵۰۰ کیلو رکورد اروپا را - که متعلق به «دیمتریف» از بلغارستان بود- شکست. او برای آزمایش سوم تقاضای ۱۱۰ کیلو کرد. اگر این وزنه را میزد ۱/۵۰۰ کیلو رکورد جهان را که به «هیرایی» وزنه بردار ژاپن تعلق داشت- می شکست. اما موفق نشد. بار چهارم آنرا تا بالای سر برد اما در لحظه بلند شدن از دست داد. در حرکت دوزخ نیز با بلند کردن ۱۲۷/۵ کیلو مقام جهانی خود را تثبیت کرد و آنگاه با دوبار آزمایش ۱۳۲/۵ کیلو را زد و با مجموع ۲۳۰ کیلو اول شد.

«بادیس جیبین» از شوروی با ۲۲۷/۵ کیلو (۱۲۷/۵ کیلو + ۱۰۰) دوم شد و «ساویوس» از آلمان شرقی با ۲۲۵ کیلو سوم. وزنه بردار آلمان شرقی برای شکستن رکورد جهانی دوزخ بار چهارم تقاضای ۱۳۸ کیلو کرد، اما نتوانست آنرا بلند بکند. در این وزن نیز رقابت ها سخت و فشرده بود. دمبول-ژیک نشان داد که در آینده نزدیک گشتی های زیادی برای وزنه برداران کهنسال خواهد داشت.

نتیجه مسابقه ۵۵ کیلو (مارس ۱۹۷۵)

- ۱- دمبولژیک (لهستان) ۲۳۰ (۱۳۲/۵ + ۱۰۷/۵)
- ۲- جیبین (شوروی) ۲۲۷/۵ (۱۲۷/۵ + ۱۰۰)
- ۳- ساویوس (آلمان شرقی) ۲۲۵ (۱۳۰ + ۹۵)
- ۷- ناصری (ایران) ۲۱۵ (۱۲۰ + ۹۵)
- ۸- حکیمیان (ایران) ۲۰۷/۵ (۱۱۵ + ۹۲/۵)

مرگ در بام اروپا

از چهار کوهنوردی که برای فتح قله رفته بودند، سه نفر زنده برگشتند.

هومبرگر: «رفیقم، جلو چشمهایم مرد. هیچ کمکی نمیتوانستم به او بکنم!»

هر چهار کوهنورد ورزیده سوسی، فصل رضا تیتخش و پراز تیرنی را پشت سر گذاشته بودند... رودی هومبرگر ۳۴ ساله در هیمالایا خیلی زحمت کشیده بود و سه نفر بقیه یعنی:

هانس پتر کاشیر ۴۹ ساله، تونی هولدر ۲۷ ساله، و ایورگانال ۳۲ ساله، تا توانسته بودند کوههای معروف سوسی را از سخت‌ترین راه‌ها زیر پا گذاشته بودند.

هدف از این همه تحرین، در بهترین آمادگی بودن برای رسیدن به هدلی گستاخانه و جاه طلبانه بود. بخاطر هدلی که میشد آنرا در یک جمله خلاصه کرد: صعود از تیغه شمالی (گران پیله دانگل) و رسیدن به ارتفاع ۴۸۱۰ متری و فتح قله زینا و درعین حال جهشی (مون پلان) مجله آلمانی (بوته) نوشته است:

«دشواری‌ترین بخش راه ۵۶۷ متر فاصله بین (گران پیله دانگل) در ارتفاع ۴۲۴۳ متری و قله من پلان واقع در ارتفاع ۴۸۱۰ متری بود این مسیری است همچون دیوار صاف پوشیده از یخ، و آکنده از پرنگاهای هولناک و صخره‌های غیر قابل عبور. دلیران کوهستان، این مسیر رنگ انسان بخود ندیده را بدین منظور برگزیده بودند، تا ثابت کنند، موانع طبیعی هر قدر هم که عظیم باشند، در برابر اراده بشر لگد مال شدنی خواهند بود.

چهار کوهنورد سوسی که مون پلان را قبل از آن، بدفعات-البته از مسیرهای جنوبی، غربی و شرقی فتح کرده بودند، این بار تصمیم گرفته بودند به سر وقت تیغه شمالی بروند، و این بار تیغه شمالی را زیر گامهای خود تراز دهند. آنها به خود گفته بودند:

«وقتی کوهی وجود داشته باشد، پس حتی راهی هم وجود دارد که ما را به قله آن برساند»

کولاک برف

(تونی هولدر) بعداً تعریف کرد: «با کوهها آشنائی دیرینه داشتیم و به سوراخ سینه‌های آن، مثل جیب خودمان وارد بودیم. مثلاً میدانستیم هوا در چه فصل مساعدتر بود، کدام قسمت کوه خطر بهین کستر داشت، و کولاکهای برف آن با چه شدتی آغاز میشد. بنابراین، وقت هجوم به قله را با مطالعه روی همه احتمالات و پیش بینی‌ها، تعیین کردیم و مشغول تهیه تدارکات شدیم» هر چهار کوهنورد صد درصد در آمادگی بودند،

آخرین درام مون پلان در این مسیر روی داد ارتفاع ۳۲۰۰ متر آغاز حمله به دیواره شمالی «گران بی‌لی» است. صعود از ۳۲۰۰ متر تا ۳۷۰۰ متری طولانی وقت گرفت شب اول ناچار شدند در آنجا بهر شکل بود چادری بزنند. روز بعد تا ارتفاع ۴۲۴۳ متر پیش رفتند اما روز سوم نتوانستند بیش از ۱۰۷ متر بالا بروند و در آنجا روی اظطرار چادری زدند که درون آن یکی مرد (عکس پائین سمت راست) آنها صعود از دیوار وحشتناک «گران پیله» را-که برنامه اصلی بود-تمام کرده بودند. در عکس کوچک سمت چپ از رودی هومبرگر است که بهترین دوستش جلو چشمانش جان داد اما او نتوانست هیچ کمکی به او بکند.



Bei 3200 m Einstieg in die Wand

حتی کاشیر، سرپرست گروه و قوی‌ترین عضو هیئت، و یکی از زنده‌ترین اسکی بازان سوئیس سر ماخوردگی‌اش را پشت سر گذاشته بود. هومبرگر بعداً تعریف کرد:

«باته کابین تا (کول‌دوژان) دندان اژدها) رقیبم. پس از آن‌دکی استراحت در آنجا، تجهیزاتمان را بر داشتیم و صعود را آغاز کردیم، تیغه یخی شمالی، که در برابر خود می‌دیدیم، بسیار عجب آور بود، لیکن بی آنکه بینی به دل راه دهیم با عبور پروردسرا یک شکاف عظیم یخی، خود را به (کول‌دوتیریدان) رساندیم. شب را آنجا اطاق کردیم. ساعت چهار صبح روز بعد از راه شیبهای بلورین (برنو) به بود که چادر را برزورنی آسوار کرده بودیم و از آن می‌ترسیدیم که مبادا در خواب هنگام غلتیدن، خود و چادر دیگران را از کوه بریزد اندازیم. به‌رحال، آنشب با وجود کولاک برف وحشتناکی که شروع شد و با وجود صدای کرکننده باد، و سوزگرندهای که از درز چادر بدخل می‌وزید، خوب خوابیدیم. ساعت پنج برخاستیم و ساعت هفت به صعود ادامه دادیم. بین راه تصمیم گرفتیم، همان‌روز - به هر نحوه - خود را به قله برسانیم. زیرا خوب میدانستیم که اطاق در (گران پیله دانگل) بویژه اگر کولاک برف باشد، یک خودکشی تعدی بود. گذشته از آن، فدراسیون کوهنوردی ایتالیا، قبل از حرکت، به ما توصیه کرده بود که «گران پیله دانگل» در اثنای کولاک چیزی بیش از یک تله مرگ است. اگر به آنجا رسیدند و دیدید کولاک بود، یا به صعود تاقه ادامه دهید، و یا به ارتفاع ۳۷۰۰ متری برگردید و منتظر خوب شدن هوا بماند.»

بدیخانه، ماگو اینکه، در کولاک بدرگان پیله دانگل واقع در ارتفاع ۴۴۳ متری رسیدیم، ولی بعلمت بهم خوردن حال کاشیر، نتوانستیم به توصیه فدراسیون ایتالیا عمل کنیم، و بناچار، با علم به همه خطراتی که تهدیدمان میکرد، در آنجا چادر زدیم. کاشیر قوی‌ترین عضو گروه، به نحو بیسابقه‌ای احساس ضعف و خستگی میکرد ساعت سه و نیم بعد از ظهر چادر بر افراشته شد و کاشیر، برای آنکه دوباره قوت بگیرد، مقدار زیادی غذا و نوشیدنی صرف کرد.

صبح روز بعد، آسمان چنان تیره و ابرها چنان غلیظ و فشرده بود که بزحمت توانستیم یکدیگر را ببینیم!

در جلسه مشاوره‌ای که تشکیل داده‌ایم، تصمیم گرفتیم از تغییر هوا نهراسیم و کماکان به راه ادامه دهیم. هومبرگر گفت: (با قله فقط ۵۰ متر فاصله داریم. بیائید همین امروز کلکتش را بکنیم). این جمله ما قوت قلب داد و باعث شد مصمم‌تر از پیش به قله هجوم ببریم. مژدالک نتوانستیم بیش از ۱۰۰ متر صعود کنیم. زیرا بین راه حال کاشیر به اندازه‌ای بد شد که مجبور شدیم در ارتفاع ۴۳۰ متری و در فاصله ۳۹۶ متری قله‌ای که جلو چشم ما خود می‌فروخت، از رفتن باز مانیم. حال کاشیر برآستی لحظه به لحظه وخیم‌تر میشد. او نالید و نوزیمه میکرد: «یک چیز می‌شده است. حالم آتقنر بد است که اگر پنج متر دیگر برویم

مطمئن‌خواهم مرد!»

حادثه

در صد ارس قله، اعضای گروه جلسه مشاوره تشکیل دادند و پس از یکساعت و نیم مذاکره و تبادل نظر سرانجام به این نتیجه رسیدند که نجات جان رقیبشان، از فتح قله واجب‌تر نبود. لذا قرار بر این شد که رودی هومبرگر نزد کاشیر بماند و هولدز و گاتال برای خیر کردن گروه امداد و آوردن نجات به پائین سرازیر شدند. هولدز و گاتال مختصری آذوقه برداشتند و در کولاک برف که کماکان بیداد میکرد - راه بازگشت را پیش گرفتند. رودی هومبرگر بعداً تعریف کرد:

«محللی که مجبور به ماندن شده بودیم، جایی برای چادر زدن نداشت. بعد از رفتن بچه‌ها سه ساعت و نیم با کلنگ، بجان یخ و برف‌ها افتادم تا توانستیم، در دل آنها غاری ایجاد کنم، و درون غار چادر بزنم. وقتی کاشیر را کشان کشان بدخل چادر کردم، حاشی تا اندازه‌ای بهتر شد، اما آنشب را - که شب جمعه بود - بسیار بد خوابیدم و لایقظ نالید. نفسی تنگ میشد و از گلویش صداهای خرخر مانندی به گوش می‌رسید. ولی عجیب این که نه تب داشت و نه سرد میکرد. بیماری او بقدری سروز و بیسابقه بود که هر چه لکر میکردم چیزی به عقلم نمی‌رسید. روز بعد، کولاک متوقف شد و خورشید درآید. ولی کاشیر به چنان حال اغماصی فرورفت که نه آفتاب را دید و نه حتی حرفم را شنید. وقتی از اعضاء در آمد، خواست ادرار کنند، ولی نتوانست - تازه آنوقت بود که فهمیدم اوضاع از چه قرار بود. ادرارش بند آمده بود بجای آنکه از مجرای طبیعی بیرون بریزد، به داخل ریه‌هایش ریخته و داشت خفه‌اش میکرد. در آن لحظه خیلی نگران شدم زیرا فهمیدم که اگر گروه نجات هر چه زودتر نرسد، مرگ رقیبم قطعی است. محال است بتوانید تصور کنید در آن لحظاتی من چه گذشت. آسمان را در چند متری بالای سر می‌دیدم، در اطراف ما چشم کاری میکرد، سکوت و یخ و سنگ بود و درون چادر دوستی داشتیم که با هم بزرگ‌کننده بودیم، از هم یکدیگر خاطر داشتیم و جلو چشم‌هایم داشت از شدت درد بخود سی پیچید و ذره ذره جان میداد. از بخت بد، موقع غروب هوا دوباره بهم خورد و برف باریدن گرفت. شدت باد بعدی بود که بیم آن می‌رفت، چادر و محتویاتش را از داخل غار یخی بکند و با خود برد. هم‌قدر میتوانم بگویم شی که کاشیر مرد، شی واقعا جمنی بود»

«فردا هوا دوباره خوب شد. نزدیک‌های ظهر هلکوتر نجات پیدا شد. اما چون هلکوتر ایتالیایی و بزرگ بود نتوانست آنجا بنشیند و با بحال ایستاده در هوا ما را بردارد. نتیجتاً دست از ما دراز نگذاشت. چند ساعت بعد فرانسوی‌ها یک هلکوتر نجات فرستادند که مرا نجات داد و جسد کاشیر را به ما لاکشید و تازه بعد از کابله شکنی بود که معلوم شد، ادرار کاشیر به داخل ریه‌ها ریخته بعد در ریه‌ها منجمد شده بود و مرگ عجیب دوستم را زودرس تر کرده بود.»

در نشریه خبرگزاری آ. پ. ان، شوروی گزارشی راجع به سفر تیم واترپولو نیروهای مسلح شاهنشاهی به مسکو چاپ شده که عیناً ترجمه و منعکس میشود. تیم واترپولو ارتش ایران متشکل از ۱۰ بازیکن روزه ۱۷ خرداد به مسکو رفت. در چند مسابقه تعریفی شرکت کرد و در تنها مسابقه رسمی که با تیم پادگان نیروی دریائی شوروی در مسکو داد با نتیجه ۴ بر ۱ مغلوب آن تیم شد.

خان محمد بیگی:

از ما مثل دوست پذیرائی شد

جهان هستند. آنها حتی در موقع تمرین هم به خوشامد رحم نمیکنند! «باریس گومیان منوهر پرچی گفت: «باریس گومیان و آلکساندر شیدلوفسکی (مربیان تیم باشگاه مرکزی نیروی دریائی شوروی) تمرینات ورزشکاران را بر اساس اسلوبهای جدید اداره میکردند. آنها مخصوصاً به تکمیل حرکات فردی و حمل و نقل شنای سریع و پاسکاری و شوت‌های گوناگون در وضعیت‌های مختلف، اهمیت زیادی قائل بودند. ضمناً روی نقشه حملات مختلف نیز کارهای زیادی انجام میشد و سازمان دفاع نیز فوق‌العاده مورد توجه بود.» مرتضی شریعت وارد گفتگو شد و گفت: «اگر در اولین تمرین فکر میکردیم که از عهدهٔ مقابله با همهٔ این فن‌ها - بر نمی‌آیم، در تمرینات بعدی دیدیم که در نتیجه صبر و رفتار دوستانه ورزشکاران شوروی، از عهدهٔ خیلی از کارها برآمدیم.» بنابراین میتوان انتظار داشت که در آینده نزدیک عده بیشتری از بازیکنان واترپولو ارتش وارد تیم منتخب این کشور خواهند شد.

هفته اقامت تیم ایران در مسکو برنامه فشرده‌ای داشت. سازمان دهندگان دیدار مذکور - یعنی نمایندگان کمیته ورزش وزارت دفاع اتحاد شوروی - در این برنامهٔ تقریباتی هم برای ورزشکاران منظور نمودند. ورزشکاران ایرانی مدت سماعات در کمانال مسکو و در پیاجه مصنوعی کلیاتینسک گردش کردند - نمایش باه «یزل»، را در کاخ کنکره‌های کرملین تماشا کردند - به سیرک مسکو رفتند و از نقاط دیدنی کاخ کرملین دیدن نموده به موزه نیروهای مسلح اتحاد شوروی رفتند. سرهنگ دوم خان محمد بیگی قبل از اینکه تیم واترپولو ارتش ایران خاک اتحاد شوروی را ترک کند چنین اظهار داشت: «از ما مثل دوست پذیرائی کردند. حالا ما منتظر آمدن بازیکنان واترپولو نیروی دریائی شوروی به ایران خواهیم بود. آنها با آمدن به مسکو ما از میهمان‌نوازی مقابل ملت ایران - که احساسات گرمی نسبت به ملت شما دارد - برخوردار خواهند شد.»

در پایان و. ریابوف ضمن تشکر دست سرهنگ دوم خان محمد بیگی سرپرست تیم واترپولو ارتش ایران چنین گفت:

«ما از این سفر شما خوشحال هستیم. زیرا این دیدار سرآغاز روابط ورزشکاران ارتش ایران با ورزشکاران نیروی دریائی شوروی است.»

در این فشار دست محکم - که از مختصات دست دادن دریا نوردان است - عامل بخصوصی وجود دارد بدین معنی که باید انتظار داشت که از این بیعت تماس‌های ورزشی دو کشور از جمله در رشته‌های مختلف ورزش‌های آبی که بین افراد نیروی دریائی رواج، زیادی دارند از قبیل واترپولو، شنا و قایق‌رانی و شیرجه استبحام بیشتری حاصل میکند.

تیم بازیکنان واترپولو ارتش ایران نخستین بار بود که به اتحاد شوروی سفر کرد. هفته‌ای که این تیم در مسکو گذراند بقیهٔ عموم هم از لحاظ بالا رفتن سطح مهارت و هم از لحاظ گسترش دید بازیکنان، بسیار تریبخش بود. نوید اوسیتویف قهرمان بازیهای المپیک گفت: «ما اطلاع داشتیم که فقط سه تن از بازیکنان این تیم جزو تیم منتخب ایران هستند که در بازیهای آسیائی پیروز گردید. این سه بازیکن یعنی حسین توکلی، منوهر پرچی و مرتضی شریعت در موقع تمرین، سطح عالی مهارت و استادی خویش را نشان دادند. مثل شوت حسین توکلی که بسیار فنی است و درگیری او با حریف در سطح عالی قرار دارد. پرچی ذاتاً چند دست است و همین علت مبارزه با حملات او خالی از اشکال نیست. چون وقتی دست به حمله می‌زند، شوت‌هایش غیر عادیست. ما سعی کردیم به بقیهٔ اعضاء تیم کمک کنیم که خود را به سطح بازیکنان درجه یک برسانند.

از حسین توکلی که کاپیتن تیم ایران سؤال شد: «تمرینات مشترک چه اثری در شما گذاشت؟»

حسین توکلی جواب داد:

«... حالا برای ما روشن شده است که چرا بازیکنان واترپولو شوروی قهرمان المپیک و قویترین بازیکنان واترپولو در

عزروسی
فلمبرداری رنگی
سالن‌های مجلل
دیسکوتک استریوفونیک
هنگی مجالی
تلفن ۶۶۳۶۲۵

مقدماتی-گروه دوم

ایران «ب» (۱) ۲

حسین راغفر ۱ - رضا قشقاییان ۲
بیژن ذوالفقار نسب ۳ (کاپیتن) ، جواد
الله وردی ۵ ، مهدی دهنور زاده ۳ -
مانیس میناسیان ۱۳ ، حسن نظری ۴ ،
ابراهیم قاسمیور ۹ (از دقیقه ۸۰ جاوید
جهانگیری ۸) - اسماعیل حاجی رحیمی
پور ۷ - ناصر نورانی ۱۲ ، عبدالمجید
بشکار ۱۱ (از دقیقه ۵۵) محمد
دستجردی ۱۰
ذخیره ها : کریم بوستانی ، سعید
باغوردانی ، حمید شهبازی ،
زننگ پیراهن : سفید

ملی امید لهستان (۰) ۱

تسکارز آندرز ۱ - دسکو آندرز ۳
بوالزاک میروستاو ۴ ، تومیسکی
والسار ۱۷ ، روی ووژسچ ۱۲ -
کمسیک کازیمیرز ۱۴ ، هانتوز
پگنیو ۶ (از دقیقه ۷۰ اوگازا رومان ۶) ،
کروبا آهام ۱۵ (از نیمه دوم تادوزباو
تولفسکی ۷) - سارک کوستو ۱۱ ، زدنستاو
کاپکا ۸ ، ویتولد کاراس ۱۳ (کاپیتن)
ذخیره ها : ریسزادبر ، زینگیو - پتاسزو
لسکی ، آندرز سیکورسکی ،
زننگ پیراهن : قرمز

گل ها : ۰ - ۱ - ناصر نورانی

(دقیقه ۱۰) ، ۱ - ۱ - کازیمیرز
کمسیک (دقیقه ۷۳) ،

۱ - ۲ - اسماعیل حاج رحیمی
(دقیقه ۸۳) .

داور : محرم (مصر) با کمکمالوالا-
(زئیر وصالعی ایران)
تماشای بیش از ده هزار تن
بازکن اختاری : ناصر نورانی از ایران
بهترین بازیکن : بیژن ذوالفقار نسب از ایران



با تماشای نمایش تیم ملی ایران «ب»
بسیاری این جوانان را بهترین تیم جام
دانستند . ایستاده از راست به چپ :
مانیس میناسیان ، محمد دستجردی ،
علیرضا قشقاییان ، ناصر نورانی ، حسین راغفر
و بیژن ذوالفقار نسب (کاپیتن) . نشسته
از راست : ابراهیم قاسمیور ، مهدی
دهنورزاده ، حسن نظری ، جواد اشوردی
و اسماعیل حاج رحیمی پور .

**تلاش و
فداکاری ،
راه را بر
قدرت بدنی
و تکنیک
لهستانی ها بست**

وزرشگاه رادان (پکن) ۲ تیر ماه
۱۳۵۴ - تیم ملی ایران «ب» در قالب تیم
جوانان زیر ۲۳ سال ، تیم ایران الف را رسیده
کرد و تیم امید زیر ۲۳ سال لهستان را ، دور
یک شکست داد . در حالیکه روز قبل از این
تیم ملی ایران «الف» با باشگاه گلایگ-
اکسپورچسلاواکی که قدرتی متوسط
داشت - یک بریک مساوی کرده بود ،
چهره های جوان و پر تلاش ایران نمایندگان
پدیده جدید فوتبال جهان و نشانه یی از تیم
سوم جام جهانی اخیر را با گل های زیبای
ناصر نورانی در دقیقه دهم اسماعیل حاجی-
رحیمی پور در دقیقه ۸۳ مغلوب کردند .
تیم ایران اگرچه قلابی کلی از یک تیم
هوانگ و یکپارچه نداشت ، اما بهره های
آن تک تک سعی به اجرای یک بازی
صحیح و ارائه آنچه که آموخته بودند داشتند
خط دفاع ایران «ب» عالی کار کرد و بیژن
ذوالفقار نسب بهر آه جواد اشوردی با
آشنائی کامل به یکدیگر بارها به لطف
جنگندگی و باهوشی راه را بر لهستانی ها
بستند . تنها نقطه ضعف دفاع مهدی
دهنورزاده از جناح چپ بود که در حد
خود جلوه نداشت .
خط حمله با آمدن جاوید جهانگیری



ناصر نورانی مهاجم بلند بالا و جوان ایران
در دیدار با تیم امید لهستان گل بسیار
زیبای تیم ملی ایران «ب» را به ثمر
رساند . حرکات و هوشیاری نورانی سخت
سود توجه سیکورسکی (مری تیم ملی
امید لهستان) قرار گرفت . اینجا نورانی
مدافع لهستان را مفلور کرده و به سوی
توپ میروود در حالی که به نااحتی میج
پاش هم نمیندیشد .

امید لهستان مغلوب ایران شد

کل دوم ایران

ایران که پیروزی را از دست داد با تلاش بسیار جستجوگر کل دیگری شدید از ایجاد چند خطر، در دقیقه ۸۳ به آنچه آرزو داشت رسید. یک-دو حاجی رحیمی-پور با جهانگیری و سپس پاس بوق جهانگیری از راست به حاجی- که در این لحظات بیشتر در نوک حمله ظاهر میشد- او را در روی خط هیمنه قدم صاحب توپ کرد. حاجی باشلیکی به بوق و خوب دروازه را هدف گرفت و تسلیم شدن دروازه بان لهستان کل پیروزی ایران را به همراه داشت.

بعد از این گل بازیکنان تیم ایران با فداکاری سعی به حفظ پیروزی داشتند و از حمله نیزغافل نبودند. تا پایان آن لهستان نتوانست کاری از پیش ببرد اما شوت حاجی رحیمی-پور خطری دیگر بود که دروازه بان پارس سریع کرنر ساخت و از گل سوم جلوگیری کرد. تیم ایران «ب» به این پیروزی راه ورود به نیمه نهایی را با سه راهوار ساخت.

چپ به هافبک راست آمدوحالت نفوذی به خود گرفت. در برابر این روش لهستان، ایران با همان حالت میل به حمله، بازی را آغاز کرد از این روش گل بازی مهیج و دیدنی تر شد.

بیژن ذوالفقار نسب ستاره سابقه، دوباره دروازه ایران را نجات داد بار اول راه شوت «دکمو» مدافع راست نفوذ کرده را بست و در مرحله بعدی در کورسی که با «کوستو» گذاشت او را در جلو دروازه نام گذاشت.

در دقیقه ۶۰، شوت دورناییس و ضربه جهانگیری با پای دستچردی، دروازه لهستان را تهدید کرد اما چیزی نگذشت که لهستان سرانجام از نفوذهای ست راستش نتیجه گرفت و به گل تساوی دست یافت.

در دقیقه ۷۰ کاپکا از راست توپی را بلند سانتر کرد و همسبک با جاگیری و برش خوب توپ را به دیرک عمودی راست دروازه کوئید و کردش توپ به درون دروازه گل تساوی و شادی لهستانی ها را با بار آورده

ضربه سرنوایی که در برخورد با همسبک او را مدتی کج کرد- اولین خطرا آفرید و دبری نمانید که بعد از دوشوت دورا ز نظری - که آن کار دروازه گذشت- در دقیقه دوم ناصر نواری در فاصله بیست و پنج متری جناح چپ دروازه لهستان در حالیکه هشت به دروازه داشت با روی پاتوپ راشت سر بولزاک (مدافع) انداخت و بی آنکه فرصت فرود آمدن به توپ دهد از همان فاصله سه ضرب توپ را به گوشه چپ بالای دروازه کوئید و شرجیه بلند دروازه بان در ست راه توپ بی تأثیر بود.

از همه حملات ایران و واکنش های سخت لهستان تنها حادثه قابل ذکر نفوذ و ضربه کمسیک از زاویه بسته بود که راغفر با برشی بلند شلیک و راهمار کرد.

آرایش کوبنده لهستان

در نیمه دوم لهستان دست به یک تحویض زد و با آمدن رومن اوکا از به جناح راست خط حمله، کاپیتن کاراس از گوش

چهره بی کوبنده تر پیدا کرد. مانیس- میتاسیان در جناح راست میانی در نیمه اول متوسط در نیمه دوم عالی بود. نظری تلاش بسیار داشت اما نتوانست میداننداری چون روزهای جام جوانان در کویت داشته باشد. قاسمیور با وجود ارائه دانستنی هایش در شرایط عالی نبود. در گوش راست حاجی- رحیمی پور با وجود سماجش بیش از هر مهاجمی دفاع لهستان را زجر داد و گل پیروزی را هم آورد. تنها عیب حاجی رحیمی- پور تک روی زیاد و رعیت کم او به همکاری بود. ناصر نواری گل زن کشته بیشتر به بازی خط تخت جمشید اولین گل ایران را باشلیکی سر ضرب و تماشائی از فاصله ۲۰ متری بمر رساند. نورائی بنابر غیره قسمل به حضور در جلوی دروازه حریف و گل زدن کشته به بازی خط میانی میامد و توپ، کم کار بود. هنگامی که برای حفظ نتیجه یک بر صفر بسود ایران بشکار به جای او آمد و خطا زد و نگذاشت که گل شود- کشیدن این بازیکن میان میدان محکم تر شد اما از قدرت نولک حمله کاسته کردید. دستچردی در هر کت با توپ خوب بود اما باز هم نوعی سنگینی و کم کاری در حرکات او دیده شد. «تیم ایران» ب- تشقائیان، نظری، قاسمیور و بشکار از نیمه ملی جوانان اخیر بودند و از میان آنها فقط تشقائیان بیش از گذشته ظهور کرد. نظری همچنان شوت زن از راه های دور بود اما نه به دقت گذشته. تنها بازیکنان تیم های شهرستانی قاسمیور- سپس جانییش جهانگیری و بشکار بودند.

تیم امید لهستان با وجود باخت به ایران خود را یکی از قویترین تیم های جام نشان داد. بنظر میرسد که هوای گرم تهران بر سرعت و طراوت آنان تأثیر نامطلوب داشته است. لهستانی ها در بازی و حفظ توپ عالی بودند. اما نوعی بی برتری و سستی در کار آنان دیده میشود که یک بار هرگز نتوانستند خط دفاعی ایران را بشکنند. گرچه از نظر قدرت بدنی و تکنیک برتر بودند. دفاع لهستان کنت بود و در اغلب حملاتی که میکرد، اسیر حملات خطرناک ایران میشد و دفاع جامی مانند (پویزه از جناح حاجی رحیمی پور) بی تردید بهترین بازیکن این تیم و مغز متفکر زمین، ویولت کاراس بود که در نیمه دوم پایه گذار حملات لهستان از جناح راست شد و بارها برای ایران خطر آفرید. در نیمه دوم او از جناح چپ حمله به هافبک راست رفت و بازیکنی از ایران در پی مها روموا لیت از او نبود. کمسیک (زننگه گل) نیز بازی جانی عرضه کرد.

گرچه لهستانی ها روشی دفاعی نداشتند اما بازی پرشور و پر تلاش بازیکنان ایران باعث شد که آنان بیشتر به دفاع مجبور شوند و خطر را تحمل کنند. شاید مهمترین سند این ادعا زدن هفت کرنر در نیمه اول و هشت کرنر در نیمه دوم توسط ایرانی ها باشد زیرا لهستانی ها فقط سه کرنر در نیمه اول و دو کرنر در نیمه دوم زدند.

گل زیبای نواری

مسابقه با حملات ایران آغاز شد و

در یک دیدار پر گل مصر بر ژئیر پیروز شد ژئیر در حد انتظار ظهور نکرد

مصر (۲) - ۳ ژئیر

بازیکن خطاری: شاکر عادل فتح از مصر بهترین بازیکن: طه بصری از مصر

ورزشگاه راه آهن (شنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۵۴) - تیم ملی مصر در قالب تیم ابدی خود، در اولین گام جام ایران، تیم ملی ژئیر نماینده آفریقا در جام جهانی ۱۹۷۴ را سه بر دو مغلوب کرد. در این بازی پر گل و جالب دو تیم، ژئیر آفتاب سوزان بارها برای یکدیگر خطر آفریدند و اگر از آنها هم نتیجه گیری میکردند رقم گل ها برآبالاتر از این بود.

تیم ملی مصر بازیکنانی سریع داشت و سری اروپائی آنها، فن بازی و حرکت توپ را خوب یادشان داده بود. اما ضعف بزرگ آنان عدم قدرت در ادامه آهنگ بازی درون محوطه جریمه بود. مصری ها در برابر ژئیر از نظر سرعت و قدرت چریش داشتند اما مدافعان این تیم بارها مغلوب بازیکنان ریز نقش خط حمله ژئیر شدند.

تیم ژئیر با پاسهای کوتاه و دریبل های ریز تسلطی جانب بر توپ داشت اما سرعت در نزد آنان نبود. بزرگترین ضعف تیم ملی ژئیر دروازه بان بود که بسامندی عامل میکرد. این دروازه بان با آنکه در جام جهانی غرض تیم ملی بود، تفاوت بسیار داشت.

تیم ژئیر با پاسهای کوتاه و دریبل های ریز تسلطی جانب بر توپ داشت اما سرعت در نزد آنان نبود. بزرگترین ضعف تیم ملی ژئیر دروازه بان بود که بسامندی عامل میکرد. این دروازه بان با آنکه در جام جهانی غرض تیم ملی بود، تفاوت بسیار داشت.

ژئیر از جام جهانی ۹ بازیکن به همراه داشت و قیه که در خارج از ژئیر بازی میکنند (از جمله دروازه بان جام جهانی) غایب بودند.

ستاره این مسابقه بصری کاپیتن شماره ۱، مصر بود که در دادن پاس استادی بسیار داشت و با خطرات و گل های اول و دوم مصر را خود او ریخت و دو تیم به روش ۳-۲-۵ متقابل بودند و شاید کش و قوس و حالت دو طرفه بازی- که با گل ها و حادثه های فراوان همراه بود- از همین روش سرچشمه میگرفت. در تیم مصر حسن شحاطه با شماره ۹ بازیکنی شوت زن بود. در تیم ژئیر ندایا (۹) و کیدوسو (۱۰) بهترین دیگران بودند.

مسابقه فراز و نشیب بسیار داشت. تیم مصر بعد از اینکه سه موقعیت عالی از دست داد در دقیقه ۷، تسلیم شلیک نهایی و جانب ایلونگا هافبک تیم ژئیر شد. اما دو گل بی دردی در دقایق ۳۳ و ۳۹- که اولی توسط طاهر اشیش و دومی باشلیک از راه دور سعدنور حاصل شد نتیجه را دو بازیکن بسود مصر کرد.

با یک تغییر نیمه دوم ندایا از غفلت مدافعان مصری- که گمان آفاسید برجای ایستادن بسود برد و از ۱۰ متری گل تساوی را برای ژئیر زد. تیم مصر بسیار کوشش کرد و سرانجام در دقیقه ۸۰ خلیل علی با پاس حسن شحاطه گریخت و توپ را به سقف دروازه کوئید و گل سوم را بشتر رساند. پس از آن تا پایان مسابقه ژئیر برای زدن گل تساوی کوشش بی حاصل داشت.

غذای آماده میهمانی - ۱۹۹ ریال
 ۲۰ نوع غذای خوب، انواع سالاد، دسرهای خوشمزه
 با سفارشات تزئینی، تعویب و پذیرایی در منزل - تلفن ۶۶۴۳۵۵

جام ایران در جازد

ترکیه، مجارستان، یوگسلاوی و بلغارستان میتوانند به جام بیایند

جای تیم‌های بزرگ آسیایی خالی است

ارزش از کشورهای لهستان، مجارستان، روسیانی، یوگسلاوی، بلغارستان، چکسلواکی، شوروی و خلاصه اروپای شرقی است که با دور بودن از غلظت‌های مادی اروپای غربی چندان بر خراج نیستند و تا کنون نیز چهار کشور از آنان برای شرکت رغبت نشان داده‌اند و تیم‌های جلب نظر کن نیز تیم‌هایی هستند که بنا به بعضی جهات میتوانند بخاطر رقابت‌های با فوتبال ایران، قابل توجه باشند و از نظر قدرت نیز در سطح خوبی قرار دارند. مانند تیم‌های ملی ترکیه، عراق، کویت، کره جنوبی، کره شمالی، مصر، زئیر، الجزایر، تونس و حتی تیم ملی استرالیا که اگر از این جمع تیم‌هایی مانند زئیر، مصر و تونس جواب مثبت بدهند و بیایند هر یک میتوانند برداغی رقابت بیفزایند.

در جوار تیم‌های اروپا، آفریقا و آسیا، هم میتوانیم مدانی برای کسب تجربه، آزمایش برای جوانان و امیدها و یوسفینی برای آموختن فوتبال پیشرفته تراویا داشته باشیم و هم فوتبال خود را در صحنه رقابت برابر حرفان صاحب نام خود بگذاریم. فدراسیون فوتبال در کنار برنامه‌های سازماندهی که دارد باید بیش از پیش از وجود مربی گران قیمت خود استفاده کند. مربیانی که با او کار کرده‌اند معتقد به دانش فوتبال اوفارل هستند. از این رو باید از این ایرلندی بخواهند که در کلاس‌های تعلیم مربی بهنگامیکه تیم ملی فعالیت ندارد، نقش استاد را داشته باشد و از این راه با سود بردن از مربیان تعلیم یافته، بطور غیر مستقیم از وجود او—در یک سطح گسترده که فوتبال همه کشور را دربرگیرد—استفاده کنند.

ما تردید نداریم که اوفارل در فوتبال دانش عمیق دارد اما حالا بطور مؤثر و در حد در بالاتن خود کاری انجام نداده است. شکی نیست که بعد از بازیهای مقدماتی المپیک ۱۹۶۰—که اواخر تابستان انجام میشود—فرست خوبی برای تشکیل کلاس‌های مربیگری خواهد بود و همانطور که نتیجه کلاس کرامر را اکنون در اکثر تیم‌های میبینیم، این کلاس‌ها نیز میتوانند در آینده با تازایی عالی داشته باشند و تأییدی مطلوب بر همه معادله‌های آتی از جمله جام ایران نشان دهد.

آنچه ما از تیم ملی و چهره‌های آن دیدیم باز همانهایی بود که دیگران ساختند و در سال پیش هم دیدیم، خوشبختانه امیدها نقطه عطفی برای فوتبال بودند که امیدواریم همه آنان حفظ شوند و در مسابقاتی که در پیش داریم، با شجاعت هر چه بیشتر به شایسته‌های مدانی بدیم و خونی تازه در شریان‌های تیم ملی بدوانیم.

زیرآنان که ما تصور میکردیم نبود. شاید دلیل بزرگ آن غیبت اکثر بازیکنان شرکت کننده در جام جهانی بود. بعضی میگفتند «بازیکن از زئیر جام جهانی به تهران آمده و بعضی دیگر مدعی چهار بازیکن بودند. بهر حال این زمینگاه بوته کاسی برای آزمایش و مقایسه قدرت تیم ملی زئیر بعنوان تیم برتر آفریقا و تیم ملی ایران قهرمان آسیا نبود.

مسال پیش ترکیه در آخرین لحظات از فرستادن نماینده‌ی به جام خودداری کرد و اسمال الجزایر که این هر دو از کیفیت جام کاست. بی تردید فدراسیون فوتبال باید تمهیداتی در نظر گیرد تا تیم‌های داوطلب قبول دعوت مقامات فوتبال ایران، از چنین کناره‌گیری‌های نادرست دوری کنند.

جام فوتبال بین المللی والاحضرت ولائجهد برای جوانان در دوین دور خود، از نظر قدرت و شهرت تیم‌های شرکت کننده به مدارجی برتر از بالاتر از دور اول دست یافت و ما را به اعتلاء هر چه بیشتر این جام در سطحی کاملاً جهانی امیدوار کرد. اما متأسفانه جام دوم ایران در مقایسه با جام اول از چنین صوبیتی برخوردار نبود و باید از آنکون در پی آن باشیم که با تعیین تاریخ مناسب و دقیق برای برگزاری جام و لغایتی کار ساز در جلب تیم‌های صاحب نام به اعتبار و ارزش این جام بیفزاییم و از ایران نیز در جوار تیم‌های ملی «الف» و «ب» که از حالا رنگ تیم‌های ملی و امید بپودر گرفته (میتوانیم تیم سوسی روانه میدان کنیم که سهم کلی بازیکنان آن را جوانان لایق هشت تیم شهرستانی جام تخت جمشید و بازیکنان ارزشمند دیگر تیم‌های شهرستانی ببرند. با این برنامه میتوانیم در صورت وجود تیم‌های باشگاهی (مانند کلاس)—اکسپورت (حیثیت نام و مقام تیم ملی را بخاطر نیاندازیم و با نام منتخب تهران، تیم ملی را روانه میدان کنیم. زیرا تیم ملی فعلی چیزی فرا تر از تیم منتخب تهران نبود.

بعد از پایان جام اول صحبت از دعوت تیم‌هایی چون وست هام (قهرمان جام حذفی انگلستان)، کاونتری انگلستان، اینتراخت فرانکفورت آلمان غربی و یارسلون از اسپانیا بود. این نام‌ها را به برگزاری مسابقات داغ و پر شور مطمئن ساخت اما هیچک از این‌ها بدلایی به میدان نیامدند. البته بهیچ وجه پیشنهاد نمیکیم که با خرجی بسیار گزاف تیم‌های صاحب نام را دعوت کنیم ولی بهتر است هدف را در جذب تیم‌های در سطح عالی و با جلب نظر کن قرار دهیم. منظور از تیم‌های در سطح عالی، تیم‌هایی خوش تکنیک و با

و زاگلی لهستان شرکت داشتند که بجز قدرت ماشین وار تیم ملی امید و نمایش زیبای تیم ملی تونس—که هر دو به خاطر نارسائی در برابر تیم‌های با تجربه‌تر و حرفه‌ی، بین راه متوقف شدند—قدرت تیم‌های موجود چنگی بدل نزد و جنبه‌ی آموخته و با افتخار آفرین در کسب پیروزی، آنچنان که هدف فوتبال ما است، نداشتند.

اسمال نمایندگان چکسلواکی و شوروی همانها بودند اما لهستان تیم ملی امید خود را فرستاد که بر مراتب مرغوب تر از سال پیش بود. از رومانی و تونس نماینده‌ی نداشتیم در عوض قاره آفریقا دو تیم ملی دیگر فرستاد که یکی تیم ملی مصر بود و دیگری تیم ملی زئیر (یکی از شازده تیم حاضر در جام جهانی اخیر) تیم ملی مصر، فوتبالی خوب و در حد تیم ملی تونس دوسال پیش عرضه کرد. اما

فردا دوین دور مسابقات فوتبال جام ایران به پایان خواهد رسید و قهرمان آن شناخته خواهد شد. در گذشته ما جامی بنام دوستی و یک بار جام کوروش داشته‌ایم که جنبه بین المللی داشت. اکنون جام ایران جانشینی محکم و مشخص برای آن جام‌ها شده که امیدواریم در حفظ و بهبود آن بکوشند.

سال پیش جام ایران با شرکت پنج تیم خارجی و دو تیم از ایران انجام شد که با وجود قهرمانی تیم «الف» ایران و بطور کلی چندان ارضاء کننده نبود زیرا نمایش تیم ملی در حد انتظار جلوه نداشت و اوفارل مربی ایرلندی تیم، علت را در نا آشنائی اش با فوتبال ایران و بازیکنان ما ابراز کرد. در دور گذشته تیم‌های کلاس اکسپورت چکسلواکی، تیم ملی امید شوروی، استیکال روشواز رومانی، تیم ملی تونس

با دوربین پاکت اینستا ماتیک کدک عکاس مسابقه‌های دوست داشتنی خود باشید



به فروشگاه‌های معتبر و مراکزی که علامت Kodak دارند مراجعه فرمائید
شرکت الکتروکار با مسئولیت محدود ۲۱۰ خیابان شاه تلفنهای ۴-۲۲۰۹۳-۸۰-۶۶۲۹۵۶



گل...!

گل
*
مولین سپورت

بهترین فرش برای اطاق شما
ساده و گلداز در دهها رنگ و نقشه و طرح

شرکت فرش مولین روز جاده قدیم شمیران شماره ۴۵۱ تلفن: ۹-۷۶۹۰۹۱



تیم امیدشوروی در دقایق پایان بازی به کرنرهای متعددی دست یافت ولی بی نتیجه ماندن تمام آنها، شکستی تلخ را بر سر مدافعان جام ایران تحمیل کرد.
در اینجا اسلوبودیان (مهاجم چپ شوروی) در حضور دوبار دیگر خود (گوتسا بو با شماره ۱۱ و اوگانسیان با شماره ۱۴) سی گوشد تا یکی از کرنرها را به ثمر برساند.

ناآشنایی به چارچوب دروازه موجب باخت شوروی شد

در برابر گلاس اسکپورت،

امیدهای شوروی باماشین حساب بازی می کردند!

این توپ را بین راه رود و در حالیکه تنها مقابل دروازه قرار گرفته بود، با سستی در زدن ضربه، موقعیت خوب خود را از دست داد و هنگامی که توپ را به توروفسکی سپرد، با جایگیری مدافعان شوروی دیگر کار از کار گذشته بود.

خستگی جسمی و روحی شوروی از ناکامی در حملات بی در پی، بازی را از دقیقه ۳۰ به بعد تعدیل کرد، تا حائلی که آهنگ سریع بازی در ۵ دقیقه پایان نیسد. اول- که خشونت هر دو طرف را موجب شده بود- گلاس اسکپورت را برتر از حریف خسته نشان میداد.

در نیمه دوم، قبل از به ثمر رسیدن گل چکسلواکی، اوگانسیان (شماره ۱۴) اولین بخت تیم شوروی را در این نیمه از بین برد. این موقعیت را خود این بازیکن با فرار و شوت سنگین خود بوجود آورد. توپ شوت شده، بعد از برخورد با سینه دروازه بان چک، دوباره جلوی پای اوگانسیان قرار گرفت و در حالیکه فقط دروازه بان را جلوی روی خود داشت، توپ را در بغل هم اوجای داد!

گل در دقیقه پنجم این تیم به ثمر رسید. فقط اشتباه مدافعان شوروی (شماره ۳ و ۴) دلیل به ثمر رسیدن این گل شد. زیرا احمال این دو، به توروفسکی زنده گل، فرصت داد تویی را که از زودا گرفته بود، با خطر جمعی و با دندبی خوب وارد دروازه کند. در حالیکه کمترین کاری که مدافعان می بایست انجام میدادند، خراب کردن توپ و یا سد کردن راه دید مهاجم بود.

از این لحظه به بعد شوروی ها که نتیجه را عکس کوشش خود دیدند، سعی در استفاده از ثانیه را داشتند. اما از آنهمه حملات، جز بست آوردن کرنرهای متعدد، نتیجه دیگری نگرفتند.

خوش آغاز کردند، با روشی که انگار با ماشین حساب، محاسبه شده است. در مقابل، بازیکنان چکسلواکی با تکیه بر دروازه بان تیز چنگ خود و با پرداختن به دفاع منطقه ای عرصه را در دست در لحظه نتیجه گیری به یاران شوروی تنگ می کردند. منطقه دفاع گلاس اسکپورت محوطه جریمه اش بود. این تیم در این منطقه با تمام قدرت به دفاع پرداخت و همین روش، تیم امید شوروی را- که از ناتوانی در نتیجه گیری زجر می برد- از واهمه ضد حمله به عقب می راند و برای سوجدونی از نفوذ تا مقابل دروازه حریف به شوت های ازاره دور نفعات می کرد.

چکسلواکی، با اینکه در کل بازی بیشتر مقهور بازی بی ابتکار شوروی ها بود، از لحظات و موقعیت ها به آسانی نمی گذشت و به ثمر رسیدن گل مسابقه یکی از این موقعیت ها بود و همینطور برخورد شوت بیجوفسکی (کاپیتن) به دیرک افقی دروازه شوروی در دقیقه ۷ مسابقه و شوت توروفسکی در دقیقه ۸۸، که به همین صورت بی نتیجه ماند.

کاپیتن چکسلواکی در میانه میدان، همه کاره و پایه ریز حملات تمییش بود. در تیم شوروی این نقش را کورن اوگانسیان به عهده داشت. اما با تغییر مکان های خود، گاه یک مهاجم تیز و گاه یک مدافع در خط میانی بود که همراه با تغییر مکان دیگر یاران خط حمله، سعی در بهم ریختن خط دفاعی چکسلواکی داشت. در عقب روی های این بازیکن، داراشنکو (شماره ۱۵) در خط حمله قرار میگرفت ولی کوشش این یکی تنها در نیمه اول چشمگیر بود.

در اواسط نیمه اول، چکسلواکی یک موقعیت عالی برای گشودن دروازه شوروی را از دست داد. این موقعیت هنگامی که دروازه بان شوروی توپ را با دست برای دفاع راست (دامین) فرستاد، بوجود آمد. ویژند (مهاجم چکسلواکی)

ژویکو ۵، ویتور بوکوسکی ۴- بوری کوالو ۱۰، بوری آچیم ۹ (از دقیقه ۴۴ بوری بود بچو ۸)، آنا تولی داراشنکو ۱۵، ولاد بیریگوتسا یو ۱۱، کورن اوگانسیان ۱۴، یوتراسلو بودیان ۱۳ (از ۵۵ بوری کورن ۱۳).

ذخیره ها: ویجسلا جانو، باری کوزیتسوف، ویتالی رازدا یوف.

گل: دقیقه ۵ توسط توروفسکی برای چکسلواکی
دوازده صبح از لهستان با کیک سیفولا (ژنر) و محرم (مصر).
تماشاگر: حدود ۲ هزار تن

چکسلواکی (۰-۱)

زنک پیران- زرد
سدلاک ۱- بیکساپ- سیرماک ۳
ماشاسک ۱۱، کوکک- فرانک ۴
بیجوفسکی ۷ (کاپیتن)، ملیچار ۸-
توروفسکی ۹، ویژند ۱۳ (از دقیقه ۴۴ زنی سک ۱۰)، ژوژا ۱۱
ذخیره ها: بوریانک، زبروسک،
بیچنر، پتراسک.
شوروی (۰-۰)
زنک پیران- قرمز
ویکتور رادایوف، الکساندر
دامین ۳، الکساندر بوکو ۴، واسیلی

برابر چکسلواکی، تقریباً همه صعود تیم الف ایران را قطعی می پنداشتند. زیرا با بخت تساوی یا برد، ایران دست کم به عنوان تیم دوم دسته خود بخت صعود می یافت و اگر پیروزی با اختلاف ۲ گل میبود، ایران تیم اول دسته خود میشد. و اینکه رهبران تیم ایران چه روشی را پیش پای یاران تیم گذاشتند، در گزارش دیدار ایران و شوروی خواهید دید. اما بی شک روش دفاعی برای دست یابی به نتیجه تساوی ۰-۰ دقیقه دهمه و اضطراب را در این دیدار بوجود می آورد. زیرا شوروی ها با شوت های از راه دور خود، هر آن دروازه ایران را زیر آتش توپخانه خود میگيرند و کار را برای مدافعان ایران مشکل خواهند ساخت.
دیدار شوروی و چکسلواکی در سکوت ۲ هزار تماشاگر بی تفاوت برگزار شد. زیرا این تماشاگران نمی دانستند، تیم شوروی را باید تشویق کرد یا کلاس اسکپورت را. برای همین تشویق ها عادلانه تقسیم شد، هر دو تیم که بازی زیباتر از مسابقه ایران-گلاس اسکپورت را به نمایش گذاشته بودند، مورد تشویق قرار گرفتند.
امیدهای شوری، بازی را با آهنگی

بکشید ۲۲ تیر ماه ورزشگاه جدید زاه آهن (آبادانا)؛ دفاعی ضعیف در طرین خط تدافعی، عدم قدرت نتیجه گیری، یک همکاری خوب گروهی و شوت های از راه دور نکاتی بود که تیم امید شوروی در اولین دیدار خود در چارچوب مسابقه های جام ایران به نمایش گذاشت.
چه در ورزشگاه و چه در بیرون از ورزشگاه، کسانی که منتظر نتیجه این دیدار بودند، قبل از آنکه به فکر وضع تیم کلاس اسکپورت یا تیم جوانان زیر ۲۳ سال شوروی باشند، به تأثیر این نتیجه در وضع تیم الف ایران می اندیشیدند.

به هر حال تیم شوروی با وجود برتری کلی بر حریف، شکست خورد. شکستی که یاران این تیم با احمال و سستی در بهره گیری از موقعیت ها برای خود خریدند. بحث در مورد روشی که ایران باید در مقابل شوروی پیش گیرد، دست کم در این گزارش عبث خواهد بود. زیرا این گزارش در شرایطی منتشر می شود که دیدار ایران و شوروی انجام شده است و صحیح یا ناصحیح بودن روش ایران در برابر شوروی را می باید در گزارش دیدار این دو مورد بحث قرار داد. اما با این حال بعد از شکست یک بر صفر شوروی

دومین گام ایران «ب» هم شادی بار بود

شلیک های نظری و دستجردی نفس یوزینگ های ژئیر را گرفت



گروه دوم جام ایران

ایران (۱) ۳

حسین راغفر ۱ - علیرضا قشقاییان ۲
بیژن ذوالفقارنسب ۴ (کاپیتان) ، جواد
اللهوردی ۵ ، مهدی دینورزاده ۳ - مانیس
میتاسیان ۱۴ ، حسن نظری ۶ (از دقیقه
۸۶ جاوید جهانبگیری ۸) ، ابراهیم قاسمیپور
۹ - اسماعیل حاج رحیمی پور ۷ ، ناصر
نورانی ۱۲ (از دقیقه ۷۸ حمید شهبازی
۱۶) ، محمد دستجردی ۱۰ .
ذخیره ها : کریم بوستانی ، سعید
باغوردانی ، کارزینک شهبندی
رنگ پیراهن : سفید

ژئیر (۰) ۱

کونکولو ۱ - بیندا ۲ ، لویلو ۱۶ ،
کاسابا ۴ ، سیاه ۱۵ - کاتچی بوکا
۱۸ ، ایلونگه (از دقیقه ۲۲ کمیو ۱۷) -
ندا یه ۱۳ (از دقیقه ۶۱ مینوگوب) ، مایانگا
۱۴ ، کیدوسو ۱۰ (کاپیتان) ، ندا یا
ذخیره ها : کاتیندا ، باکاسا ،
لوسینگو
رنگ پیراهن : سبز

گل ها : حسن نظری در دقیقه ۲۴
و محمد دستجردی در دقیقه ۵۳ و
۶۷ برای ایران و ندا یا در دقیقه
۸۰ برای ژئیر

تماشاگر : نزدیک به چهارده هزار تن
داور : محرم (بصر) باکمک استر
(لهستان) و ثباتی (ایران)

بازینک اختاری: لویلو از ژئیر.
بهترین بازینک : بیژن ذوالفقارنسب
و جواد اللهوردی

ورزشگاه راه آهن (دوشنبه ۲۳ تیرماه
۱۳۵۴) - پیروزی سه بریک بر تیم ملی
ژئیر، صعود تیم ملی ب (امید) و تا قبل از
دیدار با مصر حتمی کرد. جوانان تیم امید
بعد از پیروزی بر حریفی پر قدرت چون
لهستان، در برابر ژئیر نیز نمایش باشکوهی
دادند و با وجودی که ژئیر برای بقا و گریز
از شکست دوم دست به جنگی سخت و
خشن زد معهدا با سه گل زینبا - که دوتای
آن با ضربه آزاد بود - نماینده آفریقا در جام
جهانی را از پای درآورد. حسن نظری گل
اول و محمد دستجردی گل سوم را با ضربه -
های کاشته بثمر رساندند و دستجردی خود
زنده گل دوم بود. ژئیر هم مانند لهستان
فقط یک بار توانست دفاع محکم و دروازه بان
خوب ایران را تسلیم کند و این بعد از سه
گل بازینکنان امید بود.

گرچه ژئیر در حد قدرت لهستان نبود
و بچه ها با گردن کلفت های اروپایی روبرو
نبودند اما از نظر کارجمعی ، تیم مسا
جا افتاده تر نشان داد و محمد دستجردی
برخلاف روز اول بهترین و پرثمرترین
مهاجم ایران بود. میتوان ادعا کرد که
با وجود خشونت حریف ، بچه های ما در
برابر ژئیر بسیار راحت تر بودند تا در برابر
لهستان.

تیم ژئیر با شناختی که از بازی اول
ایران بدست آورده بود با حربه خشونت
مقابلله ایران آمد و چهره های زهردار تیم
را هدف قرار داد. مرکز اصلی هدف آنان

اسماعیل حاج رحیمی پور مهاجم زهردار و
دونده ایران بود که در هر برخورد میچ پای
او هدف نوك با های زجرآور حریفان قرار
میگرفت تا آنجا که لویلو مدافع ژئیری
اخطار گرفت و به حاج رحیمی پور نیز بعد از
بشمر رسیدن گل اول ایران دستور داده شد
که احتیاط کند و برای حفظ ساق ها کمتر
درگیر شود.

در تیم ایران حسین راغفر در مواجهه
سریع و مطمئن بود. خط دفاع در مجموع
خوب بازی کرد بویژه دو دفاع میانی که
چیزیک بار در نیمه اول ، هرگز مرتکب
اشتباه نشدند.

خط میانی دونده و فعال بود و هر لحظه
با نفوذ های مدافع راست ایران (قشقاییان)
خط حمله را تعدیه میکرد. در خط حمله
حاج رحیمی پور در هم ریزنده ، نورانی
فرصت طلب و دستجردی موفق نشان دادند.
در طول بازی خصلت جانب بچه های ما
سعی به دادن پاسهای دقیق و ضربه های
حساب شده بود.

ژئیر تیمی که در حرکت با توپ
تا حدودی کند و در «کورس» ها سریع و
بمانند دیگر تیم های آفریقائی است ، در
این بازی نیز قدرت ضربتی نداشت و همین
باعث قبول دوین شکست و قطعی حذف
تیم شد. بازینکنان ژئیر در توپ گیری و
دریبل ، قدرت بسیار خوبی داشتند و حتی
جسارت در درگیری را هم دارا بودند
اما هنوز با فوتبال حرفه ای ناسلمی
بسیار دارند و مطابق با روح زیبای فوتبال
به حمله و گل زدن مینانیدند چنانکه
روش بازی ۴ - ۲ - ۴ آنان نیز قدیمی
است.

این میتوانست برای تیم امید ایران
یک گل باشد. نورانی بالاتر و مسلط تر از
لویلو مدافع خشن ژئیر با سر توپ رازده
است. اما توپ با فاصله کمی کم از کنار
دروازه میگذرد. تیم امید از اینگونه حملات
فقط یکبار نتیجه گرفت و دو گل دیگر را با
ضربه آزاد بشمر رساند. دو مدافع دیگر به برش
نورانی مبتکرند.

در این مسابقه تیم ایران مهاجم
مطلق بود گرچه ژئیر هیچکاسیلی به بازی
دفاعی نشان نداد و همین انگیزه هیجان و
گل های بسابقه را آفرید و تماشاگران را
از تماشای فوتبالی جانب راضی ساخت.
ایران با نود دقیقه حمله در نیمه اول
پنج کرنر و در نیمه دوم چهار کرنر زد و
تنها سهم ژئیر ، یک کرنر در نیمه اول بود.
تیم ایران بعد از حملات مکرر در
دقیقه ۴۴ به گل برتری دست یافت. تا قبل
از گل شوت حاج رحیمی پور ، پاس عالی
حاجی به نورانی در جلوی دروازه خالی و
سانتر قشقاییان - که با ضربه سر خوب
نورانی پرواز و هنرنمایی دروازه بان را
بهمراه داشت - فرصت های از دست رفته
ایران بود ولی سرانجام لحظه گل فرا
رسید و بدنبال خطای عمد روی حاج رحیمی -
پور در ۲۰ متر جناح راست ایران صاحب
ضربه آزاد شد و با شلیک سنگین و توقف نا پذیر
حسن نظری هافبک تیم ایران گل اول بشمر
رسید.

سه دقیقه بعد از گل ایران ، اشتباه
اللهوردی «کمیو» مهاجم تازه وارد را

بسه در صفحه ۲۴

شکوه جوانان امید لهستان را گرفت

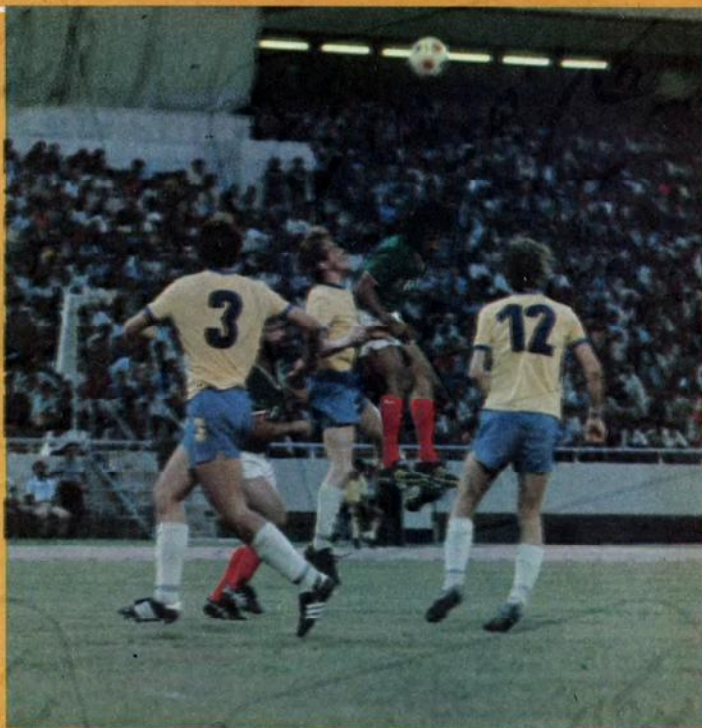


گل او شاید زیباترین گل جام باشد و جسارت او — که یک شه رده صدساله پیموده — نمونه‌یی قابل تقلید برای آنهاست که در کنار بزرگان کیفیات خود را فراموش نمیکنند. اینجا نورانی درحالی که توسط چهار بار حریف محاصره شده، به دروازه لهستان سر ضرب شلیک کرده و تقریباً زانو بر زمین دارد. از بارانش فقط مائیس سیناسیان در جمع مدافعان وحشت زده دیده میشود.

عکس بالا صحنه گل بیروزی تیم امید ایران در برابر تیم امید لهستان است. اسماعیل حاج رحیمی پور مهاجم سریع ایران چنین با قدرت شلیک کرد و کمترین فرصتی به دروازه بان و مدافعان لهستانی نداد. آنکه با شماره ۴ حسرت بار توپ را بکنگردد بیروستاو — بولرا کی مدافع لهستان است.
عکس پائین: ناصر نورانی لیاقت خود را در تیم امید هم نشان داد.



تیم ملی ایران «الف» در
 سومین دیداری که با گلاس
 اکسپورت چکسلواکی داشت
 باز هم مساوی کرد (دو بار در
 جام گذشته بود). این بار هم حمله
 با ایران بود. اما بازیکن گلاس -
 اکسپورت هوشیار بودند و حتی
 میرفتند که به یک پیروزی دروازه
 انتظار و حقیقت دست یابند .
 اینکه چنین مسلط بر فرزند اقصان
 زردپوش چکه به پرواز درآمده
 غلامحسین مظلوسی مهاجم
 ارزشمند ایران است که معلوم
 نیست چرا در نوبت دوم تعویض
 شد؟



بازملی پوشهای ایران در سد گلاس اکسپورت چکسلواکی ماندند

رضاعادلخانی یکی از بهترین
 چهره‌های تیم ملی ایران در برابر
 گلاس اکسپورت بود . او بارها
 برمدافع مستقیمش میکسا -
 که اینجا ناسوق بر زمین افتاده -
 پیروز شد و تنها گل ایران در برابر
 تیم چکسلواکی را هم او بدست
 آورد.



باران گل در پیکار لهستان و مصر



کار تیم مصر از این لحظه خراب شد. نتیجه توفیق عباس (مدافع تیم ملی مصر) و سد توپ با دستهای خود بسان دروازه بانان منجر به پنهانی اولین گل تیم لهستان شد. دروازه بان مصر با حرکتی نادرست بی ثمر به روی زمین افتاده و توپ را میبگرد در حالیکه دولوسکی (۱۰) مهاجم تیم امید لهستان از روی سر توفیق عباس پریده تا آسیبی به او نرسد. در این مسابقه لهستان پنج بر دو پیروز شد.

مصر را ضعف دروازه بان از پای در آورد

لهستان (۴) ۵

آندره فیشر ۱ - آندره دسکو ۳، میروستاو - بولزاک ۴، زینکینو پلا زوفسکی ۲، وویسیچ رودی ۱۲، کازیمیر کسسیک ۱۴ (از نیمه دوم مارلکوستو ۱)، ولادیمیر تومینسکی ۱۷، پلنسک وولسکی ۱۰ - تادوس باوتوفسکی ۷، رومن اوگازا ۹ (زدیسلو واکا ۸ از دقیقه ۸۵)، ویتولد کاراس ۱۳ (کاپیتن)

ذخیره ها: زینکینو، تاتو، آدام کروبا، آندره سیورسکی، زنگ پیراهن: سفید

مصر (۱) ۲

حشام عطی ۱۸ (کاپیتن) - احمد عبدالیک خلیفه ۲، حسن حمدی ۴، محمد توفیق عباس ۵، محمد الگوهری ۳ - شاکر عبد الفتاح ۱۵، فاروق غفار - علی خلیل - علی ۶ (از دقیقه ۶۰ مسعود نور ۱۱)، طاهر الشیخ ۸ (طاحا بصری ۱۰ از دقیقه ۳۰)، حسن شعاظه، اوساما خلیل ۱۷
ذخیره ها: حسن علی حسن، فتحی میروک، محمد السیاق
زنگ پیراهن: سبز

گل ها: ۱-۰ رومن اوگازا (پنهانی دقیقه ۴)، ۲-۰ کسسیک (۲۲)، ۳-۰ پاتوفسکی ۳۳، ۴-۱ احمد عبدالیک خلیفه (۴۱)، ۴-۲ فاروق غفار (۵۸)، ۵-۲ تومینسکی (۸۵).

تماشاگر: نزدیک به ده هزار تن
داوری عالی: محمد صالحی با کمک نظری و رحمانان

بازنکتن اخطاری: توفیق عباس، حسن شعاظه و فاروق غفار از مصر ورودی از لهستان بهترین بازیکن: ویتولد کاراس از لهستان

ورزشگاه راه آهن (دوشنبه ۲۳ تیرماه ۱۳۵۴) - دیدار بود بسیار جان پربدل کنتینیلین لهستان با چه برهی موفق تر از آنچه در روز اول ظاهر شد، شکست از ایران را جبران کرد و پنج بر دو بر تیم ملی مصر غلبه کرد. نمی بیشتر از گناه این شکست فاحش مصری ها به گردن دروازه بان بسیار ضعیف آنان بود که در برابر لهستان هیچ کارشستی انجام نداد.

مصری ها در دقیقه چهارم مسابقه تسلیم ضربه پنهانی اوگازا شدند. پنهانی بدنبال ضربه کرنر و شوت کاراس بدست آمد. زیرا در غیاب دروازه بان توفیق عباس مدافع شیرجه رفت و با دست راه توپ را بست. بعد از این گل مصر دست به حمله زد تا جبران کند. اما در دقیقه ۲۰ با یک ضربه کاراس از چپ گریخت و با خروج دروازه بان مصر از دژ خود آرام توپ را از کنار به

کسسیک سپرد تا راحت گل دوم را بزند. این گل روحیه مصری ها را خراب کرد و بازی را به حریف واگذار کرد. حاصل این در هم ریختگی مانور و شوت کسسیک از ۵ متری بود که براحتی وارد دروازه شد. یازده دقیقه بعد از این گل پاتوفسکی در موقعیتی مشکوک به آفساید فرار کرد و گل چهارم را زد. گویی این گل مصری ها را بخود آورد تا از شکستی سنگین و انتقاد آمیز بگریزند و بدنبال شوت سنگین شعاظه که به دیرک دروازه خورد، میدان از دقیقه ۳۰ چهره عوض کرد و شلیک زیبا و سنگین عبدالیک خلیفه مدافع راست مصر از سوی ستری به تور دروازه لهستان نشست. بعد از این گل مصر روحیه بی غائی پیدا کرد و چهار دقیقه لهستان را بدفاع مطلق کشید. نیمه دوم را مصری ها همانند اوایل

عجیبی توسط مدافع دروازه بان دفع شد و نیمه اول به پایان رسید. نیمه دوم با گل دوم ایران و شادی بی حد تماشاگران همراه بود. ابتدا شوت دستجردی از چپ به دیرک دروازه خورد و زنگ خطر از سوی این بازیکن به صدا درآمد.

در دقیقه ۳ گل دستجردی بشر رسید و او روی پاس خوب قشقانیان در درگیری با یک مدافع در ۱۰ متری جلوی دروازه پیروز شد. توپ را محکم به سقف دروازه کوبید. نقطه ضعف دروازه بان کوتاه قد و چالاک زئیر توپ های هوایی بود که هر سه گل ایران از این طریق بدست آمد.

در دقیقه ۳ زئیر نزدیک بود فاصله را کم کند و گل خود را بزند اما فرار و شلیک زمینی و محکم ماگانگا در درون محوطه جریمه با شیرجه و مهارت حسین انگیز را غنیمت و شوق میباشند. در گیم گرم و کوش و فوس مسابقه بار دیگر خشونت زئیری ها، تیم ایران را در دقیقه ۷ و در ۲ متری دروازه زئیر صاحب ضربه آزاد کرد و در غیاب نظری - که جایش را به جهانگیری داده بود - محمد دستجردی پشت توپ قرار گرفت و پاداش ضربه عالی و محکم او به زاویه بالای سمت چپ دروازه گل سوم و آخر ایران بود. بعد از سه گل بازیکنان ایران آرام

گرفتند و زئیر که انتظار خوردن سه گل از این تیم جوان را نداشت به تکاپو افتاد و سرانجام در دقیقه ۸ بدنبال یک سانتر بلند، ندای بازیکن خوب این تیم سر ضرب توپ را بدرون دروازه ایران فرستاد. در دقیقه ۸۵ شوت کسبو دروازه ایران را در خطر دوین سقوط قرار داد اما با غفر باردیگر هنرنمایی کرد و با پشت توپ را زد. در یک ضربه ایران به چهارمین گل نزدیک شد. اما حیدشهبازی مهاجم تازه نفس - که جای نورانی آمد بود - توپ را در مواجهه با دروازه بان به کنار گل زد و سرانجام مسابقه با همان نتیجه سه بر یک به پایان رسید.

امید های ملی بیروز پلنگ های زئیر پیروز شدند

به از صفحه ۲۱

روانه دروازه ایران کرد اما شوت کسبو از کنار دروازه گذشت. از فرار خوب حاجی و شوت عالی نظری نیز برای ایران حاصلی بدست نیامد و در آخرین دقیقه نفوذ حاج رحیمی پور از چپ و پاس به نورانی در دهانه گل، بطور



علی پروین مهره تکنیکی ایران شدت از سوی کوالوف هافبک تیم امید شوروی مواظبت میشد اینجا کوالوف سرنگون شده و علی پروین از روی او به سوی توپ پریده است. در حالیکه با نظارت محمد صادقی (راست) و محمود اعتمادی (چپ)، جویکوف مدافع میانی شوروی (ه) در کمین نشسته است.

شکست تیم ملی در جام ایران

چرا تیم ملی چنین بی روحیه بود؟

آرایش غلط و عدم روحیه، شکست را نصیب ایران کرد

همه حجازی دروازه بان ایران زجر کشید که بهیچ تویی اطمینان نداشت و خود بارها توپ های مهارشده اش را به زمین خالی، برای بار خودی فرستاد تا جریان پاس های غلط با رانش را بکند. با اینکه یکی از مسفران فوتبال روز قبل از مسابقه هشدار داده بود که با تکیه به دفاع، بمیدان نباید رفت زیرا جستجوی نتیجه مساوی میتواند خطرناک باشد، معهدا اوفارل طبق معمول بی آنکه کسی را قبول داشته باشد در برابر تیمی هماهنگ و سرزنده مانند شوروی روش ناآشنای ۲-۴-۴ را برگزید و فقط هنگامیکه ضربه وارد شد تغییر روش داد. اما دیگر دیر شده بود. او بعد از این مدت باید دریافته باشد که ضعف تیم ما عدم قدرت جریان کتندگی در اغلب مسابقات است. دردی که اوفارل تاکنون به مداوای آن نابل نشده تیم ایران در برابر شوروی نیز بسیار کم روحیه و فاقد روح شاداب بازی بود. استقبال کم تماشاگران حاکی از نارضایتی از قالب و روحیه تیم ملی است که رهبر تیم با در پیش بودن مسابقات مقدماتی المپیک، باید بهوش بیاید و این شکست را زنگ خطری برای خود بداند زیرا تیم ملی ما تاکنون دوبار در مقدماتی المپیک شرکت کرده و هر دو بار سرفوق بوده است.

روش ۲-۴-۴ برای چه؟
بعد از تساوی ایران با چکسلواکی،

بقیه در صفحه ۲۸

خوشیدی، سهام میرفرغانی، حبیب زنگ پیراهن: سبز

گل: کوزنه نین. در دقیقه ۴ برای شوروی

تماشاگر نزدیک به سی و پنج هزار تن داور: استیج (لهستان) با کمک محرم (مصر) و مافالوا (زئیر) بازیکنان خطاری: بوری آدژم از شوروی و رضا عادلخانی از ایران بهترین بازیکن! کوزنه نین ووزشگاه آرپاسهر (سه شنبه ۲۴ تیر ۱۳۵۴) - قهرمان دور اول جام ایران با گل ناگهانی کوزنه نین در دقیقه چهارم، مسابقه را به تیم ملی امید شوروی باخت و حریف با انتقام از شکست سال پیش، گام به دوره نیمه نهایی گذاشت در حالیکه تصور چنین نتیجه ای دور از انتظار بود.

بی تردید باید گناه شکست را بگردن مربی و انتخاب کننده تیم انداخت زیرا این بار آرایش احتیاط آمیز حتی از روز مسابقه با گالاسی اکسپورت چکسلواکی نیز ناموزون تر بود. اگر در آن روز از ناحیه دفاعی اطمینان داشتیم این بار اطمینان نیز از میان رفته بود. اوفارل سهام میرفرغانی و علیرضا عزیز بی بازیکنان مؤثر مسابقه با چکسلواکی را کنار نهاده و خط دفاعی را با ترکیبی ناهاهنگ و ناآشنا در هر لحظه شکست پذیر ساخته بود. از این عدم تعادل بیش از

جام فوتبال ایران - گروه اول

ملی امید شوروی

(۱۱)

ویکتورادوف ۱ - الکساندرامین
۲ - کاپیتان الکساندر بوکو ۴ -
واسیلی زویکوف ۵ - ویکتور کوفسکی
۶ - بوری بودیشف ۸ - بوری کوالوف
۱۰ - خوزن اوکانسیان ۱۱ - ولادیمیر -
گوتسایف ۱۱ (از دقیقه ۶ پیتراسلولودیان
۱۳) بوری کوزنه نین ۱۲ - آنا تولی
دووشکو ۱۵ (بوری آدژم ۹ از دقیقه
۶۳)

ذخیره ها: ووسلاو جانوف، بوریس گوزتسوف، ویتالی رازدا یوف.
رنگ پیراهن: قرمز

ملی ایران «الف»

(۰)

ناصر حجازی ۱ - اکبر کارگر جم ۲ -
سیح مسیح نیا ۵ - پرویز قلیچ خانی ۱۷ -
(کاپیتان)، عزت جانملکی ۳ - علی پروین
۷ - محمود اعتمادی ۱۶ - محمد صادقی
۱۰ - کاووق وردیان ۱۴ (از نیمه دوم
صفر ایرانناک ۸) غلامحسین مطلوبی ۹،
رضا عادلخانی ۱۱
ذخیره ها: منصور رشیدی، علیرضا

نیمه اول با حمله آغاز کردند تا فاصله را کمتر کنند. این روحیه با توجه به روش ۴-۳-۴ - مصردر برابر ۳-۳-۴ لهستان ضمیم آنکه توپ راه اردوی لهستان میکشید با هر ضربه حمله دروازه مصر هم تهدید میشد و در این گیرواد لهستانی ها - که پیروز هم بودند - کنترل اعصاب را از دست داده و بیامیزی های خشمگین حتی خشن و دروازه فوتبال آغاز کردند. حاصل این خشونت ها چهار بار با خطر به سه بازیکن مصری و یک لهستانی بود (یک خطر مصر در نیمه اول داده شد.)

در یک حمله اوکاگا با ضربه سرد دروازه خالی را نتوانست بکشد و وساتر دقیق با توپسکی راه در داد.

مصری ها چند بار تا یک قدمی گل پیش رفتند اما هر بار دروازه بان لهستان هنر تانی کرد و یک بار هم پاس بصری به خلیل و شلیک خلیل به دیرک دروازه خورد.

در دقیقه ۵۸ دنبال گردگیری های خشن، دروازه بان لهستان بطور عمدی توفیق عباس رازدو صالحی با اینا بی رقابتی فرمان ضربه پنهانی را داد. ضربه دقیق و فریب دهنده غفار گل شد و امید مصری ها هم دو چندان شد. میدان در اختیار مسطلق مصری ها افتاد و تماشاگران ایرانی پریشان هنگامی بی برآه انداخته بودند. چیزی نمانده بود که شلیک بصری (مهاجم خوش تکنیک) باعث گل سوم شود اما مشت دروازه بان و سپس دیرک دروازه و واکنش مجدد دروازه بان با هر زحمتی بود مانع گل شدن گردید. معلوم نبود که مربی مصری بچه جهت در ابتدای مسابقه و تا بعد از گل سوم بصری را در زمین کت ذخیره ها نداشته بود.

مصری ها با حملات بی دربی و همه جانبه برای زدن گل پای جان میزدند. اما سرانجام در دقیقه ۹۰ آب سرد پرشور و داغی آنان ریخته شد و شوت آسان تومیسکی از ۵ متری، در اثر عدم مهارت دروازه بان مصری برای پنجمین بار وارد دروازه گردید و مصر را کاملاً ناامید کرد. در این مسابقه کاپیتان کاراس مغز متفکر لهستان بود و بازیکنان نش از اردوگیری های تن به تن و خشونت آمیز دور میداشت. صالحی در این مسابقه خیلی خوب قضاوت کرد و اگر کمترین ضعف با تردیدی از خود نشان میداد. مسابقه تبدیل به میدان زد و خورد میشد.

معامله کلان

(شالکه ۴)

باشگاه فوتبال (شالکه ۴) آلمان غربی، معامله پرسروصدائی انجام داده است. معامله عبارت از خریدن (برانکواوبلاک) ۲۸ ساله، عضو تیم ملی یوگسلاوی و بازیکن خط وسط از باشگاه (هاجولک اسپلیت) یوگسلاوی است. مبلغ معامله ۱/۵۰۰/۰۰۰ تومان است و معامله ظاهراً وقتی جوش خورد که رئیس باشگاه (هاجولک اسپلیت) با آن موافقت نمود. (در گلزن کیرشن زیر موافقت نامه را امضاء گذاشت. بموجب مفاد فروشنده (اوبلاک) - که تاکنون ۳۴ بازی در تیم ملی یوگسلاوی داشته - مدت دو سال برای شالکه توپ خواهد زد.

مرداد

مرداد بپ شوی مرداد بپ شوی

۲۶	۱۶	۴				شبه
۲۷	۱۷	۵				یکشنبه
۲۸	۱۸	۶				دوشنبه
۲۹	۱۹	۷				سه‌شنبه
۳۰	۲۰	۸	۲۳		۱	چهارشنبه
۳۱	۲۱	۹	۲۴	۱۴	۲	پنجشنبه
۳۲	۲۲	۱۰	۲۵	۱۵	۳	جمعه



پاس، هنوز محکم و پابرجاست

اسال تنها تیمی که بطور جدی به تعقیب پیشوازان پرسپولیس پرداخته تیم مستحکم پاس است. پاس با داشتن بهترین خط دفاع در تیم فصل اول جام سوم، تیمی موفق جلوه کرد و اگر شکست ناپهنگامش از تیم نیرو نبود، اکنون خود را صدرنشین میدید. آغاز تیم فصل دوم جام عرصه رقابت پرسپولیس و پاس است، مگر اینکه تیمی همچون هما از گرد راه برسد و با آنان درگیر شود. ایستاده از راست: حسین کارزانی، مانیس بیناسیان، مهدی سناجاتی، کمال خلیلیان، مصطفی شعبانی و هماپون شاهرخی (کاپیتان) نشسته از راست: ایرج دانائی فرد، مهدی دینورزاده، اسماعیل نوربخش، مجید حلوانی و محمدصادق

رت	شبان	امرداد	رت	شبان	امرداد	رت	شبان	امرداد
۱۶	۸	۲۵	۹	شبان	۱۸	۲	۲۳	۱
۱۷	۹	۲۶	۱۰	۲	۱۹	۳	۲۴	۱
۱۸	۱۰	۲۷	۱۱		۲۰	۴	۲۵	۱
۱۹	۱۱	۲۸	۱۲	۴	۲۱	۵	۲۶	۱
۲۰	۱۲	۲۹	۱۳		۲۲	۶	۲۷	۱
۲۱	۱۳	۳۰	۱۴	۶	۲۳	۷	۲۸	۱
۲۲	۱۴	۳۱	۱۵	۷	۲۴	۸	۲۹	۱



زنگ خطر برای مسابقات مقدماتی فوتبال المپیک بسدا در آمد

تیم امید شوروی مغلوب گلکلاس اسپورت چکسلواکی شد و حرف پرروز با دوگام هوشیارانه به نیمه نهایی رسید، حالا مانده بود شوروی که برای صعود فقط به پیروزی در برابر قهرمان دور گذشته نیاز داشت و ایران، که اگر پیروز میشد صدرنشین میگردید و اگر مساوی میکرد عنوان تیم دوم گروه را داشت.

اوفارل با احتساب اینکه تیم ملی ب (امید) با دوبازی درخشان و پیروزی هایش با احتمال زیاد مغلوب مصر نخواهد شد و صدرنشین گروه دوم میشود، این تصمیم را گرفت که در برابر شوروی بدنبال تساوی باشد تا حضور یک تیم از ایران را در دور نهایی تضمین کند زیرا با این ترتیب در نیمه نهایی دو تیم ایران برابر هم قرار میگیرند به پیروی از این سیاست اوفارل با روش ۲-۴-۴ تیم را بیدان فرستاد و حاصل خوردن یک گل کل گهانی و هشتاد دقیقه محلات بی حساب، حذف ایران از جمع سه تیم بود!

مربی تیم ایران ترکیبی عجیب برای تیم ایران برگزید. کسانی که بازی کردند با اغلب مهره های کهنه و نه چندان دلبذیر برای بازی در تیم ملی بودند و یا جوان و بی تجربه که هنوز بکارگرفتن آنان برای ۹۰ دقیقه بازی در تیم ملی چندان اصولی نمی ماند.

این ضعفها با نزول عجیب چند بازیکن سرشناس تأثیر نامطلوب در تیم گذاشت. اکبر کارگر جم در دفاع راست یکی از نادرترین روزهای بد خود را گذراند. او برخلاف همیشه، عصبی و دستپاچه نشان میداد.

علی بروین قابل مقایسه با روز مسابقه در برابر بازیکنان چکسلواکی نبود. مسیح نیا و جامنلی برانستاه بودند. مظلومی و ایرانیانک نشانی از گل زن های جام تخت جمشید نداشتند. هافبکها اغلب در دادن پاس و تغذیه خط حمله دچار اشتباه میشدند. فقط رضا عادلخانی بازی خود را کرد و قلیچ خانی برتر از روز مسابقه با چکسلواکی نمود داشت.

در نیمه دوم که ایران عجلانه برای جبران گل خورده و گریز از شکست میکوشید آرایش ایران عجیب بود. هافبک نداشتیم و در عوض پنج نفر مدافع بودند و پنج نفر مهاجم! در این نیمه قلیچ خانی به جمع مهاجمان پیوست و حضور او در نوك حمله همراه با ایرانیانک و مظلومی، ضمن آنکه گوش راست ایران را همیشه خالی نشان میداد، از این جمع سه نفر نیز کاری ساخته نبود زیرا ساترهای بلند و بی حساب به روش ده سال پیش، براحتی برای مدافعان هوشیار و بلند قامت شوروی قابل ختنی کردن بود.

تیم شوروی ابتدا در نیمه دوم سعی

داشت با زدن توپ به خارج اتلاف وقت کند اما بعد تغییر رویه داد و با پاس های بی دربی در عرض زمین به حفظ توپ همت کرد. در یک لحظه این کار با بیش از بیست پاس همراه شد که تشویق تماشاگران ناراضی از تیم خود را برانگیخت.

شوروی که برای صعود فقط به پیروزی نیاز داشت، در دقیقه چهارم به گل برتری دست یافت و با تمام قوا در حفظ آن کوشید. گل در دقیقه چهارم بدست آمد. کوزنه نین مهاجم نوك شوروی-که در ۲۵ متری جناح راست دروازه صاحب توپ شده بود از اشتباه مدافعان- که در حال عقب کشیدن بودند- سود برد و با شلیکی محکم توپ را دور از دسترس حجازی به گوشه بالای دروازه فرستاد.

بعد از این گل حمله با ایران شد زیرا می باید گل را جبران میکرد. ایران در

دقیقه ۱۰ به گل تساوی نزدیک شد اما شلیک دور و زیبای قلیچ خانی را رادوف (دروازه بان) بجزمت به بالای دبرک دروازه مشت کرد.

در یک شد حمله دوزخسنگو دروازه ایران را تهدید کرد ولی حجازی شجاعی به سوفق به روی توپ داشت. نیمه اول با محلات کم رسی تیم ما پایان یافت.

در نیمه اول ایرانیانک بجای کارواند و صادقی که بعد از خوردن گل به نوك حمله متمایل بود. به هافبک بازگشت.

در این نیمه هم کووالوف (۱۰) ماسور مراتب از بروین بود که این مراتب در نزول بروین تأثیر داشت. اما در مقابل اعتمادی که مواظبت از اوگانیان (۶) را به عده داشت با جلو کشیدن قلیچ خانی به خط دفاع آمد. در محلاتی که ایران کرد و فرصت

جام از ۶ گل تیش به تنهایی ۵ گل زد و بهترین گل زن جام شد. مربی و سرپرست تیم گروه صنعتی به شهر حسین فرزامی بازیکن سابق تیم ملی فوتبال است که در گفتگویی با ما، نسبت به تیش ابراز امیدواری بسیاری در دولت بلطف بازیکنان جوان مسلما در برابر بزرگان قد علم خواهد کرد.

در جام البرز، تیم کرج با پیروزی ۶ بر یک بر امیرکبیر کاشان، به مقام دوم رسید. این مسابقه در کاشان انجام شد.

تیم گروه صنعتی به شهر همراه با تیمهای قهرمان جام های اروند رود، غرب و خزر مسابقات دوره ای انتخابی برای

گروه صنعتی به شهر قهرمان جام فوتبال البرز شد

اولین نماینده تیم های داوطلب برای ورود به جام تخت جمشید شناخته شد. با پایان یافتن جام البرز- که ویژه تیم های باشگاهی شهرتانیهای استان سرکز بود- تیم گروه صنعتی به شهر از شهر ری به مقام قهرمانی رسید و یکی از تیم های دسته دوم باشگاههای ایران شد.

تیم گروه صنعتی به شهر برای آخرین مسابقه اش به قزوین رفت و تیم آبیگانه این شهر را سه بر صفر مغلوب کرد، گلهای مسابقه را حسن یاقوت در دقایق ۲۰ و ۵۵ و ناصر رخ شوری در دقیقه ۸۰ به ثمر رساندند. در این مسابقه- که خشن بود- دو هزار تن به تماشا آمدند و داوری را ابراهیم زاده به عهده داشت.

در تیم گروه صنعتی به شهر بازیکنان پرامیدی چون عباس کارگر، کیومرث سیاد و حسین عبداللهی عضویت دارند. حسین عبداللهی در طول مسابقات

خوب از دست بچه ها رفت، ابتدا ساتر بلند کارگر جم از راست با ضربه بسیار محکم مظلومی همراه بود اما این ضربه درست همانجائی رفت که دروازه بان جاگرتنه بود. موقعیت دوم را ایرانیانک آفرید. او از اشتباه مدافع در دادن پاس به دروازه بان سود برد و بین راه توپ را قاپید اما کاری از پیش نبرد و دروازه بان با خروج از دروازه دفع خطر کرد و به ایرانیانک فرصت شوت نداد. شوروی ها با دو تعویض بی دربی خط میانی و حمله خود را بهبود بخشیدند تا فشار زیاد به دروازه آنان وارد نیاید و در حالیکه تیم ایران نیز در خط حمله محتاج به نیرویی تازه مثل خورشیدی بود، تا پایان به روش بی ثمر خود ادامه داد و از دقیقه ۸۰ به بعد که خستگی هم دامنگیر بچه ها شد همه دریافته اند که همان یک گل شکست راهبیرا خواهد داشت و همه، با زهم ناراضی از تیم الف ورزشگاه را ترک کردند و امید به تیم ب، بستند که تا آن روز تجلی پرشکوهی کرده بود.

در این مسابقه داور لهستانی قضاوتی قاطع داشت هر چند که بازی میرفت رنگی از خشونت بخود بگیرد و او نیز از چند خطای عمدی بی تفاوت گذشت و فقط با دو اخطار سعی به آرام ساختن بازی نمود.

ورود به جام تخت جمشید را انجام خواهد داد.

هشت وزنه بردار ژاپنی در مسابقات جهانی مسکو شرکت می کنند

توکيو: فدراسیون وزنه برداری ژاپن اعلام کرد که تیم ملی این کشور متشکل از ۸ وزنه بردار در مسابقه های جهانی ۱۹۷۵ مسکو که از روز ۲۴ شهریورماه آغاز میشود شرکت می کند.

این ۸ وزنه بردار در پنج وزن مبارزه خواهند کرد.

مهرمانان منتخب ژاپن، برای کسب آمادگی از همین حالا در اردو به سرسیرینه.

سالن آرایش چلیپا

باجدیدترین ستد وبا وزیده ترین آرایشگران به زیبایی می

سرشمامی افزاید.

فرشش ماهه سردوگرم زیر نظر متخصصین فن

فرح آباد ژاله مقابل باشگاه افسران تلفن ۳۳۱۲۳۱

اعزام فشرده شهریور باتضمین قبولی

فقط در

موسسه زبان انگلیسی طاهری

پهلوی چهارراه امیراکرم شماره ۱۴۳

تلفن ۶۶۵۴۲۲

هیچ آرزوی ریاست، آنهم در دستگاه ورزش ندارم، خیالاتی هم نشده‌ام، نه‌خواب «رئیس‌تدن» را دیدم و نه شرایط لازم را برای دستیابی به این مقام دارم، بلکه می‌خواهم به یک سؤال که همیشه برابم مطرح می‌شود پاسخ گویم. خیلی‌ها از من پرسیده‌اند: می‌پرسند: تو که این همه درباره کشتی قلم می‌زنی و انتقاد می‌کنی، اگر خودت رئیس فدراسیون کشتی ایران بودی چه می‌کردی؟ این سؤال بظاهرم معمولی و پیش پا افتاده است، اما پاسخ گویی بدان ساده نیست و احتیاج به تعمق و بررسی همه‌جانبه دارد. البته آنچه را که در این باب می‌نویسم، تنها زاینده افکار و تجریبات شخصی است و بهیچوجه انتظار ندارم، هسانی را که بصورت پیشنهاد طرح می‌کنم مورد قبول همگان واقع شود و فدراسیون کشتی ایران نیز تمام و کمال بپذیرد بلکه می‌خواهم فقط عقاید خودم را برای بهبود کشتی روی کاغذ بیاورم. همین ویس.

خانه تکانی

اگر من رئیس فدراسیون کشتی ایران باشم، اولین کاری که می‌کنم خانه تکانی درست و حسابی در سازمان و تشکیلات این فدراسیون است. یعنی چندروز درهای فدراسیون کشتی را می‌بندم و بی‌اتفاق تنی چند از کارشناسان و صاحب نظران این رشته در اطراف در بسته با خیالی آسوده ابتدا بهره‌های اصلی (اعضای هیأت رئیسه) فدراسیون را انتخاب می‌کنم و بعد بفرط طرح جامع کشتی می‌افتم. البته منظور از انتخاب اعضای هیأت رئیسه آن نیست که یک سیاه صدق‌ری را در کمیته‌های مختلف بکنجام چون عقیده من برای اجرای برنامه‌های فدراسیون کشتی ایران حداکثر دهم نفر کفایت بمصدان این شعر فردوسی:

یکی مرد جنگی به از صد هزار
سیاهی لشکر نیاید بکار
البته کنار نهادن افراد و کوتاه کردن دست آنان از فدراسیون، همچنین قطع کردن حقوق مقرری آنها کار ساده‌ی نیست. چون کسانی که از سر این سفره رنگین رانده‌شوند، راحت نخواهند نشست. طومارها نوشته میشود و دشمنی‌ها آغاز میگردد. ولی اگر رئیس فدراسیون برای برکناری هر یک از این افراد دلایل کافی و منطقی در دست داشته باشد و بفرک تصفیه حساب و یا جمع‌آوری دار و دسته خود در فدراسیون کشتی ایران

صنأ باید بگویم که قبالا بودجه سالانه این فدراسیون یک میلیون تومان بود و اخیراً به یک میلیون و پانصد هزار تومان افزایش یافته است که به این مقدار ششصد هزار تومان نیز برای انجام مسابقات‌های جام آریابهر اضافه می‌شود که مخصوص این جام است.

این بودجه بودجه فدراسیون کشتی ایران برای اجرای تمامی این برنامه‌ها کافی نیست، ولی آنچه را باید در اینجا بیان کنم اینست که فدراسیون کشتی اوزانیان دور کمتر از سایر فدراسیون‌ها محدودیت مالی داشته است. یعنی علاوه بر بودجه معینی که برای کشتی تعیین شده است، مقامات مسئول این فدراسیون بعنوان مخفف از سازمان تربیت بدنی ایران کمک مالی گرفته‌اند که صد البته ما مخالف نیستیم. همین دو سال پیش که بودجه فدراسیون کشتی ایران سالانه یک میلیون تومان تعیین شده بود، بیش از یازده میلیون تومان صرف کشتی شد و این بخاطر انجام مسابقات‌های جهانی ۱۹۷۳ - تهران و بازیهای آسیایی ۱۹۷۴ - تهران و تماشای بیشتر برای حضور در این مسابقه‌ها بود که سازمان تربیت بدنی ایران دیوار محدودیت مالی را در سال ۱۳۵۳ از برابر فدراسیون کشتی ایران برداشت و نزدیک به ۶ میلیون تومان به این رشته اختصاص داد.

در سال گذشته همه فدراسیون‌ها از خوان رنگین و پر نعمت بازیهای آسیایی نصیبی بردند و فدراسیون کشتی هم مجموعاً بیش از پنج میلیون تومان پول جذب کرد. ذکر این مطلب محض اطلاع بود و اگر در این مورد اعتراضی باشد رقم ریز آنرا چاپ می‌کنیم. این را باید اضافه کنیم که فدراسیون جدید هم لقمه بزرگی برداشته و اگر همین راهی را که آغاز کرده دنبال کند بیشتر از فدراسیون قبلی به پول احتیاج دارد، ولی حاصلش را چه عرض کنم.

صرفه‌جویی

داشتن از برنامه‌های خودم حرف می‌زدم که از مرحله برت شدم... اصلاً این چه که بیت المال کشتی چگونه خرج شده و یا می‌شود؟ ناالاستی در خیال خود رئیس فدراسیون کشتی ایران هستم و باید برنامه‌های آینده را مطرح کنم. پس برویم سرمطلب.

اگر رئیس فدراسیون کشتی ایران بودم: از تهران دل می‌کندم

قسمت اعظم بودجه فدراسیون کشتی را صرف سرمایه‌گذاری در مناطق صاحب کشتی می‌کردم

سیاهی لشکر حقوق بگیر را از فدراسیون کناری نهادم

از مخارج ۸۴ هزار تومانی پرسنلی می‌کاستم.

نفتند و افراد مطلع، خوشنام و دل‌سوز را بخدمت گیرد، خیلی راحت می‌تواند صفحه‌های را بهم‌ریزد و بنا به وقت پیش برود. این در شرایطی میسر است که رئیس فدراسیون کشتی ایران بدون در نظر گرفتن سوابق دوستی یا دشمنی، بهره‌های اصلی و همکاران خود را برگزیند و بقیه را سرخس کند.

دلیلی ندارد که اگر فلان دبیر یا عضو کمیته و یا کارمند فدراسیون، که در زمان فلان رئیس به همکاری دعوت شده است و از این باب حقوق هم می‌گیرد، مادام‌العمر حقوقش پرداخت شود، ولی مریبان زحمت کش شهرستانی حتی دیناری از فدراسیون کشتی ایران نگرنند!

با تعدادی از کشتی‌گیران تهرانی هستند که با استفاده از نفوذ مری خود ماهانه مبلغی بعنوان حق سفره دریافت می‌کنند که حتی در دوران جوانی بعنوان کشتی‌گیر رده ملی برای این فدراسیون سودمند نبودند. اما حالا که بازنشسته شده‌اند و می‌توانند دست کم بصورت مری یک باشگاه خدمتی به این ورزش بکنند، فقط سر راه مقرری خود را می‌گیرند و بیس. در حالی که در میان کشتی‌گیران شهرستانی افرادی یافت می‌شوند که هم اکنون جزو امیدهای بزرگ تیم ملی جوانان ایران هستند و با در قسمت بزرگسالان نیز بهره‌های پر ثمری از شهرستانها در تیم‌های اعزامی به خارج داشته و داریم، ولی فدراسیون کشتی ایران از خوان بیکران خود هیچ سهمی برای آنها در نظر نگرفته است.

توجه به شهرستانها

اگر رئیس فدراسیون کشتی ایران بودم، پس از انتخاب اعضای هیأت رئیسه و ایجاد یک سازمان اصولی و محکم در سرکز این فدراسیون، بفرک تشکیل هیأت کشتی تهران می‌اندام و یک فرد فعال، علاقه‌مند و با نفوذ را در رأس این هیأت قرار میدادم و بر اساس تقویم سالانه و برگذاری مسابقه‌های داخلی تهران، بودجه هیأت کشتی پایتخت را مشخص می‌کردم و بقیه پولی را که در اختیار دارم به سرمایه‌گذاری روی کشتی شهرستانها و اجرای برنامه‌های کلی در سطح کشور اختصاص میدادم.

گفتم اگر رئیس فدراسیون کشتی ایران بودم پس از ایجاد سازمان مرکزی و کنار نهادن افراد زائد و فاقد صلاحیت از کادر فدراسیون مخارج پرسنلی را که در سال ۶۰۰ هزار تومان است و برت هم رو به افزایش می‌رود، به حداقل ممکن کاهش می‌دادم و تمام وجوهی را که از راه این صرفه‌جویی بدست می‌آوردم در اختیار هیأت‌های کشتی شهرستانها بویژه مناطق صاحب کشتی مانند خراسان، مازندران، کرمانشاهان، خوزستان، اصفهان و لرستان میگذاشتم: البته اگر نام آذربایجان، فارس، سیستان و بلوچستان، گیلان، ایلام و... را نیاوردم. دلیل این نیست که در آن مناطق نمی‌توان کشتی را رونق داد و بهره‌برداری کرد.

ممکن است سستان‌ها مدعی شوند که چون «رستم» از این خطه برخاسته پس این قسمت از کشور ما هم بهلوان برود و برای سرمایه‌گذاری در رشته کشتی مناسب است. یا شیرازها کله‌کند که ما هم محمد علی فرخیان را تحویل تیم ملی دادیم که تا مقام دوم جهان پیش رفت. پس چرا نام استان فارس را جزو مناطق کشتی خیز نیاوردیم؟

همه این‌ها را قبول دارم ولی با سرمایه‌گذاری در کویر و صرف وقت برای کشت در زمین‌های شوره‌زار و لوم بزرگ آنهم در شرایط کنونی، سخت مخالفم. چون در حال حاضر فدراسیون کشتی ایران نه پول کافی و نه وقت لازم برای این کار دارد. بنظر من باید با صرف پول کمتر نتیجه بهتر و استفاده‌ای بیشتر برد آنهم در زمانی کوتاه، چون فرصت نداریم، زیرا حریفان از ما فاصله گرفته‌اند و باید بهر ترتیبی که شده خود را با آنها برسانیم. برای همین است که معتقدم هر چه زودتر «بذر» خود را در زمین‌های حاصلخیز و خوش آب و هوا بپاشیم تا سریع‌تر نتیجه بگیریم. عقیده من باید از تهران بیرون برویم و بساط خود را در سر زمین‌های بهلوان پرور بپهن کنیم. البته منظورم این نیست که کار کشتی را در تهران و شهرستانهایی که از آنان بعنوان مناطق کشتی خیز نام بردم تعطیل کنیم یا بدست فراموشی ببیناریم. بلکه بعکس معتقدم که فعالیت‌ها باید در سطحی گسترده‌تر انجام بگیرد و به همه شهرستانها توجه شود. منتهی بیشتر هم و غم ما فعلاً با صرف مناطق صاحب کشتی شود.

(ناتمام)

وقتی بدقت اشعار فردوسی را مطالعه میکنیم براحتی روشن میشود که این مرد جامعه شناس بود در تمام شؤون زندگی بشر اطلاعات جامعی داشته و از همه بالاتر اینکه در صحنه سازبها آتقدرمهارت بکار برده که کوچکترین نکته بی از دید تیز بینش پنهان نمانده. او همه چیز میدانسته و هر کس که نام حکیم بر او نهاده بسیار بجا گفته افسوس صد افسوس که این استعداد عجیب در زندگی پراژ نشیب و فراز از ماجراها و دشواریها دور نماند و با تمام این فخر میکنند و میگویند:

بسی رنج بردم در این سال سی — عجم زنده کردم از این ناری [

با استفاده از اشعار فردوسی براحتی میتوان فیلم شاهنامه را کارگردانی کرد. باید دانست که توفیق بزرگ فردوسی در محیط و شرایطی بدست آمده که سخت ناساعده بوده است.

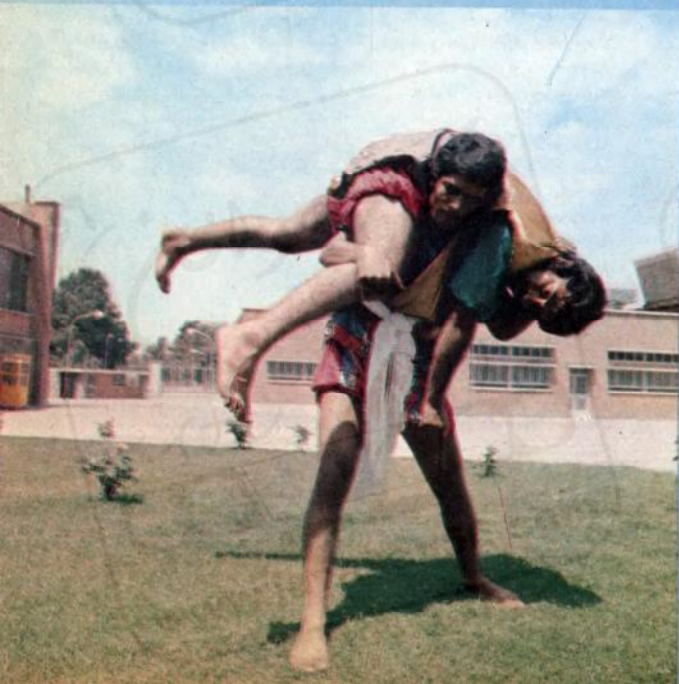
آئین های کشتی و پهلوانی در شاهنامه فردوسی



سر زبر بغل — مایه رودست بالادست.

هومان را از زمین کنده و او را برای افت خم میکنند.

کار تماست، بیژن بروی هومان خنجر میکشد.



شاهنامه در خانه ما

از آن تاریخ که بخاطر دارم شاهنامه در خانه ما خوانده میشد، گاه بصورت قصه و لالائی برای بخواوب بردن و گهگاه برای اینکه بتوانیم در میدان کشتی روح جنگندگی خود را بیشتر حفظ کنیم آنرا مرور میکردم و از جمله کتابهایی بود که استادم اجازه خواندن آنها را داده بود و مرا در مطالعه آن ترغیب هم میکرد. من هم با خواندن آن در خور عقل و شعورم صحنه های آنرا در نظر مجسمه میکردم و لذت می بردم. پدرم شاهنامه را از حفظ بود و آن دوستان و نزدیکان که هنوز حیات دارند، گواهند که او با چه علاقه بی این شاهکار حماسی ایران را در مغزش جا داده بود.

جشنواره توس

اندیشه و ابتکار بزرگداشت از خدمتگزاران راه و روشی است بسیار پسندیده که نتایج مطلوبی در بر خواهد داشت. وقتی صحبت از فردوسی و شاهنامه او بیان می آید و اینکه از این نایفه تجلیل شود، ایران دوستان و شاهپرستان و آنها نیکه باین آب و خاک علاقه مند و عاشقند بی تاب و بی اختیار آرزو میکنند که بنحوی در این جشنواره شرکت کنند.

کشتی و شاهنامه

در شاهنامه، داستانهایی به شعر در آمده که هر یک شاهکار است. مثلا وقتی هیجان داستان باوج میرسد، سرنوشت قهرمانان داستان را به کشتی می سپارد و نتیجه آنهمه گیر و دارها را به نبرد اندیشه و جسم و جان می سپارد. یعنی به تلاشی که کشتی می نامند.

جا دارد که طبقه صاحب کسوت و پهلوانان و کشتی گیران نه تنها باین کسوت افتخار کنند، بلکه بکوشند همانطور که فردوسی بارها برتری خود را در این حسن انتخاب یعنی گل داستانها کشتی در دنیا بیوت رسانده نگذارند این شیرینی از دست برود.

همه چیز از دیدگاه نیرومندی

فردوسی هر چه را نه میگوید و هر چه را که مجسم میکند آنچه را که در قوای مخیله میگردد چاشنی نیرو و دلآوری و مردانگی به آن میزند. او عاشق پهلوانیتست. آفتاب نیرومندی را دوست دارد که حتی حیوانات قوی را می ستاید. همه جا طرفدار نیروی نیرومندیست و از سستی و بیماری و ضعف و زبونی بیزار و فراریست و در هر جا که از نیروی و قدرت سخن بیان می آورد ایمان و انسانیت را در سر لوحه آن قرار میدهد.

تسلط فردوسی

فردوسی بخاطر وسعت دانش و آگاهی در همه زمینه ها تسلطی در اشعار و داستانهایش نشان داده که کم نظیر است. مثلا وقتی میگوید:

تبر زین بخود پلان گشته غرق... چو تاج خروسان جنگی بفرق

با کمی تأمل و فکری روشن میشود که فردوسی مردی همه فن حریف بوده و هیچگاه در ادغام کمیت و کیفیت دچار ضعف نمیگشته. مثلا در چاشکبه زمین بزرگ است میگوید:

ز سه ستوران در آن پهن دشت... زمین شدشش و آسمان گشت هشت

و در جای کوچک هم قدرت را از دست نمیدهد و از گسترش میدان عاجز نمینماید، چنانکه میگوید:

کسانها چو با بست بر ساختند... بمیدان تنگ اندرون تاختند.

شناخت فردوسی

امروز فردوسی شناسان از سرتاسر دنیا و ایران جمع شده اند، بنحوی از او یاد میکنند و جزئیات دانستی هایش را بیان میکنند. با اینهمه شاید باز او را آنطور که بوده نتوانند بشناسند زیرا آنچه که آنها حدس میزنند از نوشته های اوست. اما آن مقام که فردوسی را در بر میگردد نام جاویدان او را تشکیل میدهد، بسیار بالاتر و بیشتر از نوشته های اوست. چون میدانیم که شرایط و محیط و زمان با فردوسی ناری نکرد آنچه را که فردوسی بدست ما رسانده از لایلای هزاران سختی و ماجرا و برده پوشی ها بوده و از نظر و دیدگاه مردم تمیزین، شخصیت پنهانی فردوسی دوصدجندان از آنچه که ما میخوانیم و در کمی کنیم و بالاتر بوده است. لطفاً ورق بزنید

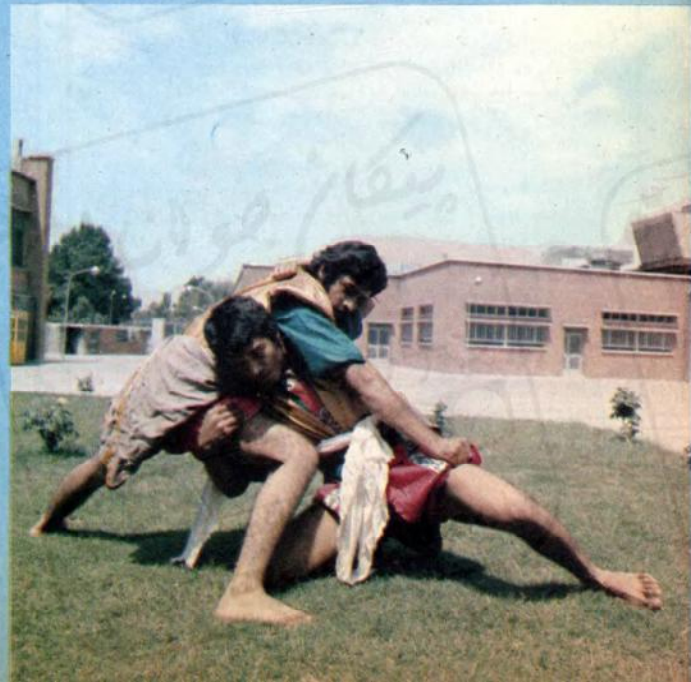


شروع کشتی (هومان سمت چپ با ریش و سبیل)

بیژن میخواهد هومان را از زمین بکند، هومان پا را بعقب

میبرد.

بیژن اصل فن را نشان میدهد با دست چپ کردن و با دست راست ران راست حریف را گرفته است.



فردوسی، بهلولانی و کشتی

بهلولانی از دیدگاه فردوسی انسانیت شامل است و در شاهنامه فنا ناپذیرش به بهلولانی بیش از محسنات و صفات دیگر عشق و وزیده و یکی از صفات مشخصه بهلولانی را آگاهی بر مویز و شاهکارهای کشتی دانسته است. این شاعر بزرگ حماسه‌سرا که در تمام زمینه‌ها تسلط کامل داشته کشتی آن زمان را هم استاندارد ساخته و هنگامی که بدقت در صحنه‌های کشتی او می‌نگریم، از حالات و چگونگی تجسماتی که فردوسی کرده، بر ما روشن میشود که او در کشتی چرخه و ترکمنی - که ورزش بومی مردم قلعه کی میباید - دست داشته و نکات حساس آترامه خوب بیان نموده باز تکرار میکند که فردوسی عقیدتمند بر یک پشتیبان معنوی نهایی بوده که بهلولان دانستنش را هم از این منبع فیاض بی‌ نیاز نمیداند.

مثلا کشتی رستم یا دیوسفید را اینطور وصف میکند:
 نختن به نیروی جان آفرین
 بکوشید بسیار بادرد و کین
 بگردن بر آوردو افکند زیر
 امروز برای ما روشن شده است که کشتی‌گیران ما حتماً باید از یک نیروی معنوی الهام بگیرند و قطعاً بهترین می‌توانند رزمندگی کنند و این بالاترین درسی است که ما از مکتب فردوسی بگیریم و در مرحله دوم باید بهلولان پای بند اصول اخلاقی و مردانگی باشد.

اصل داستان

حالا بهتر است که وارد کشتی بشویم یکی از داستانها نیکه در شاهنامه آمده است در (دوازدهم رخ) بر خورد بیژن از ایران با هومان از سرداران تورانی میباشد. همانطوریکه رسم بوده در کمترین صحنه‌ها تازیانه کشتی کشانده میشود:

بدولفت بیژن که نا لی سخن
 کجا خواهی آهنگ آورد کن
 بگوه نباید کنی سارزار
 اگر سوی زبید بر آرای کار
 معلوم میشود که در آواز و لاف و رمز در کشتی، در آزمانها هم بوده و سرداران نامی کمتر حرف میزدند که در اینجا برتری بیژن از لحاظ اخلاقی در صحنه معلوم میشود که میگوید (تا لی سخن) و از طرفی کشتی گرفتن که امروز روی تشک است و حین جهانی دارد، در آن تاریخ هم محل و جای مخصوص برای آن مطرح بوده است بیژن روی غلوطیه و برتری اخلاقی، تعیین محل کشتی را به هومان واگذار میکند و میگوید (کجا خواهی آهنگ آورد کن) البته موضوع محل کشتی چوخه هنوز هم متفاوت است. کشتی‌گیران معرور در پی جانمیکردند بلکه برای آنها کوه و دست یکسان است چه میگویند: «ما روی حریف خواهیم بود و آنکس که میخواهد زمین بخورد باید فکر جاباشد، پس در اینجا بیژن ابتدا میگوید: میخواهی در روی سنگلاخ و کوهستان کشتی بگیریم؟ (بگوه نباید کنی کارزار؟) و اگر میل داری حرف بس کن و وارد کار بشویم. البته منظور که از گفتار شاهنامه روشن میشود، اصولاً کشتی به دونوع بوده یکی کشتی‌های روی کین و خوبی بودن و دیگری بغاظر احرار برتری و شناخت که باصطلاح امروز سایه این آخری را تعیین میشود نامگذاری کرد. از گفتار بیژن دو بهلولان معلوم میشود که کشتی حین کین و خوبی بودن پیدا کرده چون بیژن میگوید:

نه فریاد رسانم نباشد ز دور
 نه ایران گراید بباری نه تور
 خلا خوب روشن میشود که بیژن کار کشتی را به کشتن پیشنهاد کرده است که در معنی پرویزه که هیچکس واسطه نباشد و ما را یاری نکند و دلگیری در کار نباشد، بلکه تن به تن بجنگیم. از این جا معلوم میشود آن زمانها هم تماشاگران و طرفداران تولید تاراحتی میکردند. باین جهت از کشتی دو کوه خودداری میکنند و پشت می‌روند و در اینجا میشود تعبیر کرد که در کشتی‌های سرداری اصولاً محل مناسب (تالار مرامات) میشود که باید نرم صاف و بدون پستی و بلندی باشد چه میگوید:
 برقتند چند انگ اندر زمین
 ندیدند جای بی آدمی

در این باب جای بی آدمی دو مفهوم دارد: یکی در حالتی که هرگز پای آدمیزاد نرسد و دیگر آنکه محل صاف و نرمی باشد که اگر آدمی از آنجا عبور میکرد جای پای او معلوم میشد و باین سبب محل مناسبی بود برای کشتی گرفتن دو سردار در ضمن، کشتی گرفتن پنهانی و دور از چشم دیگران در بین بهلولان قدیم و امروز مرسوم بوده. چه بهلولان اکبر خراسانی در باغهای تجرش با بهلولان جعفر کشتی میکرد و پس از مدتی سر بهلولان جعفر بدراخت میخورد و میشکافت. البته هدف از اینگونه زور آزمایی‌ها بیشتر از زیبایی بهلولان از یکدیگر برای روز میدان و روز کشتی رسمی و یاب کین - بوده است ولی کشتی‌گیران بیژن و هومان - که از میدان نبرد به نگاه کشیده میشوند - کشتی کین بوده است.

نهادند ایمان که با ترحمان
 نباشند در خیرگی بدگمان
 البته این بیت شعر را باین صورت هم نقل کرده اند:
 زماهر که یابید رهائی بجان
 نگیرد بدل کینه با ترحمان
 بدان تاسد و نیک با شهریان
 بگویند از این گردش روزگار
 که کردار چون بود بیکار چون
 چه زاری رسید اندرین دشت خون
 در این سه بیت شعر، دنیائی مطلب نرفته است وقتی در روز اول بیژن میخواهد عزم نبرد کند، بهمار خود یک مترجم می برد ملاحظه میفرمائید که فردوسی تا کجاها بکار خود اصالت و دیدگسترده میدهد و وقتی صحبتها تمام میشود و برای نبرد فردا را انتخاب میکنند، در روز بعد هومان یکتر مترجم بسراغ بیژن میفرستد تا او را دعوت

به کارزار کند و میدان را همنائی نماید وقتی رو برو میشوند. از اشعار برمی آید که دو نفر مترجم در کار بوده است و برای اینکه پس از کشتی نسبت به مترجم‌ها آزاری نشود عهد و پیمان میکنند که:

زماهر که یابید رهائی زجان
 نگیرد بدل کینه با ترحمان
 پس معلوم میشود ترحمان و مترجم دو نفر بوده‌اند. چه میگوید هر کدام از ما فاتح شدیم به مترجم دیگری کینه نوزیم. این یکی از موضوعات عملی بود که روشن شد.

در این اشعار موضوع داور از نظر تاریخ کشتی در ایران و اینکه چگونه در آن دوران قضاوت میکردند حائز اهمیت است و از طرفی باید دانست که در آن دوران کشتی اعم از دوستانه یا کین در چهار چوب رسم و آئینی بوده است و از همه بالاتر فرد صلاحیتدار و برجسته یعنی تنها گیرنده بزرگ اخبار، سلاطین و شهریاران بوده‌اند که باید از چگونگی امر و قضاوت و حقایق با اطلاع میشدند که در اینجا باین صورت نمایان میشود:

بدان تاسد و نیک با شهریار
 بگویند از این گردش روزگار
 (در این شعر کلمه « بگویند » با جمع است یعنی منظور دو مترجم بوده‌اند تا ندانند که انجام نبرد بصورت مطلوب انجام گرفته و یا نامردی در کار آمده است در هر صورت باید هر یک از ترحمان بروند و گزارش امر را به شاهان خود بازگو کنند.
 که کردار چون بود و بیکار چون
 چه زاری رسید اندرین دشت خون
 در اینجا باز همانطوریکه سیره اخلاقی فردوسی است، کردار مقدم و بیکار بعد آمده است و خوب روشن میکند که در چهار چوب آداب و رسم و آئین کشتی گرفته میشد است البته پس از یک رشته بیکار مقاماتی.

ببند زره بر کمر بسر زدن
 بگفتند و ز اسان فرسو آمدند
 مختصر آنگه که فردوسی همه فن حریف بود و این را باید همیشه بغاظر سبباریم. در اینجا هم استاد جمله نکرده و فوری این دو بهلولان را درگیر نکرده است بلکه بهانه گفتارش را بدقت زیر نظر دارد و صحنه را فراموش نمیکند مثلاً موقع سواری تنگ اسب باید محکم بسته شود بخصوص هنگام نبرد و تلاش و تقلا ی خارج از اندازه. پس هر دو را از اسبشان پائین می آورد و تنگها را سفت کرده و بند زره را بکمر سفت میکند و خود را آماده یک زور آزمائی و نبرد بزرگ آسا میکند و خیلی این هر کات با سرعت انجام میگردد زیرا چگونگی اجرای خود این حرکات اثر روانی روی طرف خصام دارد.

ز اسبان جنگسی سواران جنگ
 یکی بر کشیدند چون سنگ تنگ
 جو سر باد پیمان بستند زمین
 بر از خشم گردان و دل پر ز کین
 اولاً فردوسی بهتر از هر کارشناس و متخصص حیوان شناس بوده و به روحیه و صفات و کردار حیوانات آشنائی داشته و آنها را بهمان صفات ستوده است چه اسبهای جنگی و تعلیم دیده در کار جنگ بی تاثیر نبوده و در پیروزی و شکست سهم بوده‌اند ولی در اینجا اسبها بست ترحمان سیده میشود دل دو دلاور مالامال از کین و خشم میشود و همین جهت اشاره به کشتی از روی کین « میشود باز زور آزمائی بیکاره شروع نمیشود بلکه هزاران سال پیش فردوسی به گرم کردن بدن پیش از درگیر شدن اشاره میکند و صحنه را بستنی دجه زیبایی جلوه گرمسار د.

کمانها جو بایست، بسراختند
 میدان تنگ اندرون تاختند
 چپ و راست گردان و بیجان عساک
 همان نیزه و آب داده سنان
 وقتی که مانند یک صحنه گردان خود را موفق می بیند و در چهار کلام دنیائی را مجسم میکند، میروند روی حالات کشتی‌گیران و سرداران رزمینه تا برای امروز ما چیزی باقی نگذارد. در اینجا در این بیت شعر درسخ کوناگون شاهنامه تغییراتی چشم میخورد که در معنی یکی است در هر صورت روشنگر بیکار جوئی فردوسی است
 زبانشان خوشتر از تیش مانده باز

و با: دهن خشک و از تشنگی مانده باز
 و با: دهنشان همی از تشم مانده باز - باب و با ساش آمده باز
 پس آسود: گشتند و دم بر زدند - بر آن آتش نیزه نم بر زدند
 ببیند در هزار و اندی سال پیش فردوسی حالات کشتی‌گیران و جنگندگان را چه خوب برای ما روشن نموده و معلوم میدارد که در کشتی آداب و رسم و آئین در کار بوده و وقتی امروز در کنار تشک آب بصورت بدن کشتی‌گیران میزنند باید بدانیهم قرن‌ها پیش ما ایرانی‌ها باین روش آشنائی داشته‌ایم

بر آن آتش نیزه نم بر زدند
 آنگاه فردوسی میزود برای وقت دوم:
 بسر آمد خروشیدن سر سخمز
 درود بیروان فردوسی در تنبیهاتش همه چیز را جعد زیبا و نظر گرفته است
 جویری درستان که از تیره‌ی
 همی آتش افروخت از هر دو تیغ
 تید دستیشان بخسول ریختن
 نشد سر دلشان ز آویختن
 دو دلاور هنوز کاری از پیش نبرده‌اند ولی از بیکار که دست نمکشند زیرا یک سردار باید بنام اصول جنگ آوری آشنائی داشته و در آن اسناد باشد تا حرف را بخاک و خون نکشد.

عسود از بس تیغ بسر داشتند
 از اندازه بیکار بگذاشتند
 و بس از زد و بدل کردن مسائل جنگی از تیر و کمان و ستمد و زوبین و عمو،
 تاز به کشتی سواره میکشد در تله صحنه‌ها همه چیز در جای خودش آمده و مرتب است و تازگردان براحتی میتواند قبله مورد نظرش را تهیه کند.
 تمسیر بسد میکرد کسرا زور پیش
 و باید ز اسب افکند خسوار پیش

ز نیروی گسردان دوال رکب
همیدون کشند ز اسبان حسدا
گسست اندرآوردگاه از نهیب
نبودند بر یکدگر بادشا
از اسبها کندشدند اما آتقدیر تلاش کردند که بندها و ورکاها پاره شد و از تلاش
و تقلا یی بعد نتیجه نگرفتند
و چون نتوانستند سواره کاری از پیش ببرند، بدون فوت وقت و صحبت از اسبها
فرود آمدند:

بس از اسب هر دو فرود آمدند
ز بیکار یکبار دم بر زردند
شاعر فریاد نمیکند که دو نفر بنام مترجم در این صحنه حاضرند و آنها را هم
یکبار میکشد و در ضمن اینکه باید داوری بکنند اسبها را هم باید نگاه دارند:
گرفته بست اسبان ترحمان
دوختگی بکردار شیر دمان
بکشکی گرفتن بیسازستند

ز شبگیری تا سایه گسرد شد
دوختی از این سان بهم امید
از این سه بیت شعر سه موضوع را باید در نظر بگیریم که تا اندازه کشتی در فصول
مختلف و در ساعات مبین انجام میگرفت و دیگر اینکه منظور از دوختی همان نکته بی
است که ما امروز به قهرمانان مرتب منذر میگوئیم که باید کشتی گیر در کشتی پای
مرگ بزنند و اگر کشتی گیر بخواد کشتی را با تعارف برگذار کند یاخته است و سوم اینکه
معلوم میشود که این کشتی، کشتی قدری بوده و کاروفن زیاد درویدل شده است نه
گاهی این و گاهی آن خوشحال میشدند. باز اشاره میشود به خستگی و وقت دیگر.

دهن خشک و غرقه شدن تین در آب
از آن رخ و تایدن آفتاب
ابتدا من خشکی را آورده که مسلما برای یک کشتی گیر نامدار در اثر هراس و
نام و ننگ خشکی دهان بوجود می آید و بی آنکه صحبت از تین در آب میکند منظور شایسته
که یک بهلولان ورزشه نباید بدنش آتقدیر آب و عرق داشته باشد ولی تایدن آفتاب و
حرارت و گرمی روز را دلیل میآورد. در وقت دوم در کشتی بیرون و بیرون فردوسی میگوید:
وزان پس بدستوری یکدیگر
برفتند هومان سوی ایخور
معلوم میشود یکی از شرایط محل کشتی بودن چشمه آب بوده که در کشتی رستم
و سهراب هم اشاره باب میشود و مخصوصا اصطلاح آب گیری هنوز متداول است که
بهنگام استراحت از آب استفاده میشود.
حکیم میخواد همد صحنه را بسود بیژن بیان برساند و مکتب فردوسی اینطور اهنمائی
میکند.

بخورد آب و برخواست بیژن بدر
ز دادار نیکی دهش یاد کرد
اصولا نباید ایراد بگیریم از نویسنده آب چنانکه در بین راه و تلاش کمی آب نوشیده
شود بی زبان خواهد بود. پس بیژن در اینجا کمی آب می نوشد و ما هم امروز بقهرمانان
در کنار تشنگی کمی آب میدهم.
فردوسی در نیمه دوم میروود بدنبال مکتب پیروزی که در آن عقیده به یک نیروی
معنوی دارد و بیژن را متوسل به بز دان میکند. چه میگوید (دادار نیکی دهش یاد
کرد) در این صحنه فردوسی میسراند که هومان بر بیژن میچربیده و برتری داشته ولی با
این توسل ورق بر میگردد ولی بالاخره باید مستسکنی در کار بوده باشد تا فردی با تجربه
در برابر توانایی مغلوب شود. در اینجا دربار حال بیژن چنین میگوید:

تن از درد لرزان چو از یاد بید
دل از جان شیرین شده تا امید
البته منظور این درد ضمن سنگین بودن تلاش شایه همان درد تعصب و غیرت
است که با رها یا اشاره شده است. استاد با این بیت شعر چگونگی حالات و روحیات بیژن
را بخوبی مجسم کرده است و او را تا دم مرگ برده و گفته است: (دل از جان شیرین شده
تا امید) و بیژن در آن حال زار بخداوند متوسل میشود و میگوید:
به یزدان چنین گفتم کی کرد کار
اگر دادایی همی جنگ ما
زمن بکسل امروز توش مرا
نکه داد یزدان هوش مرا

حکیم در اینجا دیگر مطلب را باوج میسراند و واقعا چیزی را سهم باقی نمیکند.
چه وقتی بیژن از کم و کیف آگاه میشود و میفهمد که پیروزی او با آمادگی و فن و بند مقدور
نیست و از طرفی برای اینکه فردوسی اطلاعات خودش را رسانده و روشن کند که مسائل
را چندر عمیق میشناسد، در اینجا اشاره میکند به اینکه «نکه دار بدار هوش مرا» هوش
و ذکاوت بزرگترین حربه برای کسب موفقیت است و بیژن از خداوند میخواد که
نیروی فکر و اندیشه اش را توانا فرماید. ماهم که پیرو مکتب فردوسی هستیم، باور
داریم که بهلولان باید افرادی با ایمان و باخرد و هوش باشند تا با ادامه پیروزی
نام آور گردند. پس بیژن در این آب گیری ویا در وقت دوم متوسل به خداوند میشود اما
هومان:

جگر خسته هومان بامد جوزاغ
جگر خستگی باز جنگ آمدند
سینه گشته از درد رخ چون چراغ
گرازان اسبان پلنگ آمدند
ز بیژن فزون بود هومان بسزور
هنر عیب کردد چو برگشت هور
هنوز که هنوز است بعضی عقیده دارند که کشتی و نتیجه آن تا اندازه بسکتی به
بخت و اقبال هم دارد. این نابعه برای اینکه برساند همه چیز را میدانند در اینجا میگوید
(هنر عیب کردد چو برگشت هور) و ما امروز میگوئیم بدیاری ویا بد اقبالی در قرعه.
فردوسی بجای فن «بند» میگوید و البته صدها سال بعد سعدی از «فن» استفاده نموده
و جنبه هنر به آن داده ولی در زمان فردوسی هنوز کشتی در حالت خشونت و خطر بوده که
استفاده از (بند) نموده است و در کار کشتی بیژن و هومان روشن واضح میگوید:

ز هرگونه زور آرموند و بند
چقدر زبیا و چند رسامه میگوید که آن فن و بندی نتیجه داد که چرخ بلند و خداوند

میخواست .

نتیجه

بزد دست بیژن بسان پلنگ
ز سر تا میانش بیازید جنگ
اینجا باید فوق العاده دقت کنیم تا بهتر نتیجه بگیریم. پس از آنکه بیژن یقین کرد
که کمتر است و متوسل شد و خداوند او را یکم اقبال که او هم مخلوق خداست و
هوش و خرد آنوقت میگوید: « بزد دست بیژن به سان پلنگ » پس دست در گلاویز نیوده
و گوننداشته و یکباره میکشد و برای گرفتن از سر تا میان وقت میگذرد و این دست با روشن
شدن در بند بعدی دست چپ بوده و که از زوی کردن و شاید هم به شمال کمر متقابل بوده
بصورت خیمه و یا دست راست میروود برای ران و بصورت همان بگدست و با استفاده
از دست چپ از سر و گردن که کاملا این فن امروز در دنیا متداول است و پس از تعریف،
تمام اهل فن خوب میتوانند مجسم کنند و در عکس نشان داده شده است اما اصل شعر
گرفتنش بچپ گردن و راست ران خیمه آورد پشت هیون گران
حالا خوب میتوانیم مجسم کنیم زیرا فردوسی کار را تمام نکرده بلکه اشاره میکند
در اثر فشار به نزدیک شدن سر و گردن به ران در نتیجه پشت هومان کاملا خم میشود
سپس میگوید:

بر آوردش از جای و بشهاد بست
سوی خنجر آورد چون با دست
حالا اوزار زمین زده و باید او را بکشد و از خنجر که همراه داشته استفاد میکند.
پس سرداران اجازه داشتند تا در هنگام کشتی از خنجرهای سبک استفاده کنند و این
حمل بر کشتی از مقررات درباره رستم نشود. در ضمن معلوم میشود که باید این کار
مثل برق صورت گیرد و در این زمینه هم در کشتی رستم و سهراب مطالبی است که باید
بعرض برسانم.

فردوسی برای اینکه بتواند اشعاری باین و باین بگوید که ما امروز با این خوبی
بفهمیم قطعاً باید در اینگونه صحنه، شرکت می جست و آگاهی کامل پیدا میکند که
این خود دلیل بر قدمت کشتی بصورت ورزش ملی ایرانست.

اما بیژن

بیژن پس از این پیروزی تاریخی چنین میگوید:
شگفت آمدش سخت و سرگشت ازو
سوی کردگار جهان کرد روی
توی تو که جز تو جهاندار نیست
خرد را بدین کساز بیکار نیست
سزاین هنر سر بر بهره نیست
کس با پیل کین جستم زهره نیست
فردوسی میخواد بگوید که با این پیروزی بیژن مغرور نشده و خود را بسیار کوچک
و ناتوان جلوه داده است.

از حسیب الله بلور

جوانان گمرك ، قهرمان جام ولیعهد اهواز شد

وسر باز در حالی آغاز کردند که اغلب
بخت پیروزی را به گمرك میدادند . داور این
بازی ، خلفی (داور تازه میدان بازگشته
اهوازی) بود که از جانب اهل یرف « و
«شکرگدانی» یاری میشد .
گمرك از همان آغاز سعی در کشودن
دروازه حریف داشت . واکنش سر باز در این
دقایق هیجوسهای گروهی خط سبانی و یاران
مهاجم این تیم دروازه گمرك بود .
کام گمرك تا نفوذ علی نظریور کاپیتن
این تیم از جناح چپ با پاس خود روی
دروازه پایه گذاشت که مسعود محبوبی
در شرایط عدم کنترل کافی ، توپ را وارد
دروازه سر باز نمود .

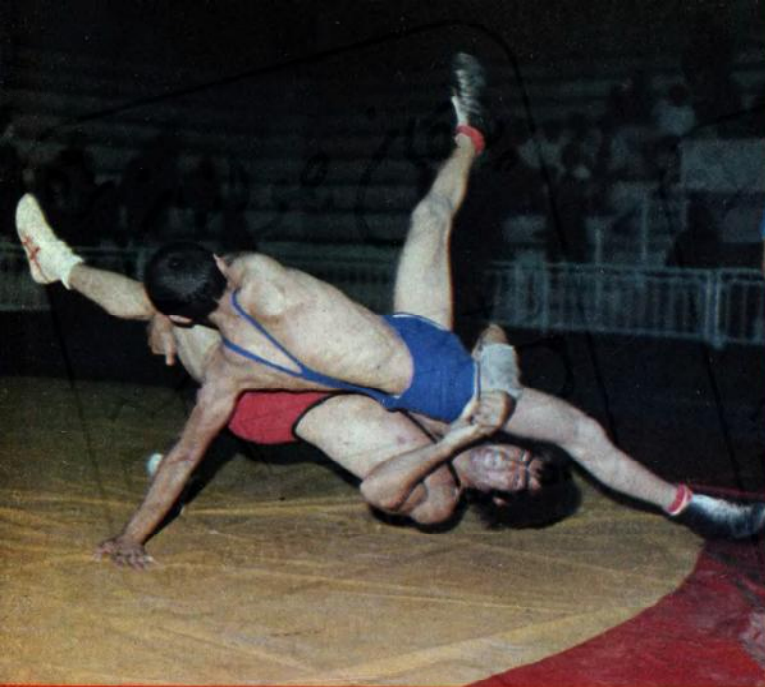
این گل را سر باز در دقیقه هجدهم
نیمه دوم جبران نمود و این زمانی بود که
دفاع گمرك در نگهداری توپ در جلوی
دروازه مساجت زیادی بیخروج داد و این باعث
شد که «امیرلو» هافبک پرتلاش سر باز
صاحب توپ شود و شوت عالی او از بیرون
محوطه جریمه کوچکترین بختی برای
دروازه بان گمرك باقی نگذاشت و سرانجام
تعیین قهرمان به ضربات سرنوشت ساز پانتهی
کشید که گمرك با چهار گل توسط نظریور
علی پور ، محمدیان ، سامانی و بازاری در
مقابل پانتهی های زینسی و امیرلو از سر باز
با نتیجه کلی ۵ بر ۳ به پیروزی رسید و
فاتح جام و الاحضر و ولایتعهد اهواز گردید .

اهواز . مسابقه های فوتبال جوانان .
جام و الاحضر و ولایتعهد شهرستان اهواز ،
سرانجام پس از ۳۰ روز با انجام ۵ مسابقه
با پیروزی تیم جوانان گمرك خاتمه پذیرفت .
در این مسابقه ها شاگردان دهکردی
که از سال گذشته سوادی برتری در فوتبال
اهواز و خوزستان را در سری پروراندند با
قدرت و سزواری قهرمان شدند .

حریف دیدار نهائی تیم جوانان باشگاه
سریاز بود که هر چه مسابقات جلوتر میرفت
چهره ای دلپذیر تر بخود میگرفت و سرانجام
در آخرین دیدار آنچنان استوار ظاهر شد که
جای کوچکترین تردیدی از قدرت خویش
باقی نگذاشت .
چهیهای درخشان این مسابقه ها
صرف نظر از گمرك ، تیمهای فخری و
ایرانگاژ اهواز بودند که هر دو بصورت
دسته های آزاد اداره میشوند . این دو تیم ،
بخصوص ایرانکاژ که سال گذشته نیز
خوش درخشیده بود . امسال هم قدرت
چشمگیری بنمایش گذاشت .

فردگی رقابت تیمهای حاضر در
یکچهارم نهائی بعدی بود که اغلب نتیجه
سایقات را ضربات پانتهی تعیین میکرد و از
جمع ۸ مسابقه برای تعیین تیم های اول تا
چهارم با یان ۵ بازی به پانتهی کشید .
بهرحال دیدار نهائی را تیمهای گمرك

بازتاب دیدارهای کشتی گیران

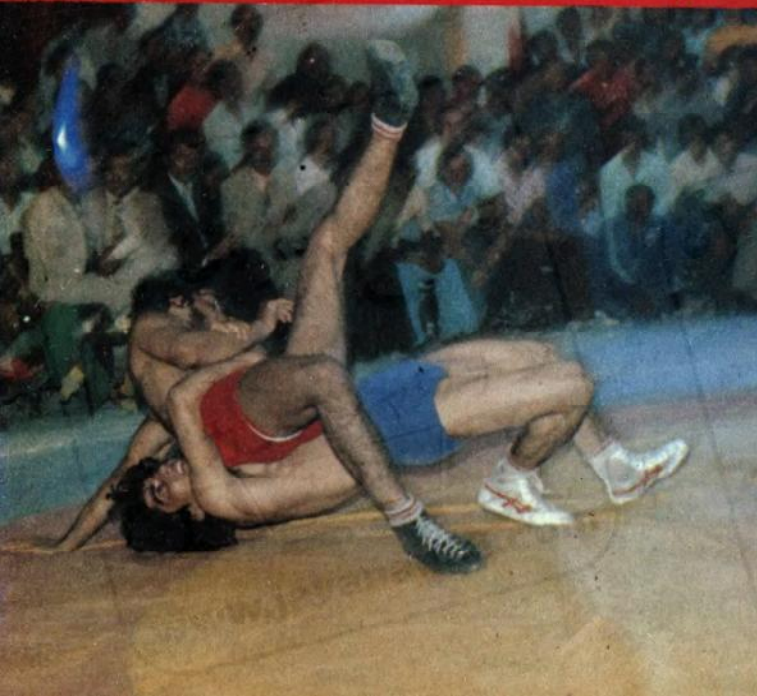


▲ این تصویر اجرای یکدقن را بصورت نادرست نشان می دهد. مرتضی امیدوار که پیراهن قرمزین دارد روی «نقش بند» ازقم فن کنده را اجرامی کند. ولی چون بهنگام اجرای این فن بدستند «اهرسی» توجه نکرده، خود چنین بختسرافتاده است. این دیدار در چهارچوب مسابقدهای انتخابی کشتی آزاد جوانان در تهران برگزار شد و بسود «امیدوار» پایان یافت.



غلامرضا قصاب با اجرای فن بارانداز احمدرضا حمیدی را بمخاطره انداخته است این دیدار با ضربه قتی بسود قصاب تمام شد. ▼

▲ تیم خوزستان در مسابقات ایلام دوجوهه طلائی داشت که غلامرضا قصاب (راست) و محمد رمضان زاده بودند.



▲ لرستان باید به وجود این کوچولو افتخار کند. ناصر اسماعیلی پس از تولدی درخشان در مسابقدهای قهرمانی جوانان (بابل) در مسابقدهای قهرمانی بزرگسالان (ایلام) نیز مقام قهرمانی را تکرار کرد.

شوخیهای هفته

از
عبدالله نیا



۱- بچه های تیم زئیر مرتباً نوشا به مصرف میکنند.
۲- نوشا به در تهران کمیاب است.

زئیری: با چرامشوداری سیزی؟!
- حتماً تقصیر شما هاس که نوشا به گیر ما نمیداد!!



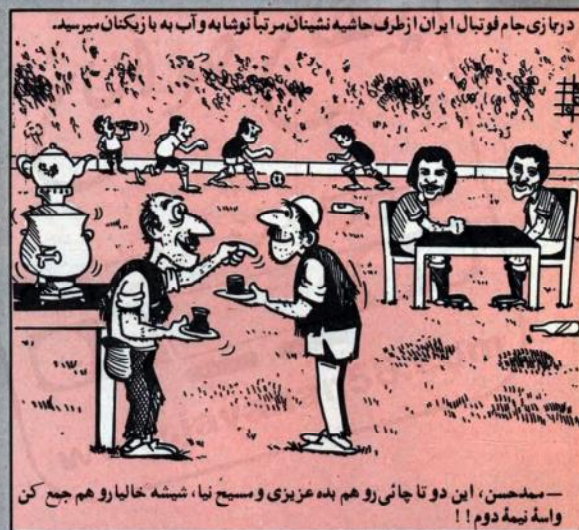
مشروبات الکلی از لوازم ورزشی راحت تر وارد میشود.

چرامیدارن مشروبات راحت تر وارد بشه؟
- واسه اینکه مردموبیره به عالم هپروت و دیگه ازگرونی، عوارض و ترافیک بونه نگیرن!!



«اوفارل ماهی سی هزار تومانی حقوق میگیرد»

- اینها هم فوتبال زن که آورد بشون اردو؟
اوفارل: نه اینها رو آوردم سرمایه بولم روشمرن!!



در بازی جام فوتبال ایران از طرف حاشیه نشینان مرتباً نوشا به و آب به با زیکتان میرسید.

- میدحسن، این دو تا چائی رو هم بده عزیزم و مسیح نیا، شیشه خالیارو هم جمع کن
واسه نیمه دوم!!



زمین شطرنجی که یک شرکت انگلیسی مجانی ساخته بدرد بچور نیست.

- این چه زمین بازی که واسه ما ساختین؟
- اسب پیش کشی رو که دیگه دندونشونمی شمرن!!



ا کتر بچه ها بعلت نداشتن زمین برای بازی، زمینهای خیلی سفت را هم برای زمین بازی صاف می کنند.

- قربان این زمینتون رونمسا زین؟
- چرا جونم، منتظرم بچه ها به هوای فوتبال صافش کنن!!



پهله مؤنث!

سروراید جامائیکا ، در تیم فوتبال بانوان (بن) توپ میزند .
 بیورلی : من قبلا عاشق پهله بودم ، ولی از وقتی پهله پولکی شده عاشق
 گونترنترز شده ام ، ولی البته نه عاشق طرز بازی او .

وقتی یازده ساله شد ، پدر و مادرش ، شش برادر و چهار خواهر دیگر او را برداشتند و به لندن مهاجرت کردند .

په له مؤنث اعتراف کرده است :
 « من از همان وقت ها عاشق فوتبال بودم و توی کوچه با پسرها فوتبال بازی میکردم » بعد از تمام کردن دوره دبیرستان ، دو سال به مدرسه تنیس رفت و در این باره گفت :
 « میخواستم ، تنیس باز حرفه ای شوم ، و یک عالم پول گیر بیارم ! »
 ولی در اثنای تمرین تنیس ، در باشگاه فوتبال (آمرسهام) واقع در یکی از محله های شمال لندن نیز عضو شد و تمرین فوتبال کرد .

دو سال قبل همراه تیم بانوان آمرسهام برای مسابقه با تیم بانوان بوناخ (از حوالی ساربروکن) به آلمان رفته بودند :
 « از آلمان و آلمانیها فوری خوشم آمد و تصمیم گرفتم . تعطیلات آینده ام را در آنجا بگذرانم » ولی رفتن به این تعطیلات ، رفتنی بی بازگشت بود و پهله خانم برای همیشه در آلمان ماندنی شد !

اشترین نوشته است :
 « از همان وقت تیم بانوان بن این سروراید سیاه را تصاحب کرد و او را آنتور در جعبه جواهرات خود گذاشت تا (بیلی کراهه) سر رسید ، او را کشف کرد و زیر بال و پر گرفت »
 بیلی کراهه یکی از پرو پاقرص ترین طرقداران فوتبال میان زنان است . تیم زنان بن تنها به همت او شکل گرفته و تا کنون دوام آورده است . او گفته است :

« من شم زیادی در کشف استعداد های تازه دارم . اعضای تیم بن را یکی یکی دست چین کرده ام ، پهله مؤنث کل سرسبد

گرد مولر توبچی تیم ملی فوتبال آلمان روزی گفته بود :
 « زنها به تنها جایی که تعلق ندارند ، زمین بازی فوتبال است . چه بهتر که آنها به مردمنت بگذارند . و از پشت اجاق خوراکه پزی آشپزخانه شان تکان نخورند . »

ولی اگر همه شوتهای مولر توبچی توی دروازه جا گرفته ، شوت اخیرش — که به نظر زنها نوعی (در نشانی قرون وسطائی) است — خطا رفته ، و ضمنا (بیورلی رنجر) فوتبالیست سیاه و خوشگل جامائیکائی را به پاسخگونی واداشته ، بیورلی به خبرنگاران گفته :

« خودم خوب میدانم که اشاره بودم به من بود ، ولی بهتر است او بداند که من آشپزی اصلا بلد نیستم ، و در ذائقه من فوتبال خوش طعم تر است ! »

مجله اشترین نوشته است : « با توجه به پاسخ بیورلی رنجر ، معلوم میشود مولر وقتی اظهار عقیده کرد که هیچ فکر نمیکرد یک فوتبالیست زن بتواند این گونه اشتها آورو خوشمزه باشد ، مولر ناچار است قبول کند که دنیا عوض شده است و فوتبال دیگر خاص مولر ها نیست »

بیورلی رنجر ، معروف به (په له مؤنث) — که در (کینگستون — تاون) بدتیا آمده است فعلا جزو تیم بانوان (اس — لک — بن) پایتخت آلمان غربی بازی میکند و تیم بانوان بن در سایه کوشش او ، در میان تیمهای بانوان آلمان مقام اول را کسب کرده است . او یک دختر خوشگل ، ورزشیده و شکلاتی رنگ است .

سروراید سیاه در جعبه جواهر (بن) بیورلی رنجر ۲۲ سال قبل در یکی از خانواده های پراولاد جامائیکا بدتیا آمد ،

من با توپ میرقصم . و برای اینکه این رقص خیلی حساسی باشد حرکات پهله را بدقت نگاه می کنم و سعی میکنم تمام فوت و فن های او را بکار بندم .



من است «
 کراهه ، یک قرار داد خصوصی با بیورلی امضاء کرده و بموجب قرارداد تعهد کرده (مروارید خوشگله) را در خانه خود بجا بدهد ، خرج خوراک ، پوشاک و تمرین او را تقبل نماید و ماهی ... ۶ مارک (۱۸۰۰ تومان) نیز بعنوان پول توجیبی به او بپردازد . بشرطی که پهله اهل جامائیکا ، برای او فقط شیرین بکارد و هی گسل بزند !

آقای کراهه گفته است :
 « بیورلی بجای دختر من است و برای او آینده درخشانی پیش بینی میکنم » و بیورلی در باره کراهه گفته :

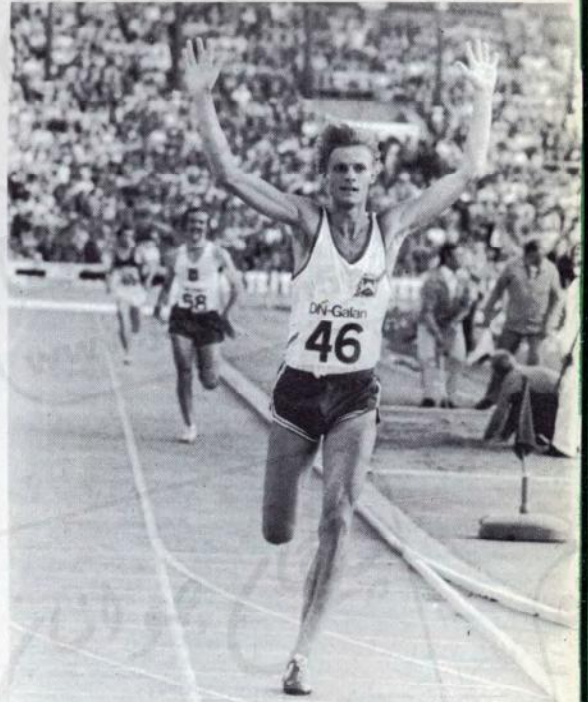
« رفتار آقای کراهه با من ، مثل رفتارش با یک دختر بچه است . ما در دهکده ای واقع در سی کیلومتری بن زندگی می کنیم . دهکده محل اقامت ما ، ساکت و آرام است ، در آنجا ، کاری جز این ندارم که بنشینم ، کتاب بخوانم یا موسیقی گوش کنم . هفته ای سه روز به اتفاق سایر اعضای تیم تمرین دارم ، گاهگاه نیز به سینما یا دیسکوتک میروم »
 بیورلی آلمانی را روان حرف میزند و معنای متلک هائی را که مردها بسوی او میپرانند خوب میفهمد .

خودش گفته است :
 « در زمینه مرد ، آب و هوای روستا به من سازگارتر است . زیرا جوان روستائی هنوز به رومانیتسم احترام میگذارد ، هنوز برای عشق فرصت و مهلت قابل میشود . حال آنکه جوان شهری ، بعضی آشنا شدن با یک دختر ، چنان میخواهد زود به مقصود برسد که فرصت نمیدهد ، دختر از فتنجان چایش حتی نخستین جرعه را بنوشد ! »

عاشق گونترنترز
 بیورلی گفته است :
 « در هر مسابقه ، مدافعان تیم حریف همیشه مرا میبایند و همیشه دست کم دو سه نفر آنها را در اطراف دارم . حریفان من بسیار بیرحم و نااقلا هستند و سعی دارند برای از پا آوردن من به ساق پایم ضربه وارد آورند . به همین سبب من هم با گذاردن اسفنج در جوراب ساقهایم را تا حدی از شر ضربه های لگد حریف مصون میدارم . من با حریفان خشن خود مدارا میکنم . اولین خطا و خشونت را زیر سبیلی در میکنم ، بهنگام دومین خطا به طرف چشم غره میروم و بد و بیراه میگویم و بهنگام خطای سوم به اومشت گره کرده نشان میدهم . تازه آنگاه است که حریف حد خویش را میفهمد و سعی میکند بیش از آن با روی دم من ننگدازد ! »

بیورلی اعتراف کرده است :
 « قبلا عاشق پهله بودم ولی از وقتی پهله پولکی شده ، نظر من هم نسبت به او تغییر کرده است . در حال حاضر کشته و مرده گونترنترز هستم ، ولی البته نه فقط کشته و مرده روش بازی او »

بازتاب رویدادها



آفردواسکارا از پورتوریکو بعد از پیروزی بر کوبا کی‌شی با نازا اپنی (قهرمان نیم‌سبک وزن جهان از نظر شورای جهانی سشت‌زنی) بردوش مغلوب جوانمرد خوشحالی می‌کند و بازوهارا باز کرده است. او باز پای درآوردن شی با تا در ۵/۴ دقیقه از دور دوم قهرمان جدید این وزن شد.

شکنی را در مسابقات بین‌المللی دوومیدانی سوئد بدست آورد و بر رکورد جهانی بن‌جیب شوکتیانی خط کشید.

آندره گاردوود دونده سوئدی شکستن رکورد جهانی ۳۰۰ متر با مانع خط پایان رسیده است. او این رکورد

پره‌فوتن در حال مستی کشته شد

جامعه ورزش آمریکا بخاطر کشته شدن (استیو پره‌فوتن) ۴۴ ساله، نفر چهارم مسابقه‌های دو المپیک، بهترین دونده دو... /۱۰ متر جهان در سال ۱۹۷۴، هفته گذشته سوگوار شد. پره‌فوتن در سانحه اتومبیل کشته شد.

دراختی کابله شکافی جسد، معلوم شد که قربانی حادثه، بهنگام زانندگی مست بوده چون ۱/۷ پرومیل الکل در خونش مشاهده شده است.

پره‌فوتن در حادثه ضمن شرکت در جشن ورزشی، در یک مسابقه دو... ۵۰۰ متر اول شده بود و آنگاه در ضیافت جشن برای همان مسابقه مشروب فراوان نوشیده و در وقت شب مست به سمت خانه حرکت کرده بود. اعلامیه پزشکی مرگ پره‌فوتن را ناشی از شکستگی کردن، و قفسه سینه اعلام کرده است.



دیده میشود که با کسب مقام اول و خلق بهترین زمان ممکن، پیراهن طلائی را بر تن دارد.

↑ ادی مرکس دوچرخه‌سوار بزرگ بلژیکی باز از چهره‌های بزرگ مسابقات دور فرانسه بود. اینجا او در مرحله ششم

گفتار زینت

وقت نداریم!

خیلی از ورزشکاران از این بابت که وسیله و سری ندارند گله مند هستند ولی دوچرخه سواران شاهی، هم وسیله دارند و هم سری و تنها چیزی که ندارند مسابقه است.

هروقت به مسؤلان تربیت بدنی مراجعه می کنیم و تقاضای کمک برایمان مسابقه ای ترتیب دهند، فقط یک جواب می شنویم: «وقت نداریم!» و تنها به همین دلیل اسمال مسابقات دوچرخه سواری استان انجام نشد و وقتی سؤال کردیم پس تکلیف ما دوچرخه سواران — که مدت ها زحمت کشیده و تمرین کرده ایم — چیست جواب دادند: «هیچ! قهرمان سال گذشته را در مسابقات قهرمانی ایران شرکت خواهیم داد!»

شاهی — محمد شهابت نادری

مشکل کمبود جادو باغ شمال

ورزشگاه باغ شمال تبریز حداکثر ۱۲ هزار نفر گنجایش دارد ولی در بعضی مسابقات بالای ۳۰ هزار نفر به آن هجوم می آورند. بطوریکه در بازی پرسپولیس و تراکتورسازی ۳۵ هزار نفر شاهد کتک خوردن یکدیگر بودند!

میخواهم سؤال کنم: با این ورزشگاه چگونه میخواهد مسابقات نهایی فوتبال جام ولیعهد را در تبریز برگزار کند؟

تبریز — غ. سمندر نوپور

وسيله کافی منهای فعالیت

دانشسرای راهنمایی تهران با اینکه وسائل ورزشی باندازه کافی در اختیار دارد، در سال گذشته کمترین فعالیت ورزشی نداشته است.

لا بد خواهد گفت که بی علاقهگی دانشجویان سبب شده است که مسابقه ای برگزار نشود ولی من این بی علاقهگی را نزد مربیان و رهبران این دانشسرا می بینم که با بی توجهی خود باعث زلود ورزش شده اند.

راستی این که نازی ها و روحیه سیل — کاری در مغز و روحه معلمان آینده اثر منفی نخواهد گذاشت؟ آیا عملی که در دوران تحصیل کمترین فعالیت ورزشی نداشته میتواند با فکر و بدنی خسته و فرسوده بعدها برای شاگردانش مفید واقع شود؟

علی اصغر حاجی قربانی دانشجوی دانشسرای راهنمایی تهران

این خبرنگارها...

آقای سردبیر، گاهی اوقات خبرنگاران شما آنچنان نوشته اند و می نویسند که سرو — صدای آدم ساکتی چون مرا در آورده اند و در می آورند؟

بنظر من، واقع بنی یکی از خصایل نیکوی حرفه، خبرنگاریست و اگر این تنها نقطه اسدهم در حاله ای از ایهام و تردید قرار گیرد، دیگر دور خبرنگار جماعت را هم باید حفظ کشید و از آنها سلب اعتماد کرد. در تمام دنیا خبرنگارها از ارزش و احترام ویژه ای برخوردارند و چه بسا روزنامه ها و مجلاتی که بخاطر مقالات نویسنده مشخصی همواره خریدار داشته و بخوبی توانسته اند در دل خوانندگان جایز کنند و چه افراوان هستند خبرنگاران و مسرانیسی که بخاطر نوشته های استخوان دار خود شهرت و تشخیمی جهانی بهم زده اند.

اما متأسفانه خبرنگاران ما گاهی فراموش می کنند که صاحب چهره ای مفلس هستند و در بسیاری موارد دیده شده است که بخاطر مسائل جزئی و احياناً عدم توفیق تیم مورد علاقه شان در مسابقه، آنچنان زمین و زمان و داور و بازیکن را بهم میزنند و به باد تهمت و افتاد مغرضانه میگیرند که گویی جابجایی اتفاق افتاده و عزیزترین کسانشان قربانی جنایت شده اند! خلاصه آنکه این گرفتاری تازه ایست که گریه انگیز خواننده مجله ها شده که انشالله بغیر بگذرد.

کرمان — همدانی

درباره تماشاگران شیرازی

فوتبال شیراز برستی از لحاظ تماشاگر غنی است و این واقعیت را مسابقات جام تخت جمشید ثابت کرد. اما حیف که این تماشاگران در ورزشگاه خیلی ساکت هستند و بازیکنان خود را آنطور که لازمه یک محیط ورزشی است، تشویق نمی کنند. بهمین دلیل است که فوتبالیستهای برق در شهرهای دیگر بهتر از شیراز بازی می کنند و نتایج چشم گیری بدست می آورند.

از این تعجب می کنم که چرا با وجودی که شیرازیها برای ورود تیم خود به جام تخت جمشید آتمه اصرار داشتند تصمیمی نسبت به تیم خود ندارند شاید میخواهند بگویند که عده ای از بازیکنان این تیم خوزستانی ویوشهری هستند. خوب چه اشکالی دارد، لافل همان چند بازیکن شیرازی را تشویق کنند!

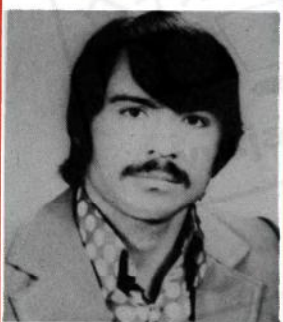
اسدوارم در نیم فصل دوم مسابقات وضع بهتر از گذشته باشد و تماشاگران شیرازی به بازی تیم خود برخیزند.

شیراز — محمد جواد زیبایی نژاد

برگ شماری

آقای سردبیر، حالا که این نامه را می نویسم، فقط یک هفته از تعطیل مدارس گذشته و باید تا سه ماه دیگر داخل خانه بریزد و مدرسه باز شود و دوباره به ورزش بپردازیم. در کازرون هیچ محلی که دختران بتوانند ورزش کنند وجود ندارد. معلوم نیست چرا لطف مسؤلان ورزش شامل حال ما نمیشود؟

کازرون — ش — ب



من، قلیچ خانی نیستم!

آقای سردبیر، لطفاً عکس مرا که همراه این نامه برای شما فرستادم چاپ کنید و زیر آن توضیح دهید که من قلیچ خانی نیستم و فقط کمی به اوشبابت دارم. خواهش می کنم دوستان و همشهریان مرا بنام خودم صدا بزنند نه بنام قلیچ! البته این را بگویم که من به وجود فوتبالیستی همچون قلیچ خانی که مرد بی همتای فوتبال ایران است، افتخار می کنم و اگر اجازه بدهید، با استفاده از این فرصت چند کلمه ای درباره اش می نویسم تا بدینوسیله احساسات خود را نسبت به او بیان کرده باشم.

قلیچ خانی مردیست که ۱۱ سال بدون وقفه به تیم ملی فوتبال ایران خدمت کرده و درد و لبیک یار و مدد کار تیم ایران بوده. مردیست که در جام جهانی کوچک در برزیل، همه چشم ها را متوجه کرد و با شوتهای سنگین و زهر آگین هر روز هزاران تماشاگر را به ورزشگاهها کشاند. مردیست که تیم ملی استرالیا را با دو گل در تهران شکست داد و نام خود را در تاریخ فوتبال ایران جاودانه ساخت. قلیچ خانی با ۷۵ بازی در سطح ملی میروند که با بازیهای جام ایران، مقدماتی المپیک و انشللله در المپیک مونترال تعداد بازی در تیم ملی را به بالای ۱۰۰ برساند و این رکوردی خواهد بود برای قلیچ خانی ویرای فوتبال ایران که بدون شک سالهای سال نخواهد شکست.

قلیچ خانی مردیست که هر موقع اراده کند دروازه ها را فروریزد و به همه جای زمین سر می کشد و با وجود قد کوتاهش پرش هایی بلند و بیس تماشاگری دارد. راستی کاش بجای او بودم و ایالت اینهمه افتخار را داشتم.

ابهر — قاسم رحمانی

گنجایش ورزشگاه آبادان کم است

ورزشگاه رضا پهلوی آبادان برای بازیهای جام تخت جمشید گنجایش کافی ندارد و در مسابقات مهم عده زیادی از مردم بلیت بدست پشت درهای بسته می مانند. ورزشدوستان خوزستان از مقامات شرکت نفت تقاضا دارند که لطف خود را تکمیل کرده و برای توسعه جایگاههای ورزشگاه آبادان اقدام لازم را بعمل آورند تا در نیم فصل آینده مسابقات جام تخت جمشید، حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده تکرار نشود.

محمد نائی، بهلانی، مجاهدزاده، احمدی

پنالتی زن استفاده کنید!

حالا که به تن از بازیکنان تیم ابوسلم، نهرانی و خوزستانی هستند، لطفاً یک پنالتی زن هم از یکی دیگر از شهرهای فوتبالیست پرور استفاده کنید که پنالتی هایتان مثل پنالتی در مقابل آزارات و پرسپولیس به درنورد؟

مشهد — محمد ابراهیمی فاروجی

صنعت بجای ورزش!

تلاور ورزش بوشهر را — که تمرینات و مسابقات رشته های بسکتبال، والیبال و کشتی در آن انجام میگردد — از چنگ ورزشکاران در آورند و در اختیار هنرستان صنعتی قرار دهند!

بوشهر — محمد علی بوشهری

حسینعلی ماهینی

هر روز در آب ولی نه قهرمان

شاید این مطلب بیان کننده این واقعیت تلق باشد که ورزش هنوز در تمام نقاط کشور گسترش پیدا نکرده و اکثر شهرستانی ها، همچون ورزشکاران پایتخت مورد توجه قرار گیرند، در ورزش شگفتی — هایی بوجود خواهد آمد.

مثلا در تابستان بعثت نبودن استخر شنا، هزاران نفر از جوانان خوزستانی — منهای یکی دو شهرستان که سابه شرکت نفت روی سرشان هست — خود را به آبهای کارون و دوز، می سپارند و هزاران خطر را بخان میگردند تا از سرگرمی خلاص شوند. شویخی نیست، اگر بشاید، درجه واقعا طالع فرستاد و پریدن در آب راجعانی برای فرار از این گرمای و مشتناکست. این جوانان هر روز اقلا چهار ساعت درآبند و میگویند حالا که ما شنا میکنیم چرا برای قهرمان شدن نباشد؟ ایجاد چند استخر میتواند یکباره صدها جوان شناگر را به ورزش شنای سلکت تقدیم کند و شناگران ماهان عده معدود هرساله نباشند و از قهرشانگر نمانیم.

مسجد سلیمان — اسفندیار

بهامیریان

نوشتن از ما

قاین - شهری ورزشی

قاین ، یکی از بخشهای بیرجند است که از لحاظ ورزشی کمبودهای فراوان دارد . در این شهر تالار ورزشی و استخر شنا خیری نیست . بهین دلیل در تابستان جوانان برای فراوانی گرمای به رودخانه میروند و چندانائی از آنها قربانی امواج میشوند . جوانان قاین مثل جوانان سایر نقاط ایران به ورزش علاقه فراوان دارند و اگر میدان ببینند ، استعداد های نهفته خود را نمایان خواهند ساخت .

میگویند بودجه ورزش قاین در بیرجند خرج میشود و بهین دلیل وضع ورزشی ما نا هنجار و غم انگیز است .

قاین - م - د

مری نداریم

آقای سردیر - در نهاوند از توابع استان همدان ، هیچک از رشته های ورزشی مری ندارد و جوانان بطور سرخود و بدون اینکه کسی آنها را هدایت کند ، به تمرین می پردازند که نتیجه کارورتن است .

کاش تربیت بدنی همدان فکری بحال جوانان این شهر میکرد و لاقال - برای علاقه مندان یکی دو رشته ، ورزشی مری می فرستاد .

نهاوند - جمال قیطاسی

درد نداشتن استخر در شهر استخرها !

مسجد سلیمان که در اغلب تابستان ها شدت گرمایش از ۵۰ درجه هم میگذرد ، برای افراد غیر شرکت نفتی استخر شنا ندارد و جوانان این شهر سالهاست که در حسرت داشتن یک استخر میسوزند و صدایشان هم در نمی آید .

خوشبختانه شرکت نفت برای کارکنان خود استخرهایی دارد و اگر این استخرها وجود نداشت ، وضع خیلی از این بدتر میشد اما از آنجا که افراد غیر شرکت مجاز به استفاده از این استخرها نیستند ، جا دارد که سازمان تربیت بدنی مسجد سلیمان دست کم یک استخر عمومی ایجاد کند و یا ترتیبی بدهد که در چند ساعت از روز یکی از استخرهای سه گانه شرکت نفت در اجاره یا اختیار تربیت بدنی باشد تا همه جوانان بتوانند از آن استفاده کنند .

فکر نمی کنم آنچه من نوشته ام توقع بیجایی باشد !

مسجد سلیمان - غلام آتش دامن

بیلیارد بله ، بقیه ورزش ها نه !

آقای سردیر ، من یکی از دوستان در رشته پرورش اندام هشتم و در این رشته فعالیت دارم و طی بیست ماهی که باین ورزش پرداخته ام دارای بدنی زیبا شدم که اگر ادامه دهم چندی بعد به مقام قهرمانی میرسم .

من در «شهرزبیا» واقع در غرب تهران زندگی می کنم . در این محل یک باشگاه با اصطلاح ورزشی وجود دارد که همه سرمایه اش برای پرورش اندام یکجفت دبیل پوسیده است و من که کارگری هشتم هر روز در قومان گرایه رفت و برگشت به میدان بهارستان و بالعکس میدهم که در باشگاه ایران امروز ورزش کنم .

جوانان «زیباشهر» و کن حاضرند در ماه دور با برحق عضویت بدهند و صاحب باشگاهی آبرومند بشوند تا از سرگردانی و در بدری نجات یابند .

در باشگاه پاسارگاد سه دستگاه میز بیلیارد وجود دارد که علاقه مندان ساعتی چهل ریال برای استفاده از میز میپردازند و تمام توجه مسئولان باشگاه به بیلیارد است چون این کار نفع مادی زیادی دارد . اما حضرات بفکر نیستند که دوتا هاتر و چند تا دبیل بخرند و دل غمناک جوان را خوش کنند .

زیباشهر - جمال رحمتی

به نوجوانان توجه کنید ! آنها بزرگان فردایند !

در تبریز ، به تیمهای جوان و نوجوان امکان فعالیت داده نمیشود و آنها را بسه میدان ورزشی راه نمیدهند که تمرین کنند و برای اسباب بعد آمادگی پیدا کنند . فقط گاهی اوقات از ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح که هوا بشدت گرم است جوانان اجازه دارند به ورزشگاه بروند و از زمینهای تمرین استفاده کنند که البته شدت گرما اجازه فعالیت و دوندگی به آنها نمیدهد .

امیدواریم چاپ این مطلب کوتاه باعث شود که مسئولان ورزشی تبریز به تیمهای محلات نیز بدل توجهی بکنند و موجبات دلگرمی هرچه بیشتر آنها را فراهم نمایند .

تبریز - علی شاهد ، حسین مهدوی
اصغر و دودسیدی ، مهدی و علی
صادقی ، حمید رضائی ، محمود
رخشائی ، غلام یاخجیان ، اصغر
ورضالله لو ، یادالله خاکی و مقصود
صادقی

ناپایداری در ورزش

فراز و نشیب ها ، پس و پیش رفتن ها پیروزیها و شکست های موسمی ورزش ایران ، این واقعیت را ثابت می کند که ورزش سلکت ما هیچوقت و در هیچ رشته ای حتی برای مدت زمانی کوتاه به پایه و اساس صحیحی استوار نبوده و همواره فدا کاریها ، جانبازیها و تعصب ملی و سپهانی باعث پیروزی شده و در عوض بی تعریبی ، درهم ریختگی ، بی انضباطی و عدم رهبری صحیح موجب شکست بوده است .

ورزش ما چه در رشته های مانند فوتبال ، کشتی ، وزنه برداری و تاحدی سبکبال ، والیبال ، مشت زنی و بوکس و چه در لفافه داران نسبتاً بیشتری دارند و چه در رشته هایی که سال به سال فقط نامی از آنها به گوشمان میخورد ، هرگز روی پایه درست و محکمی قرار نداشته است و نمونه اش اینست که یک سال تیم کشتی ما در جهان اول میشود و سال بعد ششم !

در اسل های اخیر فوتبال ما هرگز دارای کلاس صحیح و اساس و بنیادی نبوده است و متأسفانه عملی با خیال خام خود در این اندیشه بوده اند که آنرا دگرگون سازند غافل از اینکه فوتبال ما فقط رشته تعصب دارد و به هیچ صراطی مستقیم نیست و اگر بخواهند اساس آنرا بهم بریزند ، نه تنها پیشرفتی در آن حاصل نمیشود ، بلکه موجبات اضمحلال و نابودی آن فراهم میشود .

از سالیان پیش ، رهبران و دست اندرکاران فوتبال با استفاده مریبان خارجی و سپردن رهبری تیم های ملی و باشگاهها به دست آنان ، خواسته اند که شکل اساسی فوتبال ما را عوض کنند و آنرا بصورت مدرن و کلاسیک در آورند ولی همگی دیده ایم و می بینیم که این امر سهم هیچگاه عملی نگشته و تنها کاری که مریبان خارجی توانسته اند انجام دهند ، تغییراتی جزئی در آرایش و تاکتیک تیم ها بوده است که البته در این مورد تیم ها بدون داشتن مریب خارجی از هر تیم داخلی بهتر و زودتر به نتیجه رسیده است .

شیراز - احمد بخت شیرین

حداقل انتظار

رودبار ، شهر بست کوهستانی و خوش آب و هوا که ورزشکارانش با جزئی توجهی میتوانند در ردیف بهترین قهرمانان ایران در آیند ولی متأسفانه کمبود وسائل چنین امکانی را به آنها نمیدهد .

بیشتر جوانان رودبار به ورزش های فوتبال ، والیبال و کشتی علاقه فراوان دارند و اگر موجباتی فراهم شود که لاقال وسائل این سه رشته ورزشی در شهر ما ایجاد گردد ، خیلی از مشکلات ورزشی ما از میان خواهد رفت . چشم به همت مسئولان ورزشی کیلان دوخته ایم .

رودبار - جواد توکلی - فریدون
باقی - بهروز بابائی و شفقت قنبری

گرفتاری بچه ها و زمین های باير اطراف شهر

بی خیال و غرق در اندیشه های تنهائی ، از کنار کوچهای میگذشتیم که ناگهان صدای جرینگ شکستن شیشه بی مرا بخود آورد .

بدنبال شکستن شیشه ، سری از پنجره بیرون آمد و مسلسل وار به سوی بچه های که با شوت کردن توپ بطرف پنجره ، باعث شکستن شیشه شده بود دشنام فرستاد . آن چند کودک ، در حالی که همچون گنجشک های در قفس رنگشان پریده بود و می لرزیدند ، در گوشه ای ایستاده و به یکدیگر می نگریستند چون کار از کار گذشته بود و امکان فرار وجود نداشت .

صاحب خانه شتاب زده خود را به بچه ها رساند و هر چه فحش آبدار بود نثارشان کرد . فحاشی مرد قطع نمیشد و من اختیاری از دست دادم و وارد معرکه شدم :

مرد حساسی ! چه خیره مگه نمی بینی زن و بچه مردم از اینجا عبور میکنند - کمی ادب داشته باش !
مرد نگاه آمیخته به خشم و نفرت بمن انداخت و گفت :
- تو چکاره شهری آقا ؟ مگر کوری و نمی بینی که شیشه پنجره منزلت را سگسته اند ؟
در جوابش گفتم :

می بینم ، ولی مگر با این فحش دادن ها کار درست میشود و از این گذشته زن و بچه مردم چه گناهی کرده اند که باید اینهمه حرف رکیک بشنوند ؟
مرد کمی آرام شد و گفت :
- چرا نباید یک گورستانی باشد که این بچه ها بروند اونجا بازی کنند و مزاحم زندگی مردم نشوند ؟ ما چه گناهی کردیم که باید هر روز بدمان مثل پید بلرز ؟

خوب که فکر کردم به این نتیجه رسیدم که مرد بیچاره هم حق دارد ناراحت باشد و این سؤال هم برای چندمین بار در قلمر مطرح شد که چرا نباید محلی باشد که کودکان علاقه مند بدون دغدغه خاطر و بدون آزار و محبت از شکستن شیشه ها و فحش خوردن و کتک خوردن به ورزش مورد علاقه خود بپردازند ؟

مگر نه اینست که این کودکان ، قهرمانان آیند این سرزمین هستند پس چرا وسیله و امکانات پیشرفت در اختیارشان قرار نمی دهد . چه میشود که قسمتی از زمینهای باير اطراف شهر بوسیله تربیت بدنی اسفهان خریداری و تسطیح شود تا بچه ها بتوانند در این زمین ها بازی کنند و از سرگردانی و در بدری نجات یابند ؟

اسفهان - کمال کیان نژاد

مشهد - آقای علی طاهر رحیمی

مریب تیم شما تغییر کرده و با وضع تازه ای پیش آمده باید صاحب پیروزیهای تازه ای هم بشوید . منظر نیمه فصل دوم دوره سوم جام تخت جمشید باشید تا بتوانید به واقعیت آنچه که دارید بدرستی پی ببرید .



نه بچه در عرض سه ماه!

شاید بتوان ادعا کرد که در این سال زن جالب‌ترین حادثه برای زن، در دنیای ورزش اتفاق افتاده باشد و باز بد نیست بدانیم که قهرمانان حادثه و زن ازده عضو تیم هندبال بانوان باشگاه ورزشی (فوندز) دانمارک هستند.

هرده عضو تیم هندبال — که تیم خود را تا سطح قهرمانی باشگاهها ارتقاء داده‌اند — شوهر داروخانه‌دار هستند. حادثه جالبی هم که گفتیم اتفاق افتاده این است که نه عضو تیم هندبال، تقریباً همه همزمان آبستن شدند و هر که نفر در طول فقط یک فصل فارغ‌گشتند و فاصله سه ماه نه بچه زائیدند، و بعد هم این عکس را یادگار برداشتند. در میان اعضای تیم، تنبل‌تر از همه دروازه‌بان بود که کسی دیرتر از بقیه جنیند! آنقدر دیر که وقتی این عکس یادگاری گرفته شد، شکم او تازه بالا آمده بود!

عکس و خبر

صاحب‌مدال طلای المپیک بی پولست!

(حاجی و بسولر) ناززان سابق و قهرمان
شنای المپیک میگوید:
«ورزش شغل نفرین‌شده‌ای است.
بندرت کسی توانسته، پولی را که از طریق
ورزش بدست آورده حفظ کند. مثلاً همین خود
مرا در نظر بگیرید! پس از گرفتن ۵ مدال
طلا از المپیک و بازی در ۱ فیلم ناززانی،
اینک چنان محتاج پول شده‌ام که در سن
۷۱ سالگی به مونیخ آمده‌ام و در استخر
یکی از هتل‌های مونیخ به ۳ بچه درس
شناسی می‌دهم.»

باید دانست که افتخارات ورزشی
و بسولر یکی دوتا نیست، او ۷ بار رکورد
شنای جهان را شکسته و ۵ بار قهرمان
شنای آمریکا شده است.

مجله اشترن نوشته است: «و بسولر،
کاسه و کوزه‌ی پولی‌اش را بی‌انصافانه،
سرورزش‌شکنسته است. زیرا میلیون‌ها
دلارش را نه در راه ورزش، بلکه در راه
عیاشی صرف کرده است. مثل آنکه او
فراموش کرده، معشوق کرتاگاربوشدن و
پنج بار ازدواج کردن، چقدر خرج روی
دستش گذاشته است!»

اسکی بادبانی

(اسکی بادبانی) را باید به جمع رشته
ورزشهای روی آب اضافه کرد. این رشته
جدید و مفرح که از بومیان جزایر هاوایی
اقتباس شده، این روزها در اروپا و آمریکا
حسابی جا باز کرده است. وسیله کاربیک
«سورف» است که روی آن بکه حلقه و یک
بادبان سوار کرده‌اند. حلقه در حقیقت
وظیفه سکان را بازی می‌کند. ورزشکار باید
رویه عرض تخته به ایستد. دست‌ها را به

حلقه بند کند، و آنگاه خود را به باد و اسواج
بسیار دهد.
در سواحل کالیفرنیا، مکزیکو، پرو،
آفریقای جنوبی، استرالیا، و انگلستان
هم اکنون میلیون‌ها نفر به آن روی
آورده‌اند. (ارنستورن) آمریکائی نخستین
قهرمان جهان اسکی بادبانی، این ورزش
نوبا را حتی از سکس هم برتر میدانند، زیرا
گفته است:
«سکس به انسان فقط یک چیز میدهد
ولی اسکی بادبانی همه چیز!»





رکورد دو... ۳ متر در هم شکست

رکورد سابق که ۸ دقیقه و ۵۲/۸ ثانیه بود به (لودمیلا برازینا) دونه روسی تعلق داشت. اما کرت آندرسن رکورد ۶ و ۴۶/۵ ثانیه، بهبود بخشید سایر رکوردهای گرت عبارتست از: ۸۰۰ دو متر ۲ دقیقه و ۲ ثانیه ۱۰۰۰ دو متر ۲ دقیقه و ۵ ثانیه ۲۰۰۰ دو متر ۲ دقیقه و ۲۲ ثانیه

در مسابقه‌های دو که چندین پیتس بین سه کشور سوئد، نروژ و آلمان شرقی در ورزشگاه (بیسلت) اوسلو (پایتخت نروژ) برگزار شد، گرت آندرسن ۲۱ ساله از نروژ رکورد جهانی دو ۳۰۰۰ متر بانوان را شکست.

احساس حقارت در سایه غول!

بشرطی که چشمش نزدیک ۲ متر و ۱۲ سانت است. طبیعی است که چنین شاخ شمشادی، میتواند کاملاً مسلط برسد که در ارتفاع ۳ متر و سانتی نصب شده بازی کند. به همین دلیل بود که ۵۴ گل از ۷۶ گل مسابقه توسط اولیانا بداخل سیدانداخته شد. دورقوب ایتالیائی او (نفرات مست چپ و سمت راست او در عکس) بعد از بازی گفتند: « در سایه او، بی اختیار احساس حقارت میکردیم »

در مسابقه بسکتبالی که اخیراً بین تیمهای بسکتبال بانوان ایتالیا و شوروی انجام گرفت، چشم دنیا به جمال یک غول روشن شد. این غول (اولیانا سیمولوا) عضو باشگاه (ریگا) بود. اولیانا ۲۳ ساله است، ۱۲۳ کیلو وزن دارد، پهنای شانه‌هاش ۵۲ سانتی متر، و طول قامتش-

۴۲ میلیون تومان حق مشت!

محمدعلی، وقتی برای مسابقه با جوباکتر انگلیسی به کوالالامپور رفت رجز خواند که « مطمئناً برجو پیروز خواهد شد، و بعد از آنجا نیکه دیگر رقبی برای خود سراغ ندارد، بعنوان قهرمان مشت زنی جهان، برای همیشه صحنه را ترک خواهد کرد »

ولی بعد از پیروزی، حرفش را پس گرفت، و اظهار داشت که حاضر است یک بار دگر با جوفریز دست و پنجه نرم کند، او صریحاً گفت که « بعد از (جو) سفید، اینک نوبت به (جو) سیاه رسیده است » بدنبال این دعوت، خبرنگاران در نیویورک به سراغ فریزر رفتند و نظرا و را خواستند. او گفت که از دعوت به مبارزه محمدعلی استقبال میکند و تصمیم دارد این بار او را برای همیشه ادب کند. جو گفت:

« من برای روپوشدن با محمدعلی دو شرط دارم. اول آنکه ۴۲ میلیون تومان



(حق مشت) بدمن بدهند، دوم اینکه مسابقه در (مدیسن اسکوایر سوی کلاب) برگزار گردد.

شرط آخر فریزر، کار را دشوار کرده است. چه همه میدانند که محمدعلی بخاطر قشیه مالیات حاضر نیست در آمریکا مسابقه بدهد!



فوتبال قهرمانی باشگاههای دسته یکم تهران

هر دو ناراحت

از نتیجه مساوی

باتک سپه (۱-۱)

فضل اله شیرخدا، محمود علی پور، بهروز بریانی (نیمه دوم محمد جاقندا)، مرتضی ارمیان حسین چهره، مهدی عددیان محسن جوادی (دقیقه ۵۵ غنی ماسوله)، بیلس کودیل، مهدی فاتح، قدرت خلقی و داود بخش

ذخیره‌ها: حسین مرادی، نصراله کلاتری محمدعلی متری
مری: باقر سبهباساری

افسر (۱-۱)

حسین قاضی شعار، مصطفی دولت خواه عباس سیب زاده، جمشید پدیرا، موسی نورعلی وند، مجید ششتری، فرهاد نوروزی (دقیقه ۸۷ عباس قاسمی)، فرهاد سلیمی، حسین کشییری، بهرادر سام کیش و نادر صبری.

ذخیره‌ها: امیر کشاورز، ابراهیم ایوبی، حسین آکبرزاده، حبیب باطنی
مری: مجید شاملو

بمه درصغه روبرو

گذشت و بدنبال آن بر روی توپی که از جبهه چپ بر روی دروازه شهربانی فرستاده شده بود اکبر کزازی توانست خوب عمل کند و توپ پس از رهایی از دست او جلو پای «داود تاجیکی» افتاد و او با ضربه‌یی توپ را درون دروازه تهران جوان نهاد.

نیمه دوم برای تیم شهربانی یک نیمه فوق درخشان بود در دقیقه ۷ محمدجباری از فاصله‌یی دور توپرا بدون دروازه تهران جوان کوید و بدنبال آن مجید شکرایی - که لحظاتی چند از ورودش بر زمین نگذشته بود با استفاده از موقعیتی که «فرکی» بوجود آورده بود کل پیروزی شهربانی را به ثمر رساند و چند دقیقه بعد نوبت خود «فرکی» بود که بهترین گل سابقه را با استفاده از ضربه کرنری که بر روی دروازه تهران جوان فرستاده شده بود سر ضرب بدون دروازه بکوبد.

سه گل حاصل یک نیمه بازی درخشان برای شهربانی بود در لحظات پایان سابقه اغلب تهران جوانی‌ها حمله میکردند اما این حلات هیچگاه تغییری در نتیجه سابقه نداد.

کلها: دقیقه ۰-۱ (دقیقه ۳۱) تاجیکی، ۱-۱ (دقیقه ۵۷) محمد جباری ۱-۲ (دقیقه ۶۳) مجید شکرایی ۱-۳ (دقیقه ۶۹) **یدالله فرکی**

داور: مرتضی رحمانیان با کمک اصغر صدرا لاشراف و ایرج ثباتی. بازیکنان اخطار گرفته: اسماعیل کشتیرانی و محمد شهیدی.

نه تهران جوان سزاوار چنین شکست بزرگی بود و نه شهربانی برای این پیروی تدارک و قدرت کافی داشت. اما وقتی هیچ چیز بر مبنای نقشه و کار حساب شده نباشد سیر حوادث میتواند سه گل در دروازه تهران جوان جای دهد.

شهربانی با وجود شکست صفر بر یک در نیمه اول در دقیقه ۲۵ میتوانست صاحب پیروزی باشد. چون اسماعیل کشتیرانی (مهاجم نوک شهربانی) با پاس طلائی بهرام گلشنی را روانه دروازه ساخت و شوت سر ضرب او از بالای دروازه تهران جوان

سه گل در ۲۲ دقیقه!
تهران جوان (۱-۰)

ابولتاسم آینده کوشش (دقیقه ۷۲ داود گلکار)، بهزاد برجانی (دقیقه ۶۹ محمد استاد عظیم)، جعفر نوری، محمد شهیدی، نصراله سجادی، نوین فرجی، یداله نوری، منصور هاشمی زاده محمدرضا خالقی، داود تاجیکی و اکبر رزاقی (از دقیقه ۵۵ مرتضی پورقدم) ذخیره‌ها: فرهاد عباسی، حسام‌الدین فخرالسادات مری: جمشید وطن دوست

شهربانی (۰-۳)

اکبر کزازی، داود آذری، شهرام شیوعی، مصطفی درودیان، حسن بابائی، محمد جباری، محسن خاکیاز مقدم منصور زند مقدم (دقیقه ۸۵ محمد مرادی)، اسرافیل عزتی (دقیقه ۵۵ مجید شکرایی) اسماعیل کشتیرانی و بهرام گلشنی (نیمه دوم یدالله فرکی).

ذخیره‌ها: محمد تقی نادبی عطارضا خانی
مری: حسین لطفی

نیازمندیهایکشتیا

وام در سه دقیقه

روی سند اتومبیل، تلفن و ساختمان
لوری هزاری ۱۵ تومانی
۸۳۲۹۸۶ - ۸۳۰۸۵۲

اطلاعیه

کلاس کمک مهندسی
رادیو ، تلویزیون
برقی ، ترانزیستوری علمی و
علمی در لابراتوار مدرن و
تلویزیون گسترده با دو دستگاه
رادیو با مونتاژ مجانی
نقشه کشی

نقشه برداری
با کلیه نقشه ها و جزوات و
استفاده از دوربین های مجانی
منشیگری
ماشین نویسی
حسابداری

و دفترداری دوبل
تا اخذ گواهینامه فرا گرفته آماده
استخدام شوید (شاهرضا نزدیک
میدان فردوسی اول آیرانشهر)
آموزشگاه آفرین
تلفن ۸۲۴۲۷۲

وام

روی سند اتومبیل . تلفن

ملک
۷۵۷۵۳۵
۷۵۷۲۹۴

تلفن نیازمندیهای شما

۳۱۰۲۰۹

۶۰-۳۱۰۲۵۱ داخلی ۲۹۷

باسودبانکی

وام با اتومبیل، تلفن
و چک کارمندی

۷۶۳۸۴۰
۷۶۳۸۷۹

کلینر هوم سرویس

خنکسوزنی میل . فرس . سوکت
برده و داخل اتومبیل در محل
تلفنهای ۷۵۳۸۸۵ و
۷۶۹۹۰۳ - ۷۵۳۸۷۳

کرایه

اتومبیلهای لوکس کرایه
با راننده و بدون راننده
برای داخل و خارج تهران

۷۵۷۵۳۵
۷۵۷۲۹۴

۲۴ ساعته

اجاره و تعمیرات
۷۷۸۷۹۹
۷۷۹۱۱۸



گلهای دقیقه ۱. قدرت خلتی برای بانک سپه و دقیقه ۴ نادر صبری برای افسر

دور: هروس باغوبیان با کمک محمد اطهری و دستگرد.

په‌های سپهسالاری این بار هیچ چیز را به قضاوت نرسدند و از آغاز با قدرت و کوبنده جلوه کردند، افسوس که نتوانستند این آغاز خوب را همچنان ادامه دهند، بخصوص در نیمه دوم که تیم افسر ابتکار عمل را در تمام نقاط زمین در دست داشت. در دقیقه ۱ «قدرت خلتی» بر روی تویی که از جناح راست بانک سپه برای او فرستاده شده بود به تهاشی عمل کرد و پس از جاگذاشتن مدافعان افسر گل تیم خود را به ثمر رساند و در دقایق پایان نیمه اول نادر صبری مهاجم افسر هم از پاسی که مرتضی ارمیان برای او ساخته بود به گل تساوی دست یافت. نیمه دوم با برتری افسر همراه بود و در لحظات پایان دو تیم از نتیجه مساوی چندان ناراضی نظر نمی‌رسیدند.

اسیرت مغلوب دروازه بان خود شد

دژبان (۳) ۴

احمد حبیب قاسم سوخته زاده، حسن بشردوست، قاسم نوروزی، فریدون نبیری، منصور دادود، حسن صنایعی، محسن مصباح ذاکری (مسعود ده‌داری)، حسن آقابنک، داور وپسه، کاتلم مطهری (قاسم زیدان)، ذخیره‌ها: فخرال بهمن زاده، فریدون آزادی، بیژن تهرانی و محمد علی سپهسالاری. **سری: یوسف جوادی**

اسپریت (۱) ۱

ابرج افضلی، عزیز مراد صادقی، حسین شوشتری، فضل‌الله بهادری، قاسم مسابور، حمید تنجاسسی، مسعود شفیعی، جعفر زمانی (فرزعت‌الله بهادر)، رضاکنج پور (داود رضائیان)، علی کریم‌سوری و مسعود شاه‌مهدی. **ذخیره‌ها: علی اصغر عنایت، علیرضا فروهر سری: امیر آگاهی**

دور: محسن زمانسی بکنک صدرالاشرف و محمود خوشخوان گل‌ها: دقیقه ۱۲ کاتلم مطهری، دقیقه ۲۱ حسن آقابنک‌ها، دقیقه ۴ محسن مصباح ذاکری و دقیقه ۸ قاسم زیدان برای دژبان و دقیقه ۹ علی کریم‌سوری با ضربه پنهانی برای اسپریت.

این تنها دیدار باقی‌مانده از مسابقه‌های روز سوم دسته یکم بود. اشتباه دروازه‌بان اسپریت خیلی زود این تیم جوان را از کسب حقایق خود محروم ساخت، زیرا هنوز بازیکنان اسپریت در راه ارزیابی حرفی صاحب‌نام پورستاره خود بودند که دو گل یحیی روی اشتباه دروازه‌بان درون دروازه خود دیدند که در این میان یک گل زیبا

بیز توسط محسن مصباح ذاکری چاشنی پایان نیمه اول بود. جریان سه گل نیمه نخست کار اسپریت را در نیمه دوم سخت و ناسکن ساخته بود. دژبان در این نیمه اکثراً اسیر حرف جوان خود بود و عملاً به دفاع مطلق پرداخته بود، حاصل این دفاع یک پنالتی برای اسپریت بود که علی کریم سوری بطرز زیبایی این پنالتی را به ثمر رساند. در لحظات پایان مسابقه در یک ضدحمله توسط قاسم زیدان دروازه‌بان ذخیره اسپریت نیز تسلیم شد و مسابقه با نتیجه ۴-۱ بسود دژبان پایان یافت.

۵ گل، نتیجه بازی زیبای اقبال بود

اقبال (۳) ۵

اکبر سالکی - ابوالفتح داریان ۲، منوچهر سایوته ۵، اصغر یگانه‌طلب ۴، حسن یاریاد ۳ - ناصر خضربزین نژاد ۶ (از نیمه دوم گودرز حبیبی ۱۵) - منوچهر طاهرخانی ۷، حمید امینی‌خواه ۴ - محرم خداپنانه ۸ (از نیمه دوم حسین باباخانلو ۱۳)، محسن میری ۱۰، علی بشیری ۱۱ (حسین آشناسان از دقیقه ۷) و ذخیره‌ها: محمد صفاری، حسین آشناسان، گودرز حبیبی، حسین باباخانلو، رضا ماشاالله زاده

افسر (۱) ۰

حسین قاضی شعار ۱ - موسی پورعلیوند ۲ و سایر حبیب زاده ۲، جمشید پدرا ۲ (از نیمه دوم حبیب‌اله باطن ۲۲)، مصطفی دولت‌خواه ۲ - عباس قاسمی ۲۰، فرامرز سلیمی ۶، مجید مشتری ۵ - حسن کشمیری ۷، فرهاد نوروزی ۹، نادر صبری ۱۱ (از دقیقه ۴ مصطفی بیاتی) ذخیره‌ها: امیر کشاورزی، مصطفی بیاتی، حسن اکبرزاده، حبیب‌اله باطن، ابراهیم ایوبی.

گل‌ها: دقایق ۱۲، ۲۶ و ۷۵ توسط محسن میری. دقیقه ۸ و ۱۵ توسط محرم خداپنانه

داور: رشید حسن زاده با کمک محمود خوشخوان و حمید خوشخوان پنجشنبه ۲۶ تیرماه: ورزشگاه جنوبی راه‌آهن: یک بازی زیبا، خوش‌آهنگ از طرف اقبال در برابر افسر، پیروزی ۵ بر سفر را برای این تیم به ارمغان آورد.

اقبال این بار هم در غیبت دو مدافع ثابت خود یعنی منصور ضرابی و مهدی لوسانی، به دیدار افسر آمده بود. با این همکاری خوب و کار انفرادی تک‌تک یاران اقبال ۵ گل برای این تیم به ثمر رساند. سری افسر روز بعد از مسابقه علت

بخت خود را با مسومیت ۵ بازیکن خود توپه میکرد و معتقد بود که سستی بازیانش به خاطر مسومیت بوده است. با این از حق نباید گذشت که اقبال هم در این دو دیدار تیمی پرتحرک و خوش‌آهنگ بود. ۵ گل مسابقه را دو بار اقبال به ثمر رساند و این دو کسانی بودند که در خط حمله به بهترین صورت از کوشش خط میانی استفاده کردند و در تمام لحظات بسازی یاران افسر را مشهور بسازی خوب خود ساختند.

تلاش بی نتیجه تهران جوان در برابر برق

برق (۱) ۰

داود آقاعلی - پرویز نهانی ۶، علی کرد نوری ۴، حسین کاشمی ۵، محمد پنجعلی ۱۳ - احمد صفوی زاده ۹، محمد علی کتانی ۳ و عباس موسیوند ۸ - محمد رضا جشدی ۱۷ (از نیمه دوم غلام رضا بهران زاده ۷)، ابراهیم طهماسبی ۱۰ (از دقیقه ۶ محمود رحیمی ۱۶)، محمود نور ۱۱ (از دقیقه ۶ حسین ایلخانی ۲) ذخیره‌ها: ناصر خسرو کردی، مهدی ترابی.

تهران جوان (۱) ۰

داود گلکار، مرتضی پوراقدم ۳، نصرالله سجادی ۱۳، محمد شهیدی ۵، جعفر نوری ۱۴ - بدالله نوری ۱۷، یونس فرجی ۶، منصور هاشمی زاده ۹ - محمد رضا خانی ۶ (از دقیقه ۸ مسعود فکری ۲۱)، داود قاسمی ۸ (از دقیقه ۶ محمود سیمینی ۱۸)، اکبر رزائی ۱۱ (از دقیقه ۶۲ حسن نایب کرم ۷) ذخیره‌ها: آینه کوشش، بهزاد مرجانی.

سری: ناصر ابراهیمی

داور: گلکار، مرتضی پوراقدم ۳، نصرالله سجادی ۱۳، محمد شهیدی ۵، جعفر نوری ۱۴ - بدالله نوری ۱۷، یونس فرجی ۶، منصور هاشمی زاده ۹ - محمد رضا خانی ۶ (از دقیقه ۸ مسعود فکری ۲۱)، داود قاسمی ۸ (از دقیقه ۶ محمود سیمینی ۱۸)، اکبر رزائی ۱۱ (از دقیقه ۶۲ حسن نایب کرم ۷) ذخیره‌ها: آینه کوشش، بهزاد مرجانی.

سری: جمشید وطن دوست.

داور: ابرج ثباتی با کمک هروس باغوبیان و رشید حسن زاده. تماشاگر: حدود ۲ هزار تن

جمعه ۲۷ تیرماه - ورزشگاه جنوبی راه‌آهن: تهران جوان با شکست غیرمنتظره صفر بر ۳ تهران جوان با شکست غیرمنتظره صفر بر ۳ که در ده دقیقه آخر بازی برابر شهربانی برق، موسیقی خود را در جدول بهبود بخشید. اما دیدار سریع و پرتلاش این دو تیم بدون گل پایان یافت.

برق و تهران جوان هر دو بازی را سریع و با چهره‌ای جنگنده آغاز کردند ولی سرعت بازی موجب از بین رفتن دقت باران دو بازی شد و توپهای پشت و پا داخل محوطه‌های جریمه بی‌هدف و بدون کوشش دسته‌جمعی ضربه می‌خورد. هر دو تیم تلاش خود را بر اساس هجوم توسط گوش‌ها یا به زبانی می‌کردند که در این میان وجود دو پارپر تلاش در جهت راست تیم تهران جوان (مرتضی پوراقدم و بدالله نوری) هجوم جوان این جناح تهران جوان را تا کنار محوطه جریمه پیش می‌برد اما عدم وجود همکاری گروهی موجب از بین رفتن این

حالات می‌شد. هر دو تیم با کسی دقت بیشتر و با کسی هوشیاری، می‌توانستند به گل هانی بست بایند و با اینکه در نیمه دوم هم برق و هم تهران جوان هر سه بار خط حمله خود را تعویض کردند باز کاری از پیش نرفت و سرعت بیش از حد بازی موجب از بین رفتن هوشیاری دو تیم شد.

کیان در برابر سازمان آب تحرکی نداشت

سازمان آب (۱) ۰

عبدالله ابراهیمی - محمد رضا باقر و کار ۲۰، جلال بیوک ۷، یوسف افضلی ۱۵، حمید اسپنجی ۱۷ - رحیم پاکزاد ۲۲، رضا توحیدی ۲۱، پیرم نظریان ۶ - علی باوفا ۴، حسین علی‌هاشمی ۱۸ (از نیمه دوم چنگیز نجفی پور ۱۰)، محمد جواد - جواد ۶ (از نیمه دوم توحید ایزدپور ۳) ذخیره‌ها: محمود خاکباز مقدم، زاون اوهاییان و کیوریت وفاغی اول.

سری: صادقی

کیان (۱) ۰

حسن ذاکری ۲۱ - شکرالله میرزایی ۲، بدالله فتح الهی ۱۶، مرتضی ایزدپور ۲، قاسم ارم ۸ - علی رشیدی ۶، حسین حسینی ۹ (از دقیقه ۲۰ حسین کبیری ۱۵)، خلیل اصغر پور ۷ (از ۵ بدالله خاکباز - مقدم ۱۲) - سیروس خوش‌دژم ۱۱، گورکن اسرانیلیان ۱۰، بهمن تقوی ۱۰ ذخیره‌ها: حسن آشتیجان، حسن روزبهانی محمد جواد اصفهانی.

سری: اکبر خشکیاری

گل: دقیقه ۶ توسط محمد رضا باقر کار

داور: محمد اطهری با کمک خسرو رجعیلیان و کمال سراجیان. بازیکن اختطاری: یوسف افضلی از سازمان آب و علی رشیدی از کیان. تماشاگر: حدود ۲۰۰ تن

جمعه ۲۷ تیرماه - ورزشگاه جنوبی راه‌آهن: در هفته چهارم دیدارها کیان ۱، ۳ امتیاز و سازمان آب با ۲ امتیاز از ۳ بازی، به دیدار یکدیگر رفتند. این دیدار که بازی اول در پیروزی بود، با آهنگی خوش و با قدرت متعادل دو تیم آغاز شد. کیان در این دیدار چنان سست و بی‌سبب بازی کرد که انگار تیم صدرنشین جدول است. اولین تعویض کیان اواسط نیمه اول صورت گرفت که با ورود حسین کبیری تیم تغییر آرایش داد و کبیری به خط حمله پیوست و خوش رزم نیز از گوش راست به خط میانی پیوست. این تغییر آرایش با توجه با سرعت و جنگندگی حسین کبیری، با تهاشی تیم را به کار بیشتر واداشت. اما قدرت بندی مهاجمان سازمان آب و برتری آنها نسبت به مدافعان پراشتباه کیان، به این تیم اجازه نمیداد که فقط به حمله فکر کند.

بقیه از صفحه پیش

در نتیجه در این دیدار از تحرك سابق تیم کبک خبری نبود. البته در این میان کم کاری خط میانی و عدم همکاری اش با خط حمله و دفاع نوبدی بر علت بود. نتیجه نیمه اول بدن گل بود و نیمه دوم هم مانند نیمه اول بازی در حد متعادل ادامه یافت تا اینکه تنها گل سابقه در دقیقه ۵۴ به ثمر رسید. گل را ابازپور با پاس بلند خود پایه بریزی کسرد توپ پاس شده با ضربه سر محمد رضا با زو کار وارد دروازه کیان شد.

این گل انگیزه بی شد برای بیداری کیان و محافظه کاری سازمان آب. کیان با تلاش بیشتر از قبل، سعی در بست آوردن دست کم نتیجه مساوی داشت و سازمان آب با پاس های عرضی بی کوشید بازی را آرام نماید و نتیجه را حفظ کند. آهنگ بازی می رفت خشونت را موجب شود که هوشیاری در دور دو اخطار به موقع و لازم او بازی را در روال غاری خود حفظ کرد و کوشش های بعدی کیان کاری از پیش نبرد. به اضافه اینکه اگر تیز چنگی دروازه مان کیان نبود، این تیم دو گل دیگر را هم در کبسه خود می دید.

جنجال در دیدار شهباز - شهر بانی

شهر بانی (۱۰)

اکبر کزازی، مصطفی درودیان، شهرام شیوعی، داود آذری، حسن بابائی - محسن خاکباز پور، محمدجباری، مجید شکری - بهرام گلشنی، (از ۲) ناصر آقا پور، حسین ملایده فرکی، منصور زنده مقدم، (از نیم دوم اسرافیل عزتی، عباس مال جو مرادی، حسین لطفی

شهباز (۲)

ناصر وثوق، علی محمد نیوسانی، اکبر محمدی، (از دقیقه ۸۰ عبدالوهاب صالح، (۱۹) نصرانه عبداللهی، بیژن ارشدی، حمید اخلاقی، مرتضی میر مقدم، (از دقیقه ۷۰ محمد رضا اسدی، (۲) محراب شاهرضی، (۵) قاسم شبانکاره، (از دقیقه ۷۵ غلامرضا شکاری، (۱۴) علی مناجاتی، مصطفی صدری، (۱۱) ذخیره ها: منصور راد، فرهاد جلالی. شهباز: شهباز شاهرخی گل ها: دقیقه ۳۱ توسط شبانکاره و دقیقه ۸۵ توسط مصطفی صدری برای شهباز.

دقیقه ۴۴ توسط ملایده فرکی برای شهبانی.

داور: جمشید اخباری با کمک محمد اطری و اصغر صدرالاشرف. بازیکن اخطاری: مصطفی درودیان از شهبانی. اسدی و نریموسانی از شهباز. بازیکن اخراجی: شهرام شیوعی از شهبانی تماشاگر: حدود ۵۰۰ تن.

پنجشنبه ۴ تیر ماه ورزشگاه جنوبی راه آهن: بی توجهی به برخی نکات در انتخاب داور مسابقات، گاه موجب بروز مشکلاتی در برگزاری مسابقه ها شده است و این مشکلات در دیدار شهباز و شهبانی هم به دلیل داور جمشید اخباری، بوجود آمد.

قبل از شروع مسابقه با ورود اخباری به زمین فضائی غیر عادی بر زمین حکم فرما شد. زیرا تمام دست اندر کاران فوتبال اخباری را به عنوان «کامپانی» می شناسند که این بار داور در دیدار شهباز را بعد از داشت. اما جنجال این دیدار قبل از آنکه به مغرض بودن یا نبودن داور مربوط باشد به ضعف بی توجهی او به رعایت اصول مسابقه ها مربوط می شود.

جنجال را بی توجهی داور به اعتراض بی ادبانه مربی و کاپیتان تیم شهباز به اعلام یک اوت پایه بریزی کرد و بی تفاوتی داوران نسبت به اعتراض های متعدد مهرباب شاهرخی، به این بازیکن جرات داده که در آغاز هر دیدار با اعتراض های بی دردی، داور و کمکها را تحت تأثیر قرار دهد.

شهباز در شرایطی به دیدار شهبانی رفت که با امتیاز از سه بازی صدر نشینی جدول امتیازها بود و با پیروزی خود همچنان در صدر باقی ماند. شهبانی در برابر شهباز، آفساید گیری را شیوه دفاعی خود ساخته بود ولی در مجموع چهره دفاعی نداشت. هر چند که موقعیت های خود را - که در دنبال حملات خوب خود انجام میداد در مقابل دفاع نه چندان قوی شهباز از دست میداد و اگر هوشیارانه عمل می کرد، می توانست از اشتباهات اکبر محمدی و نریموسانی (دو دفاع راست شهباز بهره گیرد و به گل های بیشتر دست یابد. همچنان که در دقیقه اول نیمه دوم اسرافیل عزتی با استفاده از اشتباه و سستی اکبر محمدی، توپ را زد و دید و پاس او به ملایده فرکی با خروج دروازه بان گل تساوی را برای شهبانی بوجود آورد.

گل اول مسابقه را شهباز به ثمر رساند این گل دقیقه ۳۱ بازی با ستر صدری از جناح چپ و با ضربه سر شبانکاره به نام شهباز ثبت شد. در نیمه دوم گل دقیقه نخست که به تساوی یک بر یک انجامید روحیه ای بود برای باران شهبانی و به همین دلیل توانستند اوایل نیمه دوم را در اختیار بگیرند و اگر شکری از بیوفعتی که با گل شدن از محمدی و نریموسانی (در دقیقه ۵۰) بست آورده بود استفاده کرد، گل دوم شهبانی دور از دسترس این تیم نبود شکری در حایکه تنها مقابل دروازه بان ایستاده بود، توپ را با شوتی بد از کنار دروازه عبور داد. جنجال دیدار دو تیم که قطع بازی را به مدت ۷ دقیقه موجب شد در دقیقه ۸۰ بازی بوجود آمد. این دقیقه ای بود که گل دوم شهباز در شرایط آفساید، به ثمر رسید توپ از جناح راست و از میان میدان به طرف چپ

پاس شد و صدری در شرایط آفساید توپ را با سر کنترل کرد و ضربه بعدیش وارد دروازه شد. بی توجهی داور به این آفساید باعث جنجال گردید تا جانی که بازیکنان شهبانی با در آوردن پیراهن خود راه رختکن را در پیش گرفتند و تنها هشدار ایرج چاوشی، سرپرست زمین به عواقب بعدی ترك مسابقه، بازیکنان را به زمین برگرداند.

آنچه ما را در پایان این جنجال به بی غرض بودن اخباری تا حدی مشکوک ساخت تعویض بازیکنان اخطاری بود. در مدت قطع بازی باران شهباز با خوردن بیخ و تماس با باران ذخیره مقررات را نقض کردند و داور دو اخطار برای نصرانه عبداللهی و نریموسانی نشان داد. اما در گزارش خود اخطار عبداللهی را

کلاس مربیگری فوتبال که قرار بود از روز دوم مرداد در مشهد تشکیل شود به روز یازدهم مرداد موکول شد. در این کلاس شصت مربی تهرانی و شهرنشین دوره خواهند دید. سرپرستی این کلاس را فرنگ اوفارل مربی نیم ملی بعدی دارد.

خانربان بر خطیبی پیروز شد

در مسابقه دوستانه تنیس که بمناسبت افتتاح زمین تنیس شرکت صنایع الکترونیک ایران انجام شد. شاهین خانربان مربی شرکت طی یک ست ۴ بر ۳ بر مجید خطیبی بازیکن ملی پوش پیروز شد.

مسابقات بسکتبال باشگاه های تهران آغاز می شود

مسابقات بسکتبال رده بندی باشگاه های دختران و پسران تهران از هفته اول مردادماه آینده در تالارهای سروپوشیده محمدرضا شاه پهلوی ورزشگاه فتح آغاز خواهند شد. در این مسابقات ۳۳ تیم در قسمت پسران و ۱۱ تیم در قسمت دختران شرکت کرده اند که مراسم قرعه کشی آن روز چهارم مرداد در فدراسیون بسکتبال انجام خواهد شد.

تسلیمت بهمکار

هفته گذشته دوست و همکار ما حسین آل ابراهیم در روزنامه کیهان شوهر خواهرش را از دست داد. بدینوسیله مصیبت وارده را به تمام خانواده های عزادار مخصوصاً حسین آل ابراهیم تسلیم می کنیم.

هیئت تحریریه کیهان ورزشی

آقای غلامرضا کرمضتیم و زنه برداری خوزستان در سوگ وارده خود راهم میدانیم

هوشنگ کجی - مصطفی حکمت پور - غلامعلی نیاکان

ذکر نکرد و به جای آن نام اسدی را به عنوان گریه انگار گزارش داد و با توجه به اینکه عبداللهی یک اخطار هم در بازی های قبل داشت، حذف نام او موجب تردید در مغرض نبودن داور شد. برنامهد دیدارهای دسته یکم

باشگاه های تهران

در دنباله دیدار های هفته چهارم مسابقه های فوتبال قهرمانی دسته یکم باشگاه های تهران، این دیدارها انجام میشود: شنبه ۲۸ تیرماه (در زمین جنوبی راه آهن) ساعت ۴ بعد از ظهر بانک سپه با اسپرت ساعت ۴ بعد از ظهر: نفت تهران با بوتان دوشنبه ۳۰ تیرماه (در زمین شماره ۲ امجدیه ساعت ۴ بعد از ظهر در زبان با ایرانا.

پیروزی بسکتبال چین بر انگلستان

شانگهای - تیم ملی بسکتبال انگلستان در چهارمین بازی دوستانه اش در چین ۷۴ بر ۸۰ مغلوب تیم ایالت شانگهای شد. در این مسابقه مهاجم انگلیسی ها بعد از عقب ماندگی ناچیز ۵ بر ۵، توانستند در نیمه دوم پیش اتند و مسابقه را ۴۰ بر ۴۰ کنند، اما در شش دقیقه آخر داور چینی با گرفتن ده پرتاب بسود چینی ها امید پیروزی را از آنان گرفت و سرانجام پیروزی با چینی ها شد.

تیمهای شرق آسیا به مرحله نیمه نهائی صعود کردند

لاگوس (نجریه) مسابقه های تنیس روی میز کشورهای آسیایی و آفریقایی، آمریکای جنوبی - که با شرکت تیمهای ۷ کشور آغاز شده است - مرحله مقدماتی خود را پشت سر گذاشت و در نتیجه تیمهای دختران و پسران ژاپن، جمهوری خلق چین، جمهوری دموکراتیک خلق کره و کره جنوبی به مرحله مقدماتی، قهرمانان ژاپنی بازیهای دلدیزر انجام دادند و تیم مردان این کشور بعد از پیروزی بر تیمهای مصر و توگو، در روز با نتیجه ۵ بر یک تیم نجریه (میزبان) را شکست داد و تیم زنان این کشور به دنبال غلبه بر تیمهای کلمبیا، مصر و کوبا به نیمه نهایی رفت.

تسلیمت بهمکار

هفته گذشته دوست و همکار ما حسین آل ابراهیم در روزنامه کیهان شوهر خواهرش را از دست داد. بدینوسیله مصیبت وارده را به تمام خانواده های عزادار مخصوصاً حسین آل ابراهیم تسلیم می کنیم.

هیئت تحریریه کیهان ورزشی

آقای غلامرضا کرمضتیم و زنه برداری خوزستان در سوگ وارده خود راهم میدانیم

هوشنگ کجی - مصطفی حکمت پور - غلامعلی نیاکان



رقابت هزاران دانش آموز ورزشکار، گرمی همیشگی راندارد!

وزارت آموزش و پرورش مسأله پرورش رافراموش کرده است!

تیمهای تهرانی پشت هم شکست میخورند

بیست و یکمین دوره مسابقه های والیبال ، هندبال ، تنیس روی میز و دوچرخه سواری آموزشگاه های ایران از هفته گذشته در تهران آغاز شد.

در این مسابقات ۱۲۰۰ دختر و پسر دانش آموز از سراسر ایران شرکت کرده اند تا ضمن رقابت و مسابقات ورزشی ، برجسته ترین قهرمانان مدارس ایران را در هر رشته از میان خود برگزینند.

این مسابقات قبلاً قرار بود در تبریز انجام شود اما چون این شهرستان آمادگی لازم برای برگزاری مسابقات و میزبانی ۱۲۰۰ ورزشکار دختر و پسر نداشت ، مسابقات به تهران منتقل گردید.

مسابقات اسسال در سطحی با نین تر از دوره های گذشته برگزار می شود و چنین بنظر می رسد که تیمها نسبت به سابق نه تنها پیشرفتی نداشته اند ، بلکه ضعیف تر هم شده اند. این نزول در قسمت دختران بیشتر بچشم می خورد به گونه ای که نگاه مسابقات آنان حتی شکل ظاهری خود را نیز از دست میدهد و بصورت کمدی برگزار می شود. این نکته بی است که در مسابقات کرمان نیز به کرات مشاهده شده و خبرنگاران محلی ما در گزارشهای روزانه خود بارها از آن یاد کرده اند.

این قریب و گسترده که تقریباً دانشگاه سراسر ایران در سطح آموزشگاهی است ، نتیجه بی تفاوتی و کم توجهی مسئولان نسبت به ورزش مدارس ایران است.

ما در ایران هزاران کودک کستان ، دبستان و دبیرستان داریم که اغلب آنان فاقد امکانات ورزشی حتی در سطح بسیار ابتدایی هستند. در همین تهران چهار میلیون نفری که بنظر شهرستانها از همه گونه امکانات ورزشی بی نیاز میباشند برای دهها هزار جوان و نوجوان دانش آموز تنها دو یا سه زمین فوتبال و چهار تا پنج تالار سرپوشیده والیبال و بسکتبال داریم که تازه برخی از آنها هم در تابستانها به خاطر گرمای شدید و مجبزه نبودن به وسایل خنک کننده و در زمستانها به سبب سرما و نداشتن درویکر حسابی ، قابل استفاده نیست.

ما در ایران نزدیک به ۷ میلیون محصل داریم که مقایسه آن با معلمان ورزش موجود باعث حیرت و تعجب خواهد شد زیرا که در اینصورت خواهیم دید در مقابل هر یک هزار دانش آموز حتی یک معلم ورزش هم در اختیار نداریم.

با توجه به این واقعیات و با در نظر گرفتن گرفتاریهای دیگری که در راه ورزش مدارس وجود دارد ، هرگز نمیتوان بیش از این از جوانان خود و همچنین مسئولان ورزش مدارس انتظار داشت.

گذشته نشان داده است که وزارت آموزش و پرورش برخلاف عنوانی که با خود پدک می کشد ، هیچگاه به فکر پرورش جوانان و نوجوانان در زمینه فعالیت های ورزشی نبوده است و دلیل آشکار و انکار ناپذیر آن ، همین کمبود امکانات اولیه ورزشی است که نیاز بدان سالهاست احساس می شود و متأسفانه هیچگونه اقدامی برای برطرف ساختن آن صورت نگرفته است.

بعقیده ما وزارت آموزش و پرورش باید به همان اندازه که برای آموزش دانش آموزان اهمیت قائل است به مسأله پرورش آنان نیز توجه داشته باشد. و بهمان گونه که شاهنشاه آریامهر همواره در بیانات خود نسبت به مسأله نوجوانان و دانش آموزان تأکید فرموده اند زیربنای ورزش ایران باید در دست آنها و دبیرستانها با یام گذاری شود و این میسر نیست مگر در سایه امکانات و علاقه مندی مسئولان مربوطه. رسیدن به این هدف احتیاج به همت ، از خود گذشتگی و برنامه ریزی صحیح دارد و هیچگونه غفلتی در این راه جایز نیست.

در میان چهار رشته مسابقه ای که در تهران برگزار می شود ، مسابقات والیبال از شور و هیجان بیشتری برخوردار است در این رشته ۲۵ تیم دختر و ۲۵ تیم پسر شرکت دارند که در گروه دختران : تیمهای چهارم حال بختیاری ، مازندران ، استان سرکز ، تهران و در گروه پسران : تهران ، استان سرکز ، تبریز ، خوزستان ، خراسان و همدان شرایطی بهتر از دیگر حریفان دارند.

پیروزی تیم والیبال تبریز بر تهران در مرحله مقدماتی ، شکست تیم دوچرخه سواری تهران در مسابقه ۲ کیلومتر تا تیم تبریل ، پیروزی نهایی دختران و پسران خراسان در مسابقات تنیس روی میز و بالاخره شکست تیم هندبال پسران تهران در مبارزه با تیم بقیه در صفحه ۴۸

دبستاندیشوند. قهرمانان از چپ به راست عبارتند از : ناصر نیک اختر ، فریبا قوام زاده ، کمال الدین غراب ، خدیجه وحدانی ، محسن سیکارچی و آسانه قوام نصیری.

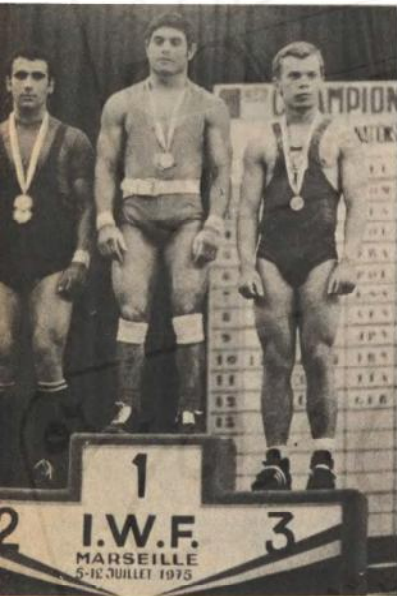


ذیدار تیم های والیبال تهران و استان سرکز از حساسیت فوق العاده ای برخوردار بود. در عکس یکی از بازیکنان تیم تهران را می بینید که با وجود مزاحمت دفاع حریف ، توپ را به زمین تیم مقابل فرستاده است.

دراولین دوره مسابقات وزنه برداری جوانان جهان

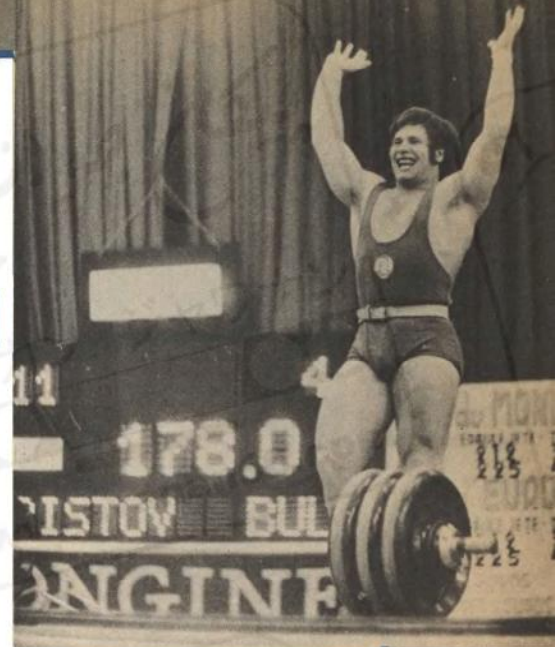
۳ ر کورد جهانی، ۱۸ ر کورد جوانان جهان و ۲۰ ر کورد جوانان اروپا شکسته شد

خریستوف بلغاری، ستاره مسابقات، بارر کورد های جهان را فرو ریخت



از ه وزنه بردار شرکت کننده دراولین دوره مسابقات وزنه برداری قهرمان جوانان ایران، تنها احمد رستگار وزنه بردار پروزن تبریز موفق شد از سد مستحکم وزنه برداران کشورهای شرق اروپا بگذرد و برنده مدال نقره شود. در عکس برنده گان مدال قهرمانی حرکت بکضرب را در دسته ۵۰ کیلو می بینید: از چپ به راست: احمد رستگار رضایی از ایران برنده مدال نقره، مدیسیش از بلغارستان برنده مدال طلا و سیوداز از لهستان برنده مدال برنز.

وزنه بردار تبریز بر سکوی افتخار



فریاد پیروزی

والتین خریستوف وزن بردار ۱۰ ساله بلغاری رکورد دار جدید جهان در دسته سنگین وزن، در مسابقات جهانی جوانان جهان ۱۹۷۵ با بلند کردن ۱۷۸ کیلو در حرکت بکضرب، نیم کیلو رکورد جهان را در هم شکست و بر بقای نام پرووشین

وزنه بردار معروف شوروی قهرمان سابق جهان در جدول رکورد داران جهان خط زد. در عکس خریستوف جوان را که از پیروزی خود بسیار خوشحال می نماید می بینید. خریستوف طی دو ساعت از بکشب ۱۲ بار رکورد های جهان، جوانان جهان و جوانان اروپا را در هم شکست!

از هنریک تمرز

بنامیم او را وزنه بردار ماه انتخاب کنیم اگرچه دیگر وزنه برداران شوروی و بلغارستان مانند شاری، آکسیف و یلاچکوف در مسابقات داخلی و مسابقات دو جانبه رکورد های بسیاری فروریخته اند. آنچه مسلم است تمام نمایشهای وزنه برداری اوانیت می کنند که هنوز خیلی جا دارد پیشرفت کند خریستوف برای اینکه کاملاً در خدمت تیم باشد حرکات اول خود را از وزنه های که برای نیروی لایزال او تقریباً هیچ بود. شروع میکرد وزنه ۱۵۲/۵۰۰ کیلو در حرکت بکضرب برای وزنه برداری که خاتمه کارش روی صحنه رقم ۱۷۸ کیلو را نشان میدهد هیچ است اما حرف شنوایی سر بزیری که در قیافه محبوب او کاملاً پیدا بود موجب آن شد حرکت بکضرب خود را از ۱۵۲/۵۰۰ کیلو شروع بکند و بعد بترتیب ۱۶۲/۵۰۰ و ۱۷۵ کیلو را زد و در نوبت چهارم، خارج از مسابقه برای شکستن رکورد جهانی کهنسالان و جوانان که بترتیب ۱۷۵/۵۰۰ و ۱۷۵ کیلو بود، نتایج ۱۷۸ کیلو را کرد. خریستوف — که تا آن لحظه کاملاً بر صحنه مسلط شده بود — بسیار ساده اما با قدمهای محکم روی صحنه ظاهر شد و یک راست بسوی وزنه آمد و با یک حرکت آبی و تکنیکی جانب وزنه سنگین را بالای سر بیرواز درآورد. روش خوبی مبارزهجویی و بدنی خوشتر کسب و همچنین جنگ آوری او — که در لحظه بلند کردن وزنه بنمایش درمیآید — نشان میدهد که او براحتی تا ۱۹۰ کیلو هم میتواند پیشرفت بکند و هیچ بعد نیست روز روزگاری ۲۰۰ کیلو را هم بلند کند!

توفان رکورد شکنی در دوضرب

در حرکت دوضرب نیز او با بلند کردن ۲۰۰ کیلو در آس ده وزنه بردار شرکت کننده در دسته ۱۱۰ کیلو قرار گرفت و اولین مدال طلای قهرمانی جوانان جهان را بخود اختصاص داد. در حالیکه دو رکورد جهانی و اروپا را در دسته جوانان و کهنسالان در دست داشت. آسادی خوب وزنه بردار ۱۰ ساله بلغاری — که

همانطور که گشایش مسابقات بارزه ورزشکاران ۳۸ کشور و سخنرانها و نمایش جالب توجه دخترکان زیبا و هنرمند فرانسوی آغاز شده بود، پایان آن هم همان ترتیب بود بجز اینکه رژه توسط کشورهای که تا آن لحظه در مراسمی باقی نمانده بودند و در وزن های سنگین شرکت کننده داشتند انجام شد. طی جشنها اظهار میشد که نتایج ورزشکاران جوان نوعی تجلی دوستی و شناخت فوق ستارگان برای آینده بحساب میآید و این اظهارات را احساسات پر شور تماشاگران بسیار جوان که در میان آنها بچه های کوچک نیز دیده میشد تأیید میکرد. داوهارآره خود را بر اساس مقررات بین المللی میدادند و بسیاری از مردم هنگام موقت با عدم موفقیت ورزشکاری که با پولاد می جنگید احساسات عمیق نشان میدادند. مسابقه ها در تالار سر پوشیده بسکتبال مجتمع ورزشی «وال بر» برگزار میشد.

با اینکه در این مسابقه ۳ رکورد جهان، ۱۸ رکورد جوانان و ۲۰ رکورد جوانان اروپا شکسته شد و کشورهای شوروی، بلغارستان و لهستان چهره های جدید معرفی کردند، اما بنظر من بسیاری از تماشاگران و اهله فن ستاره مسابقه ها و التین خریستوف رقابتنا پذیر بود. این وزنه بردار ۱۰ ساله بلغاری در آن واحد شش رکورد جهان و اروپا را در دسته جوانان و کهنسالان در هم شکست! این جوان اول مسابقه ها بدون اینکه با اصطلاح ترکه های آذری روی صحنه «قمیش» بیاید، بی تکلف و بسیار ساده روی صحنه ظاهر میشد و وزنه های را که برایش در نظر گرفته شده بود بدون هیچ فشاری بالای سر برد و تنها در دومورد چهره او روی صحنه فشرده و در هم شد و آن هنگامی بود که مسخو است دو وزنه ۱۷۸ کیلو بکضرب و ۲۰۰ کیلو دوضرب را برای شکستن رکورد های جهان بلند بکند. بدون اغراق نمایش حرکات او در وزن خودش درجه یک است و بهتر است این ماه را ماه «خریستوف»

ستوله شانزدهم مارس ۱۹۷۵ است — او را بر آن داشت که وزنه های سنگین تر دیگری را هم آزمایش کند. با این امید در حرکت دوم دوضرب تقاضای ۲۲۰ کیلو کرد، این وزنه از سینه او لغزید. اما ناامید نشد و تقاضای وزنه ۲۳۰ کیلو کرد. نبرد او با این وزنه و العاً خارق العاده بود. هنگام وزنه برداری او، سمود برومند رئیس فدراسیون وزنه برداری و فونتانلیست مشهور سابق ایران را دیدم که با حالت عصبی به صحنه نگاه میکرد. وقتی مسابقه تمام شد از او سؤال کردم: «در آن لحظه بی که وزنه بردار بلغاری مسخو است وزنه ۲۳۰ کیلو را بلند بسکند چه احساسی داشتید؟» او در جواب گفت: «احساس بخصوصی نداشتم اما و العاً سهوت و استعیر شده بودم» و این کاملاً صحیح بود زیرا تمام تماشاگران و حتی کسانی که سالهاست شاهد فروریختن رکورد — های معیر العقول بوده اند، سهوت و حیرت زده بودند.»

این اصلا غیر قابل تصور است که وزنه برداری ۱۰ ساله در آن واحد شش بار رکورد های جهانی را در یک مسابقه بدین سادگی فروریزد. همچنان انگیزترین صحنه، گریه شدید ناشی از خوشحالی این وزنه بردار کوه پیکر بود که بعد از هر رکورد شکنی تکرار میشد و او را در دنیا جای میداد. بهر حال پس از اینکه خریستوف وزنه ۲۳۰ کیلو را بلند کرد و ۲۵۰ کیلو رکورد کهنسالان و ۵ کیلو رکورد جوانان جهان را شکست، در مجموع نیز با بلند کردن ۵۰۰ کیلو، ۲۵۰ کیلو رکورد جوانان و کهنسالان جهان را — که متعلق بخودش بود — ترفی داد. او پس از فتح مسابقه دسته ۱۱۰ کیلو و بطور کلی مسابقه های جوانان جهان، ۱۵ دقیقه در رختکن گریست و وقتیکه با ابراز احساسات تماشاگران روی سکوی قهرمانی صعود کرد. چشمهای سرخ و هنوز تری بود.

سپهبد حجت در مصاحبه مطبوعاتی:

بقیه از صفحه ۳

فضای خوشترنگ میدهم. به مهندس بهزادی صریحاً گفتم: «با من شوخی نکن، ماهی ۴ هزار تومان پول میگیری باید کارت را بکنی وگرنه بموجب قرار داد از تو و شرکت خلع بدیمکنم.»

«چمن زمین فوتبال ورزشگاه را بعنوان یک چمن در سطح عالی جهانی به سازمان تربیت بدنی تحویل داده و گفته بودند که مطابق آخرین اصول پیشرفته ژه کشی شده، اما دیدیم که بویژه بعد از بازیهای آسیایی این چمن مرتب رو به نابودی رفت بطوریکه برای روز رستایخ ما مجبور شدیم روی قسمتهایی از آن بذر دستی بپاشیم که لطف سبز نشان بدهد. بعد بررسی کردیم و بر اثر دقت زیاد متوجه شدیم که شرکت سازنده این زمین نه لطف چمن در سطح عالی عرضه نکرده بلکه اساساً زیر آنرا ژه کشی نکرده است! حالا چرا در زمانی که این ورزشگاه ساخته میشد، به این نکات توجه نشده و نظارت در آن وجود نداشته آن مسئله دگرگشت که وارد آن نمیشویم. بهر حال بقیه شرکت مقاطعه کار را محکم گرفتیم که بیاید و مطابق نقشه بی و طرحی که برای آن قرار داد بسته زیر زمین چمن را ژه کشی کند اما این کار ششماه وقت میخواهد و ما بازیهای جام ایران را در پیش داشتیم. از مهندس بهزادی خواستیم که یک چمن برای سه چهار ماهه درست کند که بازیهای جام ایران و ملیستانی انتخابی المپیک را برگذار کنیم و بعد کار اساسی را بعد از جشن چهارم آبان شروع کنیم.»

مهندس بهزادی رفت یک انگلیسی آورد که مسئول فضای سبز و زمین چمن ورزشگاه ویمیلی لندن است و او که خبر نداشت زیر زمین ژه کشی نشده، وعده ایجاد چمن عالی با شکل مستطین داد. خیلی هم زحمت کشیدند و تمام خاک محوطه را عوض کردند و بذر پاشیدند و روزهای اول هم چمن عالی بود و من شخصاً بر آن نظارت میکردم تا آنکه چند روز پیش از شروع جام ایران یک روز که برای سرکشی رفتیم دیدیم که وسط یک لکه از چمن علاوه بر قدان و همانوق ششدار دادم که چمن از بین رفت و همانطور که دیدید همه چمن سوخت و شرکت مذکور را مجبور کردم که از قسمتهای دیگر چمن بیاورند و سطح زمین فوتبال را با آن بپوشانند. علت سوختن چمن علاوه بر قدان و ژه کشی زیر زمین و گرمای شدید هوا، اشتباهی بود که شرکت بر اثر شتابزدگی مرتکب شد و بهخاک تازه چمن یک کود قوی شیمیائی اضافه کرد که مخصوص گل است و برای چمن خیلی زیاد است.

بهر حال من از بازیهای شاهنشاهی در خواست کردم به این مسئله رسیدگی کنند و معلوم شد علاوه بر آن که زیر زمین را ژه کشی نکرده اند بلکه روی زمین هم چهل سانتی متر خاک رس ریخته و آنرا با ماشین های سنگین کوبیده اند که آب بهیچوجه از آن نفوذ نمیکند در نتیجه آب همیشه در سطح میایستاد و چمن را از میان میبرد چنانکه هر سوغق بارندگی میشد یک قشر ضخیم آب مثل دریاچه چمن را میگرفت. بهر حال شرکت موظف است بی آنکه دیناری از ما مطالبه کند با نظارت دقیق که شخصاً خواهم کرد این چمن را آنطور که در قرارداد ذکر شده مطابق بالاترین سطح تهیه کند و تحویل دهد. بنابراین خواهش نمودم از نظارت توجه کنید که ما چه گرفتاریهایی داریم و وقتان را برای چه سواری باید صرف کنیم و از طرف دیگری بنید که با نهایت شدت قضیه را تعقیب کرده ایم و به بهترین وجهی از حقوق ورزش ایران دفاع می کنیم.

پس از آن سپهبد حجت به سؤالات دیگر خبرنگاران پاسخ داد و از اقدامات عمرانی در تهران و شهرستانها سخن گفت که آنرا به شماره آینده می گذاریم.

کارنامه رکورد شکنی خریستوف

- * یکضرب جوانان جهان واروپا: ۱۷۸ کیلو رکورد سابق ۱۷۵ کیلومتعلق به خودش بود.
- * یکضرب کهنسالان جهان واروپا: ۱۷۸ کیلو - رکورد سابق ۱۷۷/۵۰۰ کیلومتعلق به پروشین از شوروی بود.
- * دوضرب جوانان جهان واروپا: ۲۳۰ کیلو - رکورد سابق ۲۲۵ کیلومتعلق به خودش بود.
- * دوضرب کهنسالان جهان واروپا: ۲۳۰ کیلو - رکورد سابق ۲۲۷/۵۰۰ کیلومتعلق به استونزن - از شوروی بود.
- * مجموع جوانان جهان واروپا: ۴۰۵ کیلو - رکورد سابق ۴۰۲/۵۰۰ کیلومتعلق به خودش بود.
- * مجموع کهنسالان جهان واروپا: ۴۰۵ کیلو رکورد سابق ۴۰۲/۵۰۰ کیلومتعلق به خودش بود. مدال نقره این مسابقه را واری سردو کوف دانسجوی تربیت بدنی مسکو چنگک آورد او که بسیار نیرومند می نمود ، در برابر درخشش عظیم وزنه بردار بلغاری اهمیت خود را از دست داد . در صورتیکه چنگ او با وزن بدن ۸۰/۵ کیلوگرم (۵۸ کیلو) باوزنه های ۱۶۰ کیلو در یکضرب و ۲ کیلو در دوضرب خوب بود . اگرچه در آخرین لحظات شکست خورد و با مجموع ۳۴۷/۵۰۰ کیلو یکبارش خاتمه داد . مدال برنز این وزن را یک بلغاری دیگر بنام داراندروف با مجموع ۳۳۰ کیلو مدال برنز گرفت او این مدال را آسان بدست نیاورد زیرا «فون کاره» از آلمان شرقی سخت او را تهدید میکرد و سرانجام پس از اینکه ۱۹۰ کیلو را از بالای سر انداخت، تن به مقام چهارمی داد.

بروزی بزرگ خریستوف عملاً تیم ملی وزنه برداری بلغارستان را با ۸۲ امتیاز بمقام قهرمانی رساند زیرا شورویها با ۹ وزنه بردار تا آن لحظه ۴۴ امتیاز بدست آورده بودند اما مدال های طلایی بلغاری یکی بیشتر از شورویها بودو این برتری بلغاری را نشان میداد در صورتیکه «داران داروف» وزنه بردار دیگر بلغاری (یعنی فرد نهم) هنوز برای گرفتن مدال برنز روی صحنه نبرد میکرد. در خاتمه کار این وزنه بردار، عملاً بلغارستان با ۳ امتیاز تیم نیرومند شوروی را شکست داد و مدعی بزرگ قهرمانی با همان ۸۳ امتیاز سوم شد و تیم لهستان با ۵ امتیاز بمقام سوم دست یافت.

رده بندی ملت ها:

- ۱- بلغارستان ۳۳ امتیاز ۲- شوروی ۸۳ امتیاز
- ۲- لهستان ۹۴ امتیاز ۳- آلمان شرقی ۳۳ امتیاز
- ۵- ژاپن ۲۲ امتیاز
- تیم ملی جوانان ایران با بدست آوردن ۱۴ امتیاز در میان ۳۸ کشور شرکت کننده با زده شد.

رده بندی اولین دوره مسابقات وزنه برداری جوانان جهان «مارسی» فرانسه

- ۵۲ کیلوگرم (شرکت کننده ۲۰ تن)
 - ۱- دانیل چنکوف شوروی ۲۰۵ (۱۱۵+۹۰)
 - ۲- سورین لهستان ۲۰۵ (۱۱۵+۹۰)
 - ۳- هورنیاک مجارستان ۲۰۲ (۱۱۵+۸۷/۵)
 - ۴- کویا یاشی ژاپن ۲۰۰ (۱۱۰+۹۰)
- ۵۵ کیلوگرم (شرکت کننده ۱۷ تن)
 - ۱- دیوین ژیک لهستان ۲۴۰ (۱۳۲/۵+۱۰۷/۵)
 - ۲- چپین شوروی ۲۲۷/۵ (۱۲۷/۵+۱۰۰)
 - ۳- ماریو بوس آلمان شرقی ۲۲۵ (۱۳۰+۹۵)
 - ۴- ماروینا ژاپن ۲۲۵ (۱۳۲/۵+۱۰۲/۵)
- ۶۰ کیلوگرم (شرکت کننده ۲۱ تن)
 - ۱- مدمیش بلغارستان ۲۴۷/۵ (۱۳۷/۵+۱۱۰)
 - ۲- ماریو بوس لهستان ۲۲۷/۵ (۱۴۰+۱۰۵)
 - ۳- بوتارومانی ۲۳۰ (۱۳۰+۱۰۰)
 - ۴- رستگار ایران ۲۲۷/۵ (۱۰۵+۱۲۲/۵)
 - ۵- ۷/۵ کیلوگرم (شرکت کننده ۳۴ نفر)
 - ۱- تاسکوف بلغارستان ۲۸۷/۵ (۱۶۲/۵+۱۲۵)

- ۲- آبیروزی آلمان غربی ۲۸۲/۵ (۱۶۰+۱۲۲/۵)
- ۳- تودوروف بلغارستان ۲۸۰ (۱۵۵+۱۲۵)
- ۴- وروتیا کوبا ۲۸۰ (۱۵۷/۵+۱۲۲/۵)
- ۷۵ کیلوگرم (شرکت کننده ۲۳ تن)
 - ۱- وارتانیا شوروی ۳۳۵ (۱۸۵+۱۴۰)
 - ۲- میتکوف بلغارستان ۳۳۰ (۱۷۷/۵+۱۳۲/۵)
 - ۳- دیل کوف بلغارستان ۳۰۰ (۱۶۵+۱۳۵)
 - ۴- سیویاک لهستان ۲۸۷/۵ (۱۶۲/۵+۱۲۵)
- ۸۲/۵۰۰ کیلوگرم شرکت کننده ۱۳ تن
 - ۱- یلی چووسکی بلغارستان ۳۳۰ (۱۸۵+۱۴۵)
 - ۲- بلاکوف بلغارستان ۳۲۷/۵۰۰ (۱۸۰+۱۴۷/۵)
 - ۳- ژوشین شوروی ۳۱۲/۵۰۰ (۱۷۲/۵+۱۴۰)
 - ۴- زازیویچ لهستان ۳۰۲/۵ (۱۶۷/۵+۱۳۵)
- ۹۰ کیلوگرم (شرکت کننده ۱۲ تن)
 - ۱- معیدالله اف شوروی ۳۵۰ (۱۹۲/۵+۱۵۷/۵)
 - ۲- هن نینگ آلمان شرقی ۳۳۰ (۱۸۲/۵+۱۳۷/۵)
 - ۳- شیزوف شوروی ۳۱۰ (۱۷۰+۱۴۰)
 - ۴- سولارچکسلاوا کی ۳۰۷/۵ (۱۶۷/۵+۱۴۰)
- ۱۱۰ کیلوگرم شرکت کننده ۱۰ تن
 - ۱- خریستوف بلغارستان ۳۴۵ (۲۳۰+۱۱۵)
 - ۲- سردو کوف شوروی ۳۴۷/۵ (۱۹۲/۵+۱۵۵)
 - ۳- داران داروف بلغارستان ۳۴۰ (۱۹۲/۵+۱۴۵)
 - ۴- فون کا آلمان شرقی ۳۳۷/۵ (۱۸۵+۱۵۲/۵)
- ۱۱۰ کیلوگرم (شرکت کننده ۳ تن)
 - ۱- اسکویوسکی لهستان ۳۵۷/۵ (۱۹۵+۱۶۲/۵)
 - ۲- ویت زک آلمان شرقی ۳۳۷/۵ (۲۰۵+۱۵۰)
 - ۳- ریگوت کانادا ۳۱۰ (۱۷۲/۵+۱۳۷/۵)

مدال نقره حسن رستگار در پر وزن، غرور آمیز بود

نمایش وزنه برداران جوان ایران تنها در دسته پر وزن موجب شد که ایران به یک مدال نقره دست یابد. حسن رستگار وزنه بردار ۹۰ کیلوگی تیریز در میان ۱۲ تن شرکت کننده از ۱۱ کشور با بلند کردن ۱۰۵ کیلو یکضرب نامش در جدول مدال بگیرها و نام او را در فرا گرفت و این اولین و آخرین مدال بود که وزنه برداران جوان ایران در نخستین مسابقه بین المللی و جهانی خود چنگک آوردند و این غروری است بسیار برای جوانان آذربایجان و مخصوص تیریز.

مدال طلای حرکت یکضرب را «ناسوف» همیشه سرباز وظیفه ۱۰ ساله بلغاری با بلند کردن ۱۱۰ کیلومال خود کرد. او در حرکت چهارم خارج از مسابقه برای شکستن رکورد اروپا و جهان ۱۱۰ کیلو را تا بالای سر همه بالا کشید. اما در آخرین لحظات آنرا از دست داد.

بطور کلی سطح رکوردها در اوزان سبک در سطح جهانی نبود. اما رقابت برای کسب مدال طلا بسیار فشرده بود و وزنه بردار ۹۰ کیلوگی بلغاری با بدن جالب و پولادین خود، زجر فراوان کشید تا در مجموع نیز بمدال طلا دست یافت زیرا «سیو» ۱۰۵ وزنه بردار ۲۰ ساله لهستان او را چون سایه تعقیب میکرد که سرانجام با اختلاف ۲/۵۰۰ کیلو به بلغاری باخت و دوم شد. مدمیش وزنه ۹۰/۵۰۰ کیلو را در حرکت دو ضرب برای شکستن رکورد اروپا روی سینه آورد اما موفق نشد بالا ببرد، رستگار که در حرکت دوضرب ضعیف بود با دوبار آزمایش ۱۲۰ کیلو را زد و بعد ۹۲/۵۰۰ کیلو را هم بلند کرد و با مجموع ۲۲۷/۵۰۰ کیلو کنار رفت در خاتمه کار پر وزن ها تنها سه وزنه بردار از رستگار بیشتر وزنه بلند کردند و وزنه بردار پر وزن ایران در مجموع به مقام چهارم دست یافت بوآ از رومانی با ۲۳۰ کیلو سوم شد.

در مسابقه های قهرمانی بسکتبال و فوتبال آموزشگاه های ایران در کرمان:

پیکار ۸۷۰ دانش آموز به هر حله نهای رسید

فوتبال خوزستان حذف شد

مسابقه های کرمان در کنار کیفیت خوب، اذیت کیفیت سخت فقیر است!

میدان های ورزش
جای بچه های
لوس و نتر نیست!

آزاد، زیر آفتاب سوزان تیر ماه کرمان انجام شد و این باعث دلخوری عده زیادی شده بود و حق هم داشتند.

کمیت مطلوب، کیفیت بد

حضور نزدیک به ۹۰۰ ورزشکار جوان آنهم فقط در ورشته ورزشی، بیش از هر چیز عطش شهروندی ها را بشارت در این گونه مسابقات نشان میدهد. اما در کنار این کمیت به ظاهر دلخوش کننده، باید از یک درد کهنه سخن میان آوریم و آن، ناهماهنگی قدرت تیمهای حاضر در این دوره بود و این عدم توازن بعدی بود که حتی دیدار تیمهای متوسط با ضعیف ها، بیشتر به زنگ تفریح شبیه بود و پس!

بطور مثال بسکتبال دختران بندرعباس را نمونه می آوریم که در دیدار با تیمهای استان مرکزی و گرگان نتوانست بازی را با خیر برساند و بسبب ضعف شدید تمامی باران این تیم از نظر فنی، در همان اوائل مسابقه با خط از زمین اخراج شدند و بازی نیمه تمام ماند! و دیدار تیمهای دختران اصفهان- زنجان را مثال میزنیم که آرزوی شمر سرانند حتی یک گل بدل زنجانی ها ماند و در عوض اصفهان ۰-۲ امتیاز کسب کرد و این بیش از آن که درخشش و قدرت تیمهای نظیر اصفهان را ثابت کند، گویای ضعف و خواب ورزش در زنجان و بندرعباس و امثال آنها را میسراند.

بی تفاوتی

از این مسائل نه بدگنیم یک مسئله مهم و در عین حال تاسف بار بنام «بی تفاوتی» برسخوریم. در روزگاری نه چندان دور، راه یافتن میدان مسابقات بزرگ نظیر قهرمانی ایران آرزوی هر ورزشکاری بود، اما امروز به کمال تاسف می بینیم که دیگر چنین نیست و آن گرمی گذشته، جای خود را به بی تفاوتی و سردی و سردی داده است. در غیر این صورت غیبت بزرگانی چون تهران، بندرعباس و کردستان، در فوتبال و دختران کرمانشاه، سمنان، کردستان، همدان و کهگیلویه در بسکتبال را بچه چیزی می توانیم تعبیر کنیم؟ وقتی علت این غیبت را میپرسیم، از هیچ نس جواب قانع کننده ای نمی شنویم. به همین سبب است که به مسئولان همدان میبدهیم، می بایست علت این بی حالی را جویا شوند و نگهدارنده سستی مسئول نشناخته ورزش، «بخطر دلایل غیر موجه از ابراز وجود و عرضه استعداد جوانان برومند و علاقه مند به ورزش در میدان هانی برپا چون قهرمانی ایران جلوگیری کنند.

ورزش، جای لوس ها نیست

... و اما از همه تاسف بارتر آنیکه شدید یکی از بازیکنان بسکتبال تهران که برای همه ناسی آشنا دارد- بسطولان گفته است که در صورتی به کرمان خواهد رفت که برایش هواپما بگیرند و در غیر اینصورت تیم را همراهی نخواهد کرد و به این حساب می خواسته است «ناز» کند! و ورزش هم جای «ناز کشیدن» از مشتکی مترسک و لوس

عکسها از: یداله سلطانی

گزارش از: مجتبی عمرانی

کرمان- بیست و یکمین دوره مسابقه های قهرمانی بسکتبال و فوتبال آموزشگاه های ایران- که از جمعه گذشته در شهر تاریخی کرمان آغاز شده بود وارد مرحله نهائی خود شد.

در این مسابقات جمعاً ۸۷۰ دختر و پسر منتخب از ۲ استان و فرمانداری کل کل با هم رقابت دارند.

در سالهای گذشته، مسابقات نهائی قهرمانی مدارس ایران در تمامی رشته ها همزمان در یک محل برگزار میشد و کثرت شرکت کننده بعدی بود که مسئله تامین غذا و جای این عده، همه ساله مسئولان را با مشکلات متعددی مواجه می ساخت. به همین سبب برنامه این مسابقات از پیش تغییر کرد. بدین صورت که ابتدا میان ورزشکاران هراسان یکدوره مسابقه انتخابی داخلی برگزار میشد و آنگاه قهرمانان منتخب چند استان مجاور برای راه یافتن مسابقه های قهرمانی ایران در پنج منطقه کشور، رو در روی هم قرار میگرفتند و تیمهای پیروز مناطق پنجگانه، بدیدارهای قهرمانی ایران راه می یافتند.

این برنامه صرف نظر از آنکه تاحدودی سختی مسئله تامین غذا و مکان را تقلیل داد یک عیب بزرگ داشت و آن عدم توازن میان تیمهای مناطق پنجگانه بود و به همین سبب بسیاری از تیمها در همان قدم اول از در می آمدند و راه یافتن مسابقه های قهرمانی ایران برای این عده، بصورت یک آرزوی محال درآمده بود!

بعنوان نمونه منطقه چهار و پنج را مثال می آوریم که قهرمانان فارس و تهران خیلی راحت تمامی عناوین قهرمانی را غارت میکردند و کمتر بخت خود نمائی به رقیب میدادند و قدر مسلم ادامه این وضع، به ناپودی ورزش در آموزشگاه های می انجامید و این، مسئولان ورزش آموزشگاهها را وادار کرد که با وجود مشکلات متعدد، دوباره همان شیوه سنتی را پیش گیرند. این دوره از مسابقه ها که حدود ۵ هزار دانش آموز دختر و پسر برگزیده آموزشگاه های سراسری ایران در آن شرکت داشتند- ابتدا قرار بود یکجا و همزمان در مجموعه مجهز و کامل آریامهر برگزار شود، ولی همزمانی با مسابقه های جام فوتبال ایران و اشکالات دیگر این برنامه را تغییر داد و بعد از بررسی بسیار، سرانجام کرمان تهران و کرمانشاه میزبانی مسابقه ها را تقبل کردند.

کمبود تالار سرپوشیده

میزبانی قهرمانان منتخب دو میدانی، شطرنج، بسکتبال و فوتبال این دوره بعهدہ کرمان گذاشته شده بود که دیدارهای ورزشکاران بسکتبال و فوتبال با سه روز تاخیر بعد از پایان مبارزه های داغ قهرمانان دوومیدانی و شطرنج در این شهر آغاز گردید و با وجود تمامی پیش بینی ها، اولین مسئله ای که در این دوره با آن روبرو شدیم، کمبود تالار سرپوشیده ورزشی در این شهر بود، زیرا تنها سالن سرپوشیده قابل توجه این شهر، ظرفیت انجام تمام مسابقات بسکتبال را نداشت و به همین سبب نمی از دیدارها در هوای

رقابت هزاران دانش آموز ورزشکار،

بقیه از صفحه ۵؛ گرمی همیشگی را ندارد!

خوزستان از جمله حوادث مهم و قابل ملاحظه مسابقات هفته گذشته بود.

هندبال تنها رشته ای است که، مبارزات گرمی را پشت سر می گذارد. این رشته که هنوز در ایران قاعد فدراسیون میباشد بعد از آنکه از سال ۱۳۴۷ به اینطرف در مسابقات آموزشگاهها گنجانیده شده، همه ساله علاقه مندان و طرفداران بیشتری پیدا کرد تا اینکه اسسال ۱۷۵ دختر از ۲ استان و فرمانداری کل و ۲۳۶ پسر از ۲ استان و فرمانداری کل در این مسابقات شرکت کردند.

در میان تیمهای شرکت کننده اصفهانها از قدرت و شایستگی بیشتری برخوردار هستند. بویژه در قسمت پسران که سطح بازی شان به مراتب بالاتر از تیمهای دیگر میباشد.

تیمهای دختران خوزستان، تهران، فارس و پسران خوزستان، فارس و تهران نیز از جمله تیمهای خوب این مسابقات هستند.

هندبال رشته ای است پرتحرک و بسیار شیرین که بدون شک در سالهای آینده بیشتر مورد توجه جوانان قرار می گیرد.

هفته پیش در رشته های تنیس روی میز و دوچرخه سواری مسابقات به پایان رسید و این نتایج بدست آمد:

دوچرخه سواری

- ۲۰ کیلومتر تا نیم تریل تیمی یک کیلومتر
- ۱- تبریز با ۵-۲۸ دقیقه
- ۲- خراسان با ۶-۲۰ دقیقه
- ۳- تهران با ۸-۳۰ دقیقه
- ۴- فارس ۵-آذربایجان غربی
- ۵- استان مرکزی

- ۱- علی پوربهر از تهران با ۲-۳۴ دقیقه
- ۲- علیرضا حضوری از تبریز با ۷-۳۸ دقیقه
- ۳- اصغر خداپا از تبریز با ۸-۴۰ دقیقه
- ۴- علی آبیاری از خوزستان
- ۵- رضاقلی زاده از خراسان
- ۶- رجبعلی طرقدری از خراسان

تنیس روی میز (تیمی)

پسران:

- ۱- خراسان (ناصر نیک اختر، کمال الدین غراب، محسن سیکارجی، مجتبی تبریزیان)
- ۲- تهران ۳- مازندران.

دختران:

- ۱- خراسان (فریبا قوام زاده، خدیجه وحدانی، افسانه قوام نصیری)
- ۲- تهران ۳- مازندران.



صحنه‌ای از مسابقه بسکتبال بین تیمهای فارس و کرمان که بسود کرمانی‌ها پایان پذیرفت.



صحنه‌ای از مسابقه بسکتبال بین تیمهای پسران بوشهر و زاهدان که بسود بوشهری‌ها خاتمه یافت.

و نرنست وجه بهتر که چین ورزشکاری هرگز میدان‌های مقدس ورزش راه نیابد. باین مقدمه به چگونگی مسابقه‌ها می‌پردازیم. در بسکتبال پسران ۲۵ تیم حضور داشتند که در پنج گروه چهار تیمی و یک گروه پنج تیمی بطور دوره‌ای با هم مبارزه کردند و بعد از انجام دیدارهای مقدماتی، از هر گروه دو تیم به شرح زیر مرحله بعدی مسابقه‌ها راه یافتند:

در دسته اول تیمهای تهران، همدان، آذربایجان غربی و یزد قرار داشتند که پسران تهران با سه پیروزی در مقابل رقبای هم گروه خود با برتری کامل اول شد و بدنبال تهران تیم آذربایجان غربی و ییز به مرحله بعدی صعود کرد. در دسته دوم تیمهای خوزستان، فارس، کرمان و سمنان رقابت داشتند که کرمان با درخششی چشمگیر اول شد و تیمهای فارس و خوزستان دوم و سوم شدند. در دسته سوم کرمانشاه، ایلام، گیلان و استان مرکزی جمع بودند و کرمانشاهی‌ها از همدان ابتدایکه تازی آغاز کردند و سرانجام با پیروزی بر سه حریف همگروه خود اول شدند و تیمهای استان مرکزی و گیلان به ترتیب به مقام‌های دوم و سوم دست یافتند. در دسته چهارم، پسران اصفهان با سه پیروزی چالب در مقابل چهار محال بختیاری، گرگان و لرستان قهرمان شد و بدنبال این تیم گرگان نیز بدو پیروز راه یافت. در دسته پنجم، مازندران، بندرعباس، کهگیلویه و بویراحمد و زنجان حضور داشتند که شمالی‌ها قهرمانی را بخود اختصاص دادند و بندرعباس و زنجان مکان‌های بعدی را تصاحب کردند. در دسته ششم، خراسان با چهار پیروزی در مقابل کردستان، بوشهر، زاهدان و آذربایجان شرقی بکار خود پایان داد و تبریز هم با تصاحب عنوان‌های دوم جواز ورود به مرحله یک‌دوازدهم را بدست آورد.

بسکتبال دختران

در بسکتبال دختران بیست تیم رقابت داشتند و در چهار گروه پنج تیمی بطور دوره‌ای دیدار داشتند که پس از پشت سر گذاشتن دیدارهای مقدماتی تیم‌های آذربایجان شرقی و غربی، خوزستان، گرگان، تهران، اصفهان، کرمان و مازندران به مرحله یک هشتم صعود کردند. ناکام بزرگ بسکتبال دختران، دو تیم استان مرکزی (شمیران) و خراسان بودند که با همه لیاقت و شایستگی با چشمان اشکیار، میدان را برای سایر رقبا خالی کردند، این دو تیم در حالیکه از خیلی‌ها سر بودند، در تقاض گل مغلوب حریفان شدند!

فوتبال

در فوتبال ۲۲ تیم رقابت داشتند که در چهار گروه بطور دوره‌ای مبارزه کردند که از دسته «الف»: تبریز و کهگیلویه - دسته «ب»: کرمانشاه و لرستان. دسته «ج»: همدان و استان مرکزی دسته «د»: بوشهر و یزد برای دیدارهای یک هشتم برگزیده شدند.

آخرین نتایج تادیشب!

بسکتبال دختران: اصفهان ۷-۰، کرمان ۲۲-۰، تهران ۳-۰، مازندران ۱۳-۰، تبریز ۳-۲، گرگان ۲۷-۰، رضایه ۶-۰، خوزستان ۵-۰
بسکتبال پسران: تهران ۳۳-۰، کرمانشاه ۶۶-۰، استان مرکزی ۶۱-۰، رضایه ۳۵-۰، اصفهان ۵۰-۰، کرمان ۵۳-۰، گرگان ۵۲-۰، فارس ۴۸-۰، مازندران ۵۷-۰، آذربایجان شرقی ۴۹-۰، خراسان ۵۷-۰، بندرعباس ۳۴-۰
 در قسمت دختران تیمهای اصفهان و آذربایجان شرقی (از گروه اول) و تیمهای تهران و مازندران (از گروه دوم) و در قسمت پسران تیمهای تهران و مازندران (از گروه اول) و خراسان و اصفهان (از گروه دوم) به مرحله نیمه نهایی صعود کردند. در مسابقات فوتبال که چهار تیم تبریز، کرمانشاه، یزد و کهگیلویه به نیمه نهایی رسیده‌اند دیدار تیمهای کرمانشاه و یزد که بعد از ۹ دقیقه ۲-۰ تمام شده بود برای شناختن تیم مسابقه نهایی به ضربات پنالتی کشیده شد، در شمارش تعداد پنالتی‌ها بین نادر لطیفی (داور مسابقه) و یازیکتان یزد اختلاف نظر پیش آمد، زیرا بر اثر شلوعی

زمین بازی کنترل شمارش پنالتی‌ها از دست داور خارج شد. و تیم بوشهر بحال اعتراض زمین را ترک گفت و کمیته فنی مسابقات تصمیم گرفت که بازی این دو تیم را تجدید کند. دیدار دیگر میان تیمهای کهگیلویه و تبریز انجام شد که تیم تبریز بعد از کسب نتیجه مساوی صفر بر صفر، در مسابقه پنالتی با نتیجه ۴ بر ۲ بر کهگیلویه پیروز شد و به مسابقه نهایی راه یافت.

مسابقات دوچرخه سواری مبتدیان برگزار شد

فدراسیون دوچرخه سواری ایران به منظور توسعه و تعمیم رشته دوچرخه سواری میان جوانان مبتدی، هفته گذشته مسابقه‌ای ترتیب داد که در آن ۴۰ دوچرخه سوار کم تجربه شرکت داشتند. این مسابقه به مسافت ۲۰ کیلومتر در جاده شرقی ورزشگاه آریاسهر برگزار شد و

توضیح درباره مقاله آکسیف

چون مطلب آقای بلوراج به کشتی در شاهنامه و همچنین تراکم اخبار مربوط به فوتبال جام ایران تعداد زیادی از صفحات اکسیف را به شماره بعد موکول می‌کنیم. این شماره‌ها را اشغال کرد با عرض معذرت از خوانندگان، چاپ بقیه داستان زندگی اکسیف را به شماره بعد موکول می‌کنیم.

تیم فوتبال پر قدرت جام تخت جمشید در رشت باشگاه ورزشی همای تهران با باشگاه ورزشی سپید رود رشت تیم خوش ترکیب جام تخت جمشید با تمام ملی پوشان ساعت ۵ بعد از ظهر جمعه سوم مرداد ماه در استادیوم ورزشی رشت برگزار میگردد

مهرشاد شریف در آستانه استادی بین المللی

از: حسینی سلور

چهار بعد از ظهر چهارشنبه ۲ تیرماه قهرمانان برگزیده کشور های اردن ، پاکستان ، سوریه ، لبنان ، هندوستان و ایران پیکار پرشور خود را برای گزینش قهرمان این منطقه جهانی - که مجاز به شرکت در مسابقات بین قاره ای می باشد - در تالار مجلل کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آغاز نمودند.

هرچه قبلاً بازیکنان مغولستان و عراق نیز آمادگی خود را برای شرکت در مسابقات اعلام کرده بودند ، ولی تا سوعدی که جهت قرعه کشی بازیها تعیین شده بود به تهران وارد نشدند و بهمین سبب قرعه کشی مسابقات بدون حضور بازیکنان دو کشور یاد شده انجام شد و بازیها طبق برنامه پیش بینی شده آغاز گردید .

دور اول بازیها تازه آغاز شده بود که فدراسیون شطرنج عراق تلگرافی اطلاع داد که یکی از قهرمانان خود را به تهران اعزام نموده است بازیکن مذکور سومی وارد تهران شد که قهرمانان شرکت کننده مبارزات اولین دور را پشت سر گذاشته بودند . با نظر کمیته برگزار کننده مسابقات و با توجه باینکه افزایش تعداد بازیکنان قبل از آغاز دور دوم در گونی چندان در روال عادی مسابقات ایجاد نمی کند ، قهرمان عراقی به جمع ۱۲ شرکت کننده دیگر پیوست و با توجه به فرد شدن تعداد شرکت کنندگان در هر دور یک بازیکن استراحت خواهد داشت .

ترتیب شماره بازیکن عراقی به نحوی تعیین گردید که در دور اول استراحت داشته باشد تا مسابقات در روزهای تعیین شده ادامه یابد .

نبرد خانگی

هیئت برگزار کننده مسابقات با توجه به این اصل که از احتمال تباہی بازیکنان هموطن جلوگیری نماید قرعه کشی مسابقات را بنحوی انجام داد که در اولین شب دو قهرمان شرکت کننده هر کشور در مقابل هم دست و پنجه نرم کنند و بهمین جهت دور اول را میتوان یک نبرد خانگی و از طرف دیگر مبارزاتی آرام و خالی از شور و هیجان پیکار اندیشه ها بشمار آورد . اگر چه در آن میان بازیکنانی را دیدیم که دور از اندیشه همبستگی ملی دستها از آستین بردارند و پیکاری شورانگیز و پرمساجرا به نمایش گذاشتند . مقابله هرندی و شریف دو چهره برتر

شطرنج ایران قطعه اوج این پیکارها و حادث ترین نبرد دور اول به حساب میاید . هرندی که با مهره سیاه شیوه دفاع سیسلی را برگزیده بود - در همان مرحله شروع بازی با تهاجم رقیب دیرینه خود روبرو گردید و بالاخره پس از حرکت سی و چهارم با شتردن دست هموطن خود پیروزی اورا تبریکه گفت .

علاوه بر دو قهرمان ایرانی که از مدعیان بزرگ این مسابقات می باشند دو بازیکن اردنی نیز دست به یک مبارزه جدی زدند تا جاییکه پس از چهل و دومین حرکت و گذشت ۵ ساعت وقت اولیه مسابقات در حالیکه « حمام » برتری قابل ملاحظه ای در مقابل هم - وطن خود « حمدان » بست آورده - بود ، ادامه بازی به صبح روز بعد موکول شد که نتیجه آن یک امتیاز برای « حمام » به ارصاف آورد .

چهار بازی دیگر ، آغاز و پایانی آرام و خالی از درگیری های هیجان انگیز داشت بطوریکه سورسوک و کواتلی از لبنان ، ناصر علی و « آرون » از هند ، فاروقی و ستار (از پاکستان) ، ریفای و کساب (از سوریه) خیلی زود به یک تساوی رضایی رسیده دادند . مسلماً چنین روش حسابگرانه ای غیرعقلانه بنظر نمی رسد چه آنها علاوه بر اینکه نیروی خود را برای مبارزه بعدی ذخیره میکنند ، موجب نمیشود تا روحیه جنگندگی یکی از آنها تا حدودی دستخوش تزلزل گردد .

بازیهای دور دوم

دومین دوره مسابقات را میتوان آغازگر نبردی واقعی در تمامی صحنه ها دانست . هرنندی - که از تجربه کوالی در صحنه های بین المللی برخوردار است بکس گروه یابادی از شطرنج بازیان که با یک شکست دچار تزلزل و ناامیدی میشوند و روحیه خود را زنده می کنند کمتر دیده شده که تحت تأثیر چنین مسائلی قرار گیرند و همین امر به سولفت های او بسیار کمک نموده است . بی جهت نبود که دور دوم یکی از بهترین بازیها را به نمایش گذاشت و حریف سوری خود را خیلی زود به زیر کشید . هرندی - که لفظ ۵ دقیقه فکر کرده بود - در حرکت سی ام در حالی پیروز شد که رقیب او پیش از دو ساعت از زمان اختصاصی خود را صرف نموده بود .

آرون هندی و ظهیرالدین فاروقی (قهرمان پاکستان) یکی از بازیهای بر هیجان دور دوم را برگزار نمودند . قهرمان



مهرشاد شریف شطرنج باز جوان ایرانی ، در پایان دور سوم سابقه های غرب آسیا با سه پیروزی و سه امتیاز پیش از ۳ قهرمان شرکت کننده است . شریف با احتمال قوی می رود که نخستین شطرنج باز ایرانی باشد که به گرفتن لقب استادی بین المللی نایب میشود . این عکس شریف را در بداردی شب با ستار (از پاکستان) نشان میدهد .

از ۱۸ حرکت - در حالی که بیش از یک ساعت از شروع بازی نگذشته بود - بازیکن پاکستانی در مقابل قدرت قهرمان زیرنقش ایران تسلیم فرود آورد . شریف که اکنون با سه امتیاز از - بازی جلوتر از سایر قهرمانان غرب آسیا کام بر میآورد ، یکی از بزرگترین بخت داران این مسابقات بشمار میرود و بی شک بازی روالی عادی داشته باشد ، بی شک هر دو چهره صاحب نام ایران پس از آنها انتظار رقابم ارزمنند استادی بین المللی را برای هموطنان خود با رصاف میآورند و یکی از آنها را همی مسابقات بین قاره ای خواهد شد . امری که آرزوی بزرگ دوستداران و علاقمندان به شطرنج است و میتواند پیشرفت و گسترش روز افزون شطرنج را در میان جوانان ما موجب گردد .

در شماره آینده ضمن تفسیر بیشتری درباره رویدادهای این مسابقه بزرگ ، بازیهای از قهرمانان صاحب نام غرب آسیا را برای استفاده علاقمندان درج مینمایم .

نتایج مسابقات دور سوم (دیشب)

آرون (از هند) با حمدان (از اردن) برنده آرون
مبارک (از عراق) با ناصر علی (از هند) برنده مبارک
مهرشاد شریف (از ایران) با ستار (از پاکستان) برنده شریف
خسرو هرندی (از ایران) با کساب (از سوریه) نیمه تمام
کواتلی (از لبنان) با فاروقی (از پاکستان) نیمه تمام
حمام (از اردن) با ریفای (از سوریه) نیمه تمام
(در پایان دور سوم مهرشاد شریف با سه امتیاز (بدون باخت) در صدر رده بندی قرار دارد و به دنبال او ، آرون » (از هند) با ۲/۵ امتیاز در رتبه دوم بر میآید .

شخصه در ۱۵۰۰ واحد بانکر اعتبار داده

با دفترچه حساب پس انداز در گوشه بنشینید تا این که هر چه بخواهید
شماره ترستیبه، زیل با این تا این که ۱۵۰۰ شعبه را در دفتر
حساب پس انداز در گوشه، اعتبار داده تمام این شعبه است



نیف و تن به با دفترچه حساب پس انداز در گوشه بنشینید



بانک ملی ایران

کانادا



حال میاره

